

# بفتنه

אָפֿק  
בינה

فرهنگی - اجتماعی - خبری  
ارگان انجمن کلیمیان تهران

شماره	سال	بیستم
۴۷	بهار ۱۳۹۷	شمسی
	۵۷۷۸	عبری
	۲۰۱۸	میلادی

بینا و آغازیست سالگی  
شب هارون یشایای  
معرفی کتاب علم الهی  
افول یک ستاره  
انتظاری شیرین





## آغاز بیستمین سال فعالیت مجله افق بینا خجسته باد



سال ۱۳۹۶ ایستاده از راست: ژان پایاب، امیر فراز نعیموت، مهران ملک، امید محبتی مقدم، المیرا سعید، لیورا سعید، الهام مؤدب، شرکان انورزاده، مژده یمینیان، دوریتامعلمی، فرینوش لازار، امیدشایان مهر، مردخای امین شموئلیان و بهزاد نصیرزاده. نشسته از راست: آرش آبائی، همایون سامه یح، رحمن دلرحیم، فرانک عراقی و نسترن جاذب.



سال ۱۳۹۵

ایستاده از راست: پرهام رادپور، نیوشاپایاب، ژان پایاب، امید شایان مهر، سلیمان کهن صدق، امیرفراز نعیموت، مرجان یشایی، حمید اقبالی، همایون سامه یح، بهادر میکائیل، بهزاد نصیرزاده و مردخای امین شموئلیان. نشسته از راست: فرینوش لازار، الهام مؤدب، لیورا سعید، دوریتامعلمی، رحمن دلرحیم، رامین لاله پور، نسترن جاذب، فرانک عراقی، مژده یمینیان، شرکان انورزاده و نغمه عاقل.



سال ۱۳۸۰

ایستاده از راست: ماهیار کهن باش، فرهاد افرامیان، رحمن دلرحیم، آرش آبائی، فرهاد روحانی و بیژن آصف. نشسته از راست: سارا حی، ماریتا ماه گرفته، شیرین آذری، مرجان ابراهیمی، لیورا سعید و سیما مقتدر



سال ۱۳۷۹: ایستاده از راست: نانسی شکسته بند، سارا حی، لیورا سعید، شرلی آذری، شیرین آذری، المیرا سعید، بیژن آصف، آرش آبائی، فرشید مرادیان، مژده یمینیان، شیوا رحیمیان، رحمن دلرحیم، شهرام فروزانفر، سیما مقتدر و یوسف ستاره شناس. نشسته از راست: مژده میونیت، الهام آبائی، طناز ستاره شناس، شرکان انور زاده، پریسا اوریل و گلادی گیدانیان



سال ۱۳۷۸

ایستاده از راست: لیورا سعید، فرانک عراقی، الهام یگانه، کیارش یشایی، آرش آبائی، شهرام فروزانفر، فرزاد طوبیان، افشین تاجیان، الهام مؤدب، آرزو ثنائی، شارونا نصیرو یعقوب صوفرزاده. نشسته از راست: فرناز سنه ای، الهام آبائی، مژده صیونیت، بهناز وفا منصور، سارا حی، نغمه عاقل، سیما مقتدر و شرکان انور زاده



# ب"ה

אָפּק  
בִּינָה

فرهنگی - اجتماعی - خبری  
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال بیستم - شماره ۴۷

بهار ۱۳۹۷ شمسی

ایار ۵۷۷۸ عبری

آوریل ۲۰۱۸ میلادی

صاحب امتیاز: انجمن کلیمیان تهران

مدیر مسئول: دکتر همایون سامه‌یح

سردبیر: فرانک عراقی

مدیر اجرایی: نسترن جاذب

همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:

آرش آبابی - شرگان انورزاده - اتوسا آرمین - ژان پایاب - نیوشا پایاب  
نسترن جاذب - تینا ربیع‌زاده - رحمن دلرحیم - لیورا سعید - المیرا سعید  
امید شایان‌مهر - مردخای امین شموئلیان - فرانک عراقی - فرزاد طوبیان  
فرینوش لازار - امید محبتی مقدم - مهران ملک - دوریتا معلمی  
بهادر میکائیل - الهام مؤدب - امیرفرزاد نعیموت - بهزاد نصیرزاده  
مرجان یشایایی و مژده یمینیان .

ویراستاران: آرش آبابی - فرانک عراقی

حروف‌چینی و صفحه‌آرایی: نسترن جاذب

طراحی جلد: مردخای امین شموئلیان

عکس جلد: مردخای امین شموئلیان - کوروش شایان‌مهر

تایپ متون عبری: یورام هارونیان

امور چاپ: بهزاد نصیرزاده

نشانی نشریه: تهران - خیابان شیخ‌هادی - شماره ۲۲۳ - طبقه سوم

کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷

تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶ - ۶۶۷۱۶۴۲۹ - نمابر:

نشانی الکترونیکی: [bina126@iranjewish.com](mailto:bina126@iranjewish.com)

پایگاه اینترنتی: [www.iranjewish.com](http://www.iranjewish.com)

◆ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است .

◆ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده بلامانع است .

◆ طرح روی جلد: نقاشی آبرنگ، اثر استاد یعقوب صوفرزاده، هنرمند معاصر، شکافته شدن دریا و عبور بنی‌اسرائیل به رهبری حضرت موسی (ع)

افق بی‌نا - אָפּק בִּינָה - در عبری به معنای چشم‌انداز آگاهی و بصیرت است

## \* افق‌بی‌نا و آغاز بیست سالگی

- سخن سردبیر: بیست سالگی، اوج بالندگی و شکوفایی / فرانک عراقی / ۲
- سرمقاله: نشریه افق‌بی‌نا، سرآغاز فصلی جدید / دکتر همایون سامه‌یح / ۳
- نشریه نیاز ضروری جامعه / دکتر سیامک مره‌صدق / ۴
- تبریک بیست سالگی افق‌بی‌نا / هارون یشایایی / ۵
- سرانجام، بیست سالگی / مهندس آرش آبابی / ۶
- آهسته و پیوسته / لیورا سعید / ۷
- داستان یک آغاز / الهام مودب / ۸
- برای بینای عزیزم / شرگان انورزاده / ۸
- روزی که بی‌نا متولد شد / مژده صیونیت / ۹

## \* مذهبی

- سفیرت هاعومر / امید شایان‌مهر / ۱۰
- نظام اخلاق دینی یهودیت تلمودی / مهندس مردخای امین شموئلیان / ۱۱

## \* گزارش و مصاحبه

- شب هارون یشایایی / مرجان یشایایی / ۱۳
- در مدح پرویز خان یشایایی / سید علی میرفتاح / ۱۸
- کتاب را به حرف آوردم / لیلا باقری / ۲۰
- نمی‌خواهم هیچ قلبی دردمند باشد / فریبا نباتی / ۲۲

## \* فرهنگی، اجتماعی

- افول یک ستاره / فرانک عراقی / ۲۵
- جایگاه زن در آیین یهود (بخش پایانی) / نسترن جاذب / ۲۷
- گذری بر تاریخچه کنیسه‌های تهران (اتفاق) (بخش اول) / مهران ملک / ۳۱
- سیر تاریخی یهودیت در بلغارستان / دکتر ژان پایاب / ۳۳
- بررسی فرش اهدایی ناصرالدین شاه قاجار / افشین میرعبدالله لواسانی / ۳۵
- جام‌جم را از چه کسی طلب کنیم (قسمت دوم) / الهام مودب / ۳۸
- یهودیان گرجستان / میلاد خردمهر / ۴۳
- ساختار سندساختی قباله‌های ازدواج یهودیان / شقایق غفاری‌پناه / ۴۴
- آشنایی با مشاهیر یهود جهان: ولفگانگ پاولی / نیوشا پایاب / ۴۶

## \* ادب و هنر

- معرفی کتاب علم الهی / مهندس امید محبتی مقدم / ۴۷
- معرفی کتاب روزی که اسم خود را دانستم / مهندس آرش آبابی / ۴۹
- قرعه‌ی زندگی / المیرا سعید / ۵۰
- روزهایی هست / شرگان انورزاده / ۵۱
- ما قوم شهریاریم / دکتر پژمان کوخاییم / ۵۱

## \* طنز

- آقای محترم از شما زرنگ‌تر هم وجود دارد / رحمن دلرحیم / ۵۲
- موعده‌دیدی خیلی دیدنی / شیپورچی / ۵۴

## \* تغذیه

- سندرم شب‌خوری / مژده یمینیان / ۵۶

## \* حقوقی

- انحصار وراثت / امیرفرزاد نعیموت / ۵۸

## \* گزارشات و اخبار

- همایش فرهنگی کتابخانه / لیندا لوی شوقی / ۵۹
- گزارش کمیته جوانان / ادموند معلمی / ۶۰
- گزارش مرکز موسیقی / مهندس فریدون طوبی / ۶۱
- اخبار / مهندس امید محبتی مقدم / ۶۲



کهن سخن سردبیر

## بیست سالگی، اوج بالندگی و شکوفایی

فرانک عراقی

کارشناس ارشد (روزنامه نگاری)

### مجله افق بینا بیست سالگی خود را آغاز کرد.

رسیدن به بیست سالگی یک اتفاق مهم است که با خودش مسوولیت‌های جدید می‌آورد. بیست سالگی اوج جوانی و بالندگی و شکوفایی است. دورانی که انسان‌ها سرمست از نیروی جوانی، به افق دور موفقیت‌ها چشم می‌دوزند. اما در مجله و سایر سازمان‌ها این سن نشانگر نوعی پختگی است. دورانی که می‌توان با به‌کارگیری از تجربیات گذشته قله‌های موفقیت را قابل دسترس کرد.

روزهای اولی که این مجله با عنوان بولتن خبری انجمن کلیمیان پا گرفت را خوب به خاطر دارم، دانشجوی روزنامه‌نگاری بودم و پر از افکار بالا بلند و رویایی.....

روزی برحسب اتفاق رییس انجمن وقت را در کتابخانه انجمن دیدم. هارون یشایایی جاذبه و دافعه را یک‌جا با هم داشت. نمی‌دانستم اگر مطلب را به او بگویم چه واکنشی خواهد داشت. دوردور با او و شخصیت فرهنگی‌اش آشنا می‌باشتم. دل به دریا زدم و از او خواستم مجله‌ای را برای جامعه خودمان راه‌اندازی کنیم و گله کردم که چرا بعد از تموز (که ۱۲ سال منتشر می‌شد و با اقبال عمومی روبرو بود) هرگز مجله یا روزنامه‌ای در جامعه نداشتیم.

صحبت‌ها را با علاقه دنبال کرد و همان موقع قول داد که انجمن حمایت خود را از راه‌اندازی نشریه اعلام می‌کند، اما باید با بولتن خبری شروع کنیم و به تدریج به مجله برسیم. همکاری من و تعدادی از دوستان با این طرح آغاز شد و سرانجام در فروردین ماه ۱۳۷۸ رویای من به واقعیت تبدیل شد و اولین شماره مجله با نام بینا منتشر شد که بعدها بعد از ۶ شماره به «افق بینا» (به علت اسم مشابه) تغییر نام یافت.

دوستان زیادی از ابتدای راه همراه بینا بودند، جلسات پرشور برگزار می‌شد و پرویز خان همان‌طور که قول داده بود هرگز حمایت خود را از این جریان فرهنگی قطع نکرد، با وجود مشغله زیادش در جلسات شرکت می‌کرد، به توضیحات دوستان گوش می‌داد، نظرها می‌سازنده می‌داد و تشویق می‌کرد.

به تدریج عده‌ای مهاجرت کردند، عده‌ای کم کار شدند، تعدادی ازدواج کردند و مشغله‌شان زیاد شد، مسوولین انجمن تغییر کردند، سردبیر و مدیر مسوول هم عوض شد، اعضای هیات تحریریه تغییر یافتند اما خوشبختانه مجله هر چند که مدتی به صورت گاهنامه منتشر می‌شد، هرگز تعطیل نشد. عده‌ای از دوستان خستگی‌ناپذیر، همراه بینا ماندند و بدون چشم‌داشت، همکاری‌شان را تا به امروز ادامه دادند.

بینا راه دراز و پرفراز و نشیبی را طی کرد و به این ترتیب ۱۹ سال گذشت و امسال وارد بیستمین سال فعالیت خود شد. تاریخ مطبوعات نشان می‌دهد که اکثراً تا نیمه راه هم نرفته‌اند و این برای اهل قلم درد آور است. مجله افق بینا یک نشریه فرهنگی-اجتماعی-خبری ایرانی/یهودی است که بازتاب زندگی چند هزار ساله‌ی ایرانیان است که فارغ از کیش و مذهب با هم‌میهنان خود زندگی کردند.

**اینک افتخار داریم که بگویم بینا گنجینه‌ای از تجربیات گران بها دارد که می‌تواند راه خود را بهتر از گذشته ادامه دهد.**

**امیدوارم با همکاری دوستانی که همواره به اعتلای فرهنگ اعتقاد دارند، سطح مجله را بالا و بالاتر ببریم و آیندگان نیز مشعل بینا را همواره فروزان نگاه دارند. ■**





## نشریه افق بینا، سر آغاز فصلی جدید

دکتر همایون سامعیع

رئیس انجمن کلیمیان تهران

**نشریه افق بینا**، سر آغاز فصلی جدید در فعالیت‌های فرهنگی جامعه کلیمیان ایران است. بیست سال پیش این نشریه، با اهداف فرهنگی، خبری، اجتماعی با همت نسل جوان و حضور موثر آقای هارون یشایایی، رئیس وقت انجمن کلیمیان تهران شروع به انتشار کرد. خوشبختانه امروز نیز این مجله تداوم خود را حفظ کرده، هر چند که مدتی با فواصل زیاد به چاپ رسیده است اما بسیار خوشحالم از این که به هر حال انتشار پیدا می‌کند و در حال حاضر نیز این کاستی از میان رفته است.

با آمدن نوروز و عید پسخ، سالگرد انتشار این مجله نیز فرا می‌رسد. انجمن کلیمیان تهران با انتشار این مجله علاوه بر این که پل ارتباطی بین جامعه کلیمیان و جامعه بزرگ‌تر برقرار می‌سازد، می‌تواند علاقمندان و متفکران و نویسندگان جامعه را ترغیب نماید تا مطالب خود را منتشر کنند، علاوه بر این مجله تریبونی است برای عملکرد انجمن و تلاش‌های اعضای آن و انعکاس و درج این تلاش‌ها در مجله که باعث آگاهی افراد جامعه می‌شود.

ضمن عرض شادباش سال جدید شمسی و عید پسخ (آزادی) به تمامی همکیشان عزیز، آغاز بیستمین سالگرد انتشار بینا را به تمامی دست‌اندرکاران و اعضای فعال این مجله که توانسته‌اند در طی این سال‌ها همچنان با پشتکار و بدون چشم‌داشت مجله را سرفراز نگاه دارند تبریک می‌گوییم و امیدوارم که در آینده نیز موفق‌تر از گذشته به کار خود ادامه دهند. ■



## نشریه، نیازی ضروری برای جامعه

دکتر سیامک مره‌مدق

نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی



انتشار افق بینا به عنوان ارگان رسمی انجمن کلیمیان حرکتی مهم و اثرگذار در جامعه‌ی ایرانیان کلیمی است که با دو هدف اصلی اطلاع‌رسانی درون جامعه و اعلام مواضع کلی جامعه جهت آگاهی هموطنان غیرکلیمی و یا حتی اعلام مواضع در سطح جهان انجام گردیده است.

انجام این وظیفه مانند هر پدیده دیگری با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده اما دوام و استمرار این حرکت مهم‌ترین ویژگی است که امیدوارم در آینده نیز امتداد یابد.

البته در این فرصت مختصر قصد نقد نشریه افق بینا را ندارم و امیدوارم که با توجه بیشتر به ویراستاری مطالب شاهد رشد نشریه در زمینه‌های کمی و کیفی بوده و در مسیر زمان هر شماره موفق‌تر و کامل‌تر از شماره پیش باشد.

برای تمامی دست‌اندرکاران این نشریه به ویژه هیئت تحریریه محترم و سردبیر و مدیر مسئول کوشای آن آرزوی موفقیت روزافزون دارم. ■

تاریخ نشر روزنامه و نشریه در جامعه‌ی ما حداقل از زمان اواخر قاجاریه به صورت مدون شروع می‌شود و از آن زمان نشریات متفاوتی از سوی ایرانیان کلیمی منتشر شده که در هر زمان بنا به شرایط خاص فرهنگی و سیاسی کشور شکل گرفته است.

اوج‌گیری این جریان به ویژه در سال‌های پس از ۱۳۲۰ رخ می‌دهد و نشریات متعددی متعلق به جناح‌ها و احزاب مختلف سیاسی به نام کلیمیان و برخی نیز واقعا توسط ایرانیان یهودی منتشر می‌شود.

پس از انقلاب وجود نشریه‌ای که نظرات جامعه کوچک ما را بیان کند و به اطلاع بقیه هموطنان برساند و از سوی دیگر اخبار جامعه را برای همکیشانمان انعکاس دهد نیازی ضروری بوده که در سال‌های آغازین انقلاب توسط نشریه تموز (ارگان جامعه روشنفکران کلیمی ایران) به تناسب شرایط فرهنگی و اجتماعی انجام می‌شده است.





## تبریک بیست سالگی افق بی‌پنا

هارون پیشایایی

مدیرمسئول پیشین و بانی نشریه افق بی‌پنا

بی‌انصافی است اگر توجه و همکاری نهادهای جمهوری اسلامی ایران را در رابطه با مشکلات جوامع اقلیت‌های دینی و مخصوصاً یهودیان نادیده بگیریم که در بسیاری از موارد موجب آسایش خاطر و قدردانی جامعه کوچک یهودیان بوده است. در بسیاری از موارد تا آنجا که من مسئولیتی در افق بی‌پنا داشتم، دوستان و خوانندگان مسلمان با علاقه فراوان مطالب مطرح شده در نشریه را پیگیری نموده و دیگران را تشویق به خواندن نشریه افق بی‌پنا می‌نمودند. در بسیاری از موارد در مجلات مختلف از آنچه در افق بی‌پنا نوشته شده بود نقل قول شده است. در مواردی پایان‌نامه‌های دانشجویی که در مساله مربوط به اقلیت‌های دینی و یا یهودیان نوشته می‌شد و در چند مورد شخصاً حضور داشتم، در موارد بسیاری مطالبی از افق بی‌پنا آورده می‌شد و این خود نشانگر آن بود که نشریه تأثیر مطلوب خود را در میان خوانندگان گذاشته و مورد استفاده آنها بوده است و این خود خدمتی فرهنگی در خور توجه و تحسین است. اما در مورد خبرهای مربوط به فعالیت‌های جامعه یهودی به نظر می‌رسد که انتشار کلیشه‌ای خبرها، خواننده‌ی غیر یهودی را با تأثیر این گونه فعالیت‌ها آشنا نمی‌کند. به نظرم بهتر است که مطالب خبری طوری تنظیم شود که ارتباط جامعه یهودی با جامعه بزرگتر منعکس شود. به طور مثال وقتی یک مسابقه ورزشی بین جوانان یهودی با گروه‌های غیر یهودی برگزار می‌گردد فقط به انتقال خبر اکتفا نکنند، مثلاً ضمن گزارش مسابقه با طرف‌های دیگر هم مصاحبه و گفت‌وگو کنند و با آنها ارتباط برقرار کنند تا احتمال آشنایی متقابل به‌وجود آید، یا در مواردی که گفت‌وگویی بین گروه‌های مختلف پیش می‌آید طرفین را تشویق به ادامه رابطه نماییم و همه چیز را در همان جلسه خلاصه نکنیم. البته می‌دانم که این کار به یک اراده جمعی احتیاج دارد که در هر صورت اندک اندک باید شروع کرد. حرف آخر این که جلسات هیئت تحریریه اهمیت ویژه‌ای دارد. شرکت در جلسات هیئت تحریریه، مقدمه‌ی آشنایی‌های پایدار خواهد بود، حضور در جلسات را باید جدی گرفت و محیط را چنان سازمان داد که علاقه به حضور افراد در جلسات به وجود آید، ارائه دهندگان مطلب فقط فرستادن مطلب خود را کافی ندانند، می‌توان از پیشکسوتان در مواردی به عنوان میهمان دعوت نمود تا هیئت تحریریه افق بی‌پنا انشالله به یک نهاد ماندنی تبدیل گردد. با آرزوی سلامتی و موفقیت برای دست‌اندرکاران نشریه افق بی‌پنا و تبریک مجدد به مناسبت بیست سالگی انتشار آن. ■

بیست سالگی انتشار مجله افق بی‌پنا یادواره‌ای فرخنده است، اول به این دلیل که از نخستین سال‌های انتشار روزنامه یا مجله‌ای از طرف جامعه یهودی ایران، افق بی‌پنا تنها نشریه‌ای است که به سن بیست سالگی می‌رسد.

از سال‌های ۱۳۰۰ شمسی تاکنون به جز هفته‌نامه تموز، ارگان جامعه روشنفکران یهودی ایران که از سال ۱۳۵۸ به مدت ۱۲ سال بی‌وقفه منتشر شد، به گواهی بررسی تاریخ روزنامه‌نگاری در جامعه یهودی هیچ روزنامه یا نشریه‌ای بیش از سه سال تداوم انتشار نداشته است و از این رو عمر بیست ساله افق بی‌پنا با همه فرودها و فرازهای آن غنیمتی بزرگ است که نتیجه همکاری و علاقه نسل جوان یهودی ایران برای اقدام به کارهای فرهنگی و مطبوعاتی بوده است.

صمیمانه تبریک می‌گویم به همه کسانی که در این مدت به ادامه انتشار نشریه کمک کرده‌اند و مخصوصاً نسلی از جوانان یهودی که در واقع کار مطبوعاتی را در این نشریه آغاز کرده و ادامه داده‌اند و بی‌سیاسی است اگر از دوست عزیز و دانشمند خود آقای آرش آبابی یاد نکرده باشم که با صبر و متانت و علاقه فراوان در شروع و ادامه کار افق بی‌پنا زحمات فراوان کشید و از گروه هیئت تحریریه که خوشبختانه نام بسیاری از آنها هنوز در همکاران افق بی‌پنا دیده می‌شود با نیک نامی و قدردانی یاد می‌کنم.

اهمیت انتشار افق بی‌پنا با اینکه رابطه‌ای ارگانیک با خوانندگان یهودی خود نداشت در این بوده و هست که بدنه جامعه یهودی از معرض سخنرانی‌های تکراری و بی‌محتوای بعضی سخنرانان که گفتارهای خود را با پوشش چند داستان یا نقل قول از منابع دینی یکنواخت‌تر می‌کنند، تا حدودی رهایی می‌یابد و رفته رفته نه فقط به سخنان این و آن، بلکه به خواندن مطالب دینی و اجتماعی و قضاوت درباره آنها عادت می‌کند و خود نه فقط به گفتن بلکه به نوشتن روی می‌آورد. اما اهمیت دیگر افق بی‌پنا که از اولین شماره انتشار مورد نظر بوده و بر آن پای فشرده‌ایم، ایجاد رابطه فرهنگی و آشنایی با اصول و حقوق و فقه یهود با سایر هم‌وطنان مخصوصاً ایرانیان مسلمان بوده که امیدوارم با توجه مسئولین کنونی همچنان ادامه یابد. اهمیت انتشار افق بی‌پنا در جامعه بزرگ ایران مخصوصاً بعد از سال‌های انقلاب اسلامی، شناساندن اعتقادات و فرهنگ یهود در سطحی وسیع‌تر می‌باشد که در بعضی موارد از طرف بعضی گروه‌ها با توجه به موضوعیت شرایط جهان سیاست، سخت مورد بی‌مهری و گاهی غرض‌ورزی قرار گرفته و می‌گیرد.





## سرانجام، بیست سالگی

مهندس آرشد آباءئی

محقق و مدرس در موزه یهودیت

شد). اما علیرغم این پستی و بلندی‌ها، معدل آن، قابل قبول  
و مایه‌ی سربلندی و آبروی جامعه‌ی کلیمی است.  
درباره‌ی بینا، مطلب و خاطره بسیار است، اما به ذکر  
چند نکته‌ی مهم اکتفا می‌کنم.

نخست؛ این مجله، در کنار کارکرد اطلاع رسانی و  
انتشار مطالب فرهنگی جامعه کلیمی، یک مرجع و سند نیز  
محسوب می‌شود. مرجعی برای مخاطبان ایرانی امروز و  
سندی برای پژوهندگان آینده درباره‌ی وضعیت جامعه  
کلیمی در این دوران. همان‌گونه که بارها شفاها و کتبا  
گفته‌ام، این مرجع و سند باید با دقت و وسواس بسیار تهیه  
شود، امری که گاه با بی‌توجهی روبرو شد، هرچند همان  
بی‌توجهی‌ها هم سندی برای وضعیت جامعه کلیمی  
محسوب می‌شود. لذا هیئت مدیره انجمن و همه  
اندیشمندان جامعه باید به اهمیت این سند واقف باشند.

دوم؛ بینا، ارگان انجمن کلیمیان تهران است و تغییرات  
اعضای هیئت مدیره و رئیس آن، از نظر حقوقی بر مدیریت  
مجله تاثیر می‌نهد، اما لزوما ساختار و محتوای آن نباید با  
سلیقه و منش هیئت مدیره تغییر کند. استقلال فکری و  
محتوایی مجله، بر اعتبار آن خواهد افزود و این امری است  
که در میانه‌ی اختلاف نظرهای موجود در جامعه کلیمی و  
حتی در میان اعضای هیئت مدیره انجمن، باید مورد احترام  
قرار گیرد.

و سرانجام، پس از بیست سال تلاش، ضمن تحسین  
فعالیت‌های همه‌ی دست‌اندرکاران نشریه افق بینا، باید از  
پایه‌گذار و موتور محرکه‌ی تقریباً دائمی آن، هارون یشایایی  
نام برد که سهم بزرگی در این نهاد دارد.

همه‌ی دوستان بینا، شاد و سرافراز باشید. ■

فروردین ۱۳۹۷، شروع بیستمین سال فعالیت مجله بینا  
است. فروردین ۱۳۷۸ در حالی نخستین شماره مجله بینا در  
مراسم افتتاحیه‌ی مجدد ساختمان سرابندی توسط اعضای  
سازمان دانشجویان یهود توزیع می‌شد که ما هیئت تحریریه  
اولیه‌ی آن سر از پا نمی‌شناختیم تا آنچه را که چند ماه  
برایش زحمت کشیدیم، ورق بزنیم. طرح جلد آن (با  
مضمون سمبل‌های داستان‌های تورات) ابتکار هارون  
یشایایی (اولین مدیرمسئول و پایه‌گذار مجله) بود که هنوز  
هم از برترین طرح‌های مجله است.

مجله بینا در سال نخست انتشار، بیشتر محل تلاقی  
افکار و شور و شوق دوستانی بود که هر یک می‌توانستند  
سردبیر نشریه‌ای باشند و البته فضای سال ۷۸ نیز شوق  
نوشتن و انتشار را دو چندان می‌کرد. در اردیبهشت همان  
سال، در حالی که یک ماه از انتشار نخستین شماره گذشته  
بود، انجمن کلیمیان برای اولین بار در نمایشگاه مطبوعات  
با همان تک نسخه‌ی بینا حضور یافت و همان حضور،  
سنگ بنای شناخت نوین و متقابل جامعه‌ی متفکر کشور و  
طبقه‌ی اندیشمند کلیمی شد. بینا شروعی بسیار قدرتمند  
داشت، هرچند به تدریج ساختار و شکل پیدا کرد.

در ابتدا قرار بر انتشار ماهانه بود، اما گذشت زمان و  
مهاجرت پی در پی همکاران، فاصله‌ی انتشار آن را بیشتر  
کرد. این که مخاطب اصلی مجله چه کسانی هستند از همان  
ایام سوال مهم اعضای تحریریه بود و این سوال تا به امروز  
نیز مطرح است. این مجله طی بیست سال، فراز و  
نشیب‌های زیادی را در محتوا و کیفیت پیموده که علت  
اصلی آن، تغییرات نامطلوب مدیریت و سردبیری آن است  
(حتی در دوره‌ای طولانی این مجله بدون سردبیر منتشر





## آهسته و پیوسته

لیورا سعید

کارشناس ارشد روانشناسی

پسران مشتاق و باهوش را به دلیل مهاجرت از بینا جدا کرد، مدیر مسئول تغییر کرد، سردبیر عوض شد و افراد دیگری با ایدئولوژی‌ها و سلايق دیگری روی کار آمدند، اما بینا پیش رفت و به راه خود ادامه داد، خط به خط و صفحه به صفحه شکل داده می‌شد و به دست مخاطبانش می‌رسید.

تغییرات به همین جا ختم نشدند و بینا باز هم شاهد تغییر و تحولاتی در طول زمان شد؛ مدیر مسئول، سردبیر، چاپ خانه، مدیر اجرایی، هیئت تحریریه، عده‌ای ماندند، برخی رفتند، عده‌ای جدید آمدند و ....

به «بودن» این مجله که فکر می‌کنم می‌بینم بینا از خصوصیت زندگی پیروی می‌کند؛ بینا نبض دارد.

همچو زندگی که وجود دارد .... آدم‌ها می‌آیند، رشد می‌کنند، می‌روند، ساختمان‌ها بنا می‌شوند، دوباره فرو می‌ریزند، فصل‌ها عوض می‌شوند، گل‌ها می‌رویند، گیاهان خشک می‌شوند، سنگ‌ها جا به جا می‌شوند، اما چیزی که هست در هر حال زندگی سرچایش هست، زندگی وابسته به هیچ چیز نیست و در عین تغییر و تحولاتی که در آن رخ می‌دهد، وجود دارد. بینا هم بی‌وقفه می‌تپد. بودن بینا به آهسته و پیوسته رفتن آن است؛ میزبانی است با سفره‌ای گسترده که پذیرایی می‌کند، علیرغم پستی بلندی‌ها و چالش‌های زیاد، به چپ و راست منحرف نمی‌شود، با طریقی متعادل، روان و جاری و بدون توقف فعالیت می‌کند.

کسانی که از ابتدا با این نشریه همراه بودند با من موافقت که بیشتر از آن که ما چیزی به بینا بدهیم، بینا به ما آموزش می‌دهد، اراده می‌دهد، قدرت ابراز می‌بخشد، اندیشیدن می‌آموزد، فرصت می‌دهد، صبوری عطا می‌کند، قابلیت و توانمندی می‌دهد، ترغیب و تشویق می‌کند، پذیرش انتقاد یاد می‌دهد، بینا دید و بصیرت می‌دهد. بینا همچنین امکان می‌دهد .... امکان دیدن تعصب، قضاوت، غرور و بزرگ‌بینی را به عنوان خطاهای ذهنی یک نویسنده به ما می‌دهد.

بینای بیست ساله همچنان در حال رفتن و گذران دوران جوانی و نزدیک شدن به پختگی و کمال خویش است. ■

بیست سال پیش در سال ۷۷ که هنوز بینا به صورت مجله درنیامده بود، وقتی مطلب برای بار اول در بولتن خبری انجمن کلیمیان چاپ شد و به دستم رسید، به یاد دارم آن قدر ذوق کرده بودم که کم مانده بود پرواز کنم؛ انگار بازیگر نقش اول فیلمی بودم که اکران شده بود یا گویا کتابم از چاپ درآمده بود. کمی بعد در سال ۷۸ که بینا به صورت رسمی مجله شد، اعتماد به نفس من برای نوشتن بیشتر شد و یادم می‌آید به قدری جرات پیدا کردم که همان سال با کمک دوستانم فصلنامه‌ای علمی دانشگاهی را در دانشکده‌مان شکل داده و آن، مقدمه‌ای شد برای راه یافتن به مجلات دیگر و نوشتن برای آنها که اکنون اکثرشان فعالیت خود را ادامه نداده‌اند و مجلاتی دیگر که به تازگی کار خود را شروع کرده‌اند و آینده‌شان نامعلوم است.

در حال فکر کردن به روند کاری این مجلات بودم که متوجه خصوصیتی در مجله‌ی بینا شدم که «آهستگی و پیوستگی» آن است. مجله از همان سال‌های اولیه‌اش با منابع قدرتمندی آغاز به کار کرد؛ یک مدیر مسئول حرفه‌ای و سردبیران آشنا به کار و تعدادی از جوانان علاقه‌مند به مطالعه، تحصیل کرده و دست به قلم که تعدادشان ماه به ماه و سال به سال بیشتر می‌شد، به طوری که در سالن بزرگ ساختمان نورمند دور میزی بسیار بزرگ می‌نشستیم و گاهی برای اعضا صندلی کم می‌آمد. جلساتی که برای من بیشتر شبیه کلاس درس بود؛ کلاس درس فلسفه، کلاس درس مذهب، کلاس درس فرهنگ، کلاس درس اجتماعی و .... که در آن، هم از مدیر مسئول به عنوان استاد یاد می‌گرفتیم و هم مطالب خود و بقیه اعضا را خوانده، نظر می‌دادیم، ویرایش می‌کردیم یا بینای چاپ شده را بررسی می‌کردیم و موضوع جدیدی برای خود برداشته، با خود به خانه می‌بردیم و تا ماه بعد روی آن کار می‌کردیم و بی‌صبرانه منتظر جلسه‌ی بعد که با دست پر به آنجا برویم.

بینا همان‌طور پیش می‌رفت و آهسته و پیوسته به بلوغ خود نزدیک می‌شد، اما آدم‌ها، ذهن‌ها، ساختمان، موقعیت و .... آن‌طور نماندند. زمانه، تعداد بسیاری از آن دختران و



## داستان یک تولد

الهه مودب  
مترجمه زبان انگلیسی

وقتی می‌توانستم در روزنامه همشهری با ترجمه مطالب نویسندگان، حرف‌هایم را بزنم و تاثیرگذار باشم فکر می‌کردم به هدفم نزدیک شدم و احساس خوبی داشتم. ولی در جامعه خودمان نشریه‌ای برای طرح مطالب وجود نداشت. خوشبختانه با موافقت هارون یشایایی و همکاری فرانک عراقی بولتن انجمن کلیمیان شکل گرفت. از همان ابتدای شکل‌گیری بولتن، فرانک عراقی هر هفته به منزل دوستان تلفن می‌کرد و آنان را به جلسه‌ای که هر چند وقت یک بار در کتابخانه و بعد از آن در مرکز کامپیوتر برگزار می‌شد دعوت می‌کرد. به مرور زمان بولتن به نشریه تبدیل شد. متأسفانه جای اکثر دوستان فرهنگ دوست و اهل قلمی که از ابتدا به نشریه پیوستند به دلیل مهاجرت، در بین ما خالی است. از میان آنان می‌توان به مژده صیونیت از مترجمان زبردست روزنامه اطلاعات، افشین تاجیان و بهناز وفا منصوری اشاره کرد. شیرین‌دخت دقیقیان از دوستان اهل قلم، «بینا» را که به زبان عبری به معنی بصیرت و به زبان فارسی به معنی آگاه و هوشیار می‌باشد، پیشنهاد کرد. این نشریه بعد از چند شماره در پی اعتراض به این نام، توسط سلیمان حکاکیان به افق بینا تغییر یافت. ابتدا نشریه به صورت شورای سردبیری اداره می‌شد و سپس آرش آبایی سردبیر شد. یکی از ویژگی‌های مثبت در شکل‌گیری این نشریه جلسات منظم با حضور بسیاری از دوستان در انجمن و ساختمان دبستان موسی بن عمران بود که به تبادل افکار و بررسی مطالب اختصاص داشت.

هارون یشایایی از افراد فرهنگ دوست، در بسیاری از جلسات شرکت می‌کرد و علاوه بر مطالب نشریه به مسایل فرهنگی برای ارتقا دانش، دوستان اشاره می‌کرد. برای مثال در زمان فوت احمد شاملو او به معرفی این شاعر و آثارش پرداخت. از دیگر خاطرات از سال‌های اول این نشریه می‌توان به اهدای هدایا برای دوستان فعالی که بدون چشم‌داشتی سال‌ها رایگان همکاری می‌کردند، جمع دوستانه شب یلدا و جشن خانوادگی که در تالار خراسانی‌ها برگزار شد و به معرفی و تشویق دست‌اندرکاران نشریه اختصاص داشت اشاره کرد. گرچه نشریه دچار افت و خیزهایی شد اما هنوز پابرجاست و می‌توانی حرف‌هایت را بزنی. ضمن تشکر از کلیه یاران و خانواده بینا از ابتدا تاکنون امید است که این نشریه به قطب تاثیرگذار در جامعه و تصمیمات جاری آن تبدیل شود و شاهد نویسندگان جدید جوان، جسور و اهل قلم باشیم. ■



### برای بینای عزیزم

شرگان انورزاده  
فعال اجتماعی

نوشتن درباره‌ی مجله‌ای که خیلی دوستش داری و سال‌های زیادی، مونس خوبی برات بوده و سپری شدن بیست سال از زندگی تو شاهد بوده، کار سخت و آسون و در عین حال شیرینیه. سخته چون نمی‌دونم چه طور در برابر هجوم سیل خاطرات «بینای‌ام» دوام بیارم و آسونه چون خیلی دوستش دارم و نوشتن درباره‌ی «بینای عزیز» خوشحالم می‌کنه و طبیعتاً شیرینه، چون به دلیلی که گفتم دوستش دارم. فکر کردن به «بینا» کلا شادم می‌کنه. یادآور روزهای قشنگیه که در کنار دوستان خوبیم و بزرگانی مانند آقای یشعیا آموختیم و تشریک مساعی کردیم و افکارمون رو رد و بدل کردیم و سعی کردیم کاری فرهنگی برای بهبود جامعه انجام بدیم. فکر کردن به «بینا» هم‌چنین گذر زمان رو به یادم میاره و بهم یاد آوری می‌کنه که سال‌ها گذشت. سال‌هایی که در کنار دوستان و همکاران خوبم هدفی مشترک رو دنبال کردیم و برای «بینای عزیز» نوشتیم و نوشتیم و نوشتیم. در کنار هم شب یلدا رو جشن گرفتیم و تفالی به حافظ زدیم. گفتیم، خندیدیم، به طور جدی بحث کردیم و ... بیست سال گذشت. بزرگ‌تر شدیم «بینا جان»، پخته‌تر شدیم «بینا جان»، با تجربه‌تر شدیم «بینا جان». اما همچنان در کنار تو خوشحالیم. چون نوشتن رو دوست داریم. چون به نظرمون، تک تک کلمات، جان دارند و چون نوشتن، آرام و خوشحالمون می‌کنه. ... تولد بیست سالگیت مبارک «بینا جان». برقراریت، آرزوی ماست. ■



## روزی که بینا متولد شد

مژده صیونیت

مترجم

به عکسی که روی میز کارم قرار گرفته، نگاه می‌کنم.

گروهی از دختران و پسران جوان، با چهره‌های مصمم و بشاش!

عکس مربوط به حدوداً ۲۰ سال پیش است. باور کردنی نیست که زمان این چنین سریع گذشته است! ۲۰ سال طول عمر یک نسل جدید است. یاد روزهایی می‌افتم که نسل جوان جامعه کلیمیان ایران فقدان یک نشریه یهودی را در جامعه احساس می‌کرد.

کتابخانه انجمن کلیمیان میعادگاهمان بود. هفته‌ای یک بار دور هم جمع می‌شدیم و هر آنچه را که در مورد تهیه و چاپ یک نشریه وزین و مفید برای جامعه‌مان می‌دانستیم میان میز گرد اطلاعات عمومی‌مان می‌ریختیم و از میان این میزگرد، سرانجام با تلاش حدود ۱۰-۱۲ جوان مشتاق و به سرپرستی آقای یشایایی رییس وقت انجمن کلیمیان، مجله بینا متولد شد. در میان این افراد، بعضی‌ها روزنامه‌نگار و نویسند، برخی تحصیلات ادبی داشتند، برخی در نوشتن تبحر داشتند و برخی فقط علاقه داشتند!

به هرحال، هر آنچه بود اولین شماره بینا، وزین و زیبا بود که مورد توجه بسیاری قرار گرفت. نام مجله پیشنهاد شیرین دخت دقیقیان، محقق و نویسنده یهودی بود که مورد استقبال همگان قرار گرفت. چون هم معنای عبری داشت و هم در فارسی کلمه‌ای با معنا بود. بعدها به همت آرش آبابی محقق و متفکر در امور مذهبی یهود، صفحه‌ی آخر مجله به تعلیم زبان عبری اختصاص پیدا کرد که هم مورد توجه یهودیان و هم غیریهودیان ایران قرار گرفت. خوب به یاد دارم که یکی از همکاران مسلمانم در روزنامه اطلاعات که در مورد کتب مذهبی دین یهود تحقیق و مطالعه می‌کرد، نشریه بینا را برای یادگیری زبان عبری بسیار مفید یافته بود.

در اندک مدتی مجله بینا با یک تقسیم‌بندی زیبا به یک وسیله اطلاع رسانی جامعه یهودیان تبدیل شد.

نشریه افق بینا، موفقیت بزرگی برای جامعه کوچک یهودی ایران بود و باعث افتخار است که تا به امروز پابرجاست. آن چهره‌های جوان که نشریه بینا را ۲۰ سال پیش خلق کردند، اکنون هر کدام در گوشه‌ای از دنیا ساکن هستند و البته تعدادی از آنها در ایران هنوز برای پابرجا نگاه داشتن نشریه و هویت جامعه یهودی ایران تلاش می‌کنند. آن عکس سندی تاریخی خواهد شد گواه آن‌هایی که مجله را با عشق و علاقه افتتاح کردند ولی مهم‌تر از آن به حق است به آنان که هنوز با علاقه و افتخار نشریه را پا بر جا نگاه داشته‌اند و به فرهنگ جامعه کلیمیان ایران عزیزمان خدمت می‌کنند، ارج بگذاریم و صمیمانه قدردانی کنیم. ■





## ספירת העומר : سفירת هاغומר : شیرین

امید شایان مهر

فعال اجتماعی و عضو کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران

مردم را کشاورزان تشکیل می‌دادند و بهار آغاز فصل درو کردن محصولات کشاورزی بود. دهقانان با ایمان در روز شانزدهم ماه نisan «دومین روز از عید پسخ» از اولین محصول جو هدیه «عומר» را به عنوان شکرگزاری از رحمت‌های الهی به معبد مقدس تقدیم می‌کردند. بر طبق مندرجات میشنا : روز اول عید «پسخ» بعد از غروب آفتاب مقداری از محصول جو با تشریفات مخصوص و با حضور اجتماعی از دهقانان و نمایندگان شورای عالی مذهبی درو می‌شد. از آرد جو، دو گرده نان تهیه شده و به معبد مقدس تقدیم می‌شد.

از طرف دیگر بر طبق فرمان تورات مقدس (تثنیه فصل ۱۶ آیه ۱۹)، از روز دوم «پسخ» به مدت هفت هفته تا رسیدن به عید «شاووعوت» (عید هفته‌ها و نزول تورات مقدس) شمارش می‌شود. این شمارش در بین تمام جوامع یهود مرسوم بوده و به نام «سفیرت هاغומר» معروف می‌باشد. دلیل این شمارش را می‌توان از حدیث زیر دریافت نمود:

هنگام خروج قوم بنی‌اسرائیل از مصر به آنها گفته شد که پنجاه روز بعد از رهایی از طاغوت مصر در پای کوه سینای به دریافت تورات مقدس نائل خواهید شد. بنابراین همانطور که داماد در انتظار روز عروسی و پدر و مادر در انتظار به دنیا آمدن فرزند خود روزشماری می‌کنند، همانگونه نیز قوم بنی‌اسرائیل در انتظار دریافت تورات مقدس شروع به روزشماری کردند و با گذشت هر روز می‌گفتند: «امروز، یکروز به دریافت تورات مقدس نزدیک شدیم». عاقبت در پنجاهمین روز، روز ششم ماه «سیوان» جلال خداوند در بالای کوه سینای تجلی فرمود و «ده کلام» یعنی اساس تورات مقدس را به قوم بنی‌اسرائیل عطا فرمود.

این واقعه عظیم، سرآغاز متشکل شدن قوم یهود به صورت یک ملت موحد و خداپرست بود. در این ایام هدف فقط شمردن و گذراندن ایام نیست بلکه، نگاه به خود و اعمال گذشته خود، کاستن از عیوب خویش و افزودن بر رفتارهای پسندیده است تا بتوانیم شایستگی لازم را برای دریافت تورات مقدس به دست بیاوریم. ■

با فرا رسیدن موسم بهار و جشن پسخ درختان از خواب زمستانی خود بیدار شده و پرندگان مهاجر با نغمه‌های خوش و آوای زیبای خود، طنین آمدن بهار را سر می‌دهند و انسان با دیدن این همه تازگی، سرسبزی، شادابی و مخصوصاً شور و شوقی که در طبیعت بزرگ خداوند پدیدار شده به وجد آمده و بیشتر از هر موردی پی به فراست و کیاست خالق هستی برده و غرق در تفکرات ژرفناک او می‌شود و این جمله که حضرت داود در مزامیر خویش می‌فرماید: «پروردگارا! چقدر مصنوعات تو در این عالم زیاد هستند، همه‌ی آنها را با دانش خود خلق کرده‌ای» در ذهنش تداعی می‌شود. بی‌تردید نگاه کردن به زیبایی‌های طبیعت و مخصوصاً زیبا اندیشیدن یکی از پیام‌های «عید پسخ» می‌باشد و این مهم به ایمان قلبی به خداوند و در کنار آن به تمرین و مهارت دائم نیاز دارد و هیچ موردی یکباره و یک شبه به دست نمی‌آید.

پیام زیبا و ظریفی که در مراسم «عید پسخ» نهفته است حاوی این نکته مهم می‌باشد که انسان از خداوند می‌خواهد تا با شروع فصل بهار و زیبا شدن طبیعت، همزمان نگرشی تازه و نو جهت ادامه بقا زندگی‌اش به او اهدا نموده، به او دیدی مثبت در زندگی عطا کرده تا هنگامی که در سیاهی‌ها و ظلمت‌های مصر درونی خویش گرفتار می‌شود، با داشتن اعتماد به نفس، تکیه بر الطاف خداوند و مضافاً با نگرشی مثبت از این چالش‌های سخت خود را بیرون کشیده و با خیال آرام و آسوده، کشتی خود را به ساحل زندگی برساند. بزرگان قوم یهود می‌فرمایند: زمانی که بنی‌اسرائیل از کشور مصر خارج شدند، با ایمان و اعتقاد خود نسبت به خداوند و رهبری مشه ربنو (حضرت موسی (ع)) سعی کردند خود را از آلودگی‌های کشور مصر، از اثرات گناهی که در نتیجه همنشینی با مصریان بت‌پرست انجام داده بودند و خطاهایی که نسبت به هم مرتکب شده بودند پاک و تزکیه کنند.

هنگام برقراری معبد مقدس در اورشلیم «پسخ» جشن کشاورزی نیز محسوب می‌شد. در سرزمین مقدس اکثریت

# نظام اخلاق دینی یهودیت تلمودی

مهندس مردفای امین شموئلیان

مدرس کامپیوتر

## محبت به همنوع

خداوند این مطلب را به جهانیان اعلام کرد و فرمود: «همنوعت را مانند خودت دوست بدار». من که خدا هستم همنوع تو را آفریده‌ام. اگر تو او را دوست بداری، من امین هستم و به تو پاداش نیک خواهم داد. ولی اگر او را دوست نداری، من داور هستم و تو را مجازات خواهم کرد» (آووت ربی ناتان، ۱۶). فرد بت‌پرستی نزد یکی از دانشمندان یهودی به نام هیلل می‌آید و یک پای خود را از زمین بلند می‌کند و به او می‌گوید تا وقتی روی یک پا ایستاده‌ام، تمامی تورات را به من بیاموز! هیلل پاسخ می‌دهد: «آنچه خودت از آن نفرت داری درباره همنوعت روا مدار» (تلمود رساله شبات، ۳۱ الف). اما سوال این است که آیا این کلمه همنوع شامل غیر یهودیان نیز می‌شود؟

از مطالعه و بررسی بی‌طرفانه ادبیات تلمود این نتیجه به دست می‌آید که به طور کلی نظریه دانشمندان یهود درباره اخلاقیات، جنبه همگانی و جهانی دارد، و تنها معطوف به افراد ملت آنها نیست. در بسیاری از اندرزه‌های اخلاقی این دانشمندان کلمه «بریوت»، Beriyoth به کار رفته است که ترجمه آن «مخلوقات خدا یا مردم و یا انسان‌ها» است، و به هیچ‌وجه نمی‌توان معنی محدودی را برای آن قائل شد. جمله «مخلوقات (مردم) را دوست بدار» (میشنا آووت، ۱: ۱۲) اندرز محبوب هیلل بود. البته بعضی از این اندرزه‌ها به غیر یهودیان نیز صریحا اشاره می‌کند، فی‌المثل: «انسان نباید ذهن مردم را بدزدد و آنها را فریب دهد، حتی ذهن یک غیریهودی را» (تلمود رساله‌ی حولین، ۹۴ الف). «دزدیدن مال یک غیر یهودی عملی شنیع‌تر است تا دزدی از یک یهودی، زیرا سرقت مال یک غیر یهودی شامل گناه عظیم بی‌حرمتی به نام خدا نیز می‌شود» (توسیف‌تا باوا قما، ۱۰: ۱۵).

همین اصل جامع را در تفسیر قانون زیر نیز می‌یابیم: «اگر گاو یا الاغ دشمنت را یافتی که گم شده و سرگردان است، البته آن را به او باز گردان» (سفر خروج، ۲۳: ۴). در بسیاری از موارد، تلمود به یهودیان اجازه می‌دهد که «به خاطر صلح دوستی و صلح جویی» از حدود مشخص

قانون پا را فراتر گذارند، تا آن که روابط حسنه بین افراد بر هم زده نشود. یک مثال، موضوع طرز رفتار با فقرا است: «ما نباید فقیران یهودی را از برخورداری از خورده ریز محصول، باف‌های فراموش شده و محصول گوشه‌های کشتزارها مانع شویم.» (سفر لاویان، ۱۹: ۹، ۱۰، میشنا گیطین، ۵: ۸) و این قانون را بدین گونه گسترش داده‌اند: «دانشمندان ما چنین گفته‌اند که ما باید به خاطر صلح و دوستی و صلح جویی معاش مسکینان غیریهودی را نیز مانند معاش مستمندان یهودی تأمین کنیم. همان‌طور که به عیادت بیماران یهودی می‌رویم، از بیماران غیریهودی نیز عیادت کنیم و همان‌گونه که مردگان یهودیان را تشییع می‌کنیم، مردگان غیریهودی را نیز با عزت و احترام به خاک بسپاریم.» (تلمود رساله ی گیطین، ۶۱ الف)

## تواضع و فروتنی

انسان مغرور و متکبر را شدیدترین مذمت‌ها و سرزنش‌ها کرده‌اند: «هر کس که مغرور و متفرعن است، چنان است که گویی بت‌پرستی می‌کند، منکر اصول دین است، هر گونه عمل زشت و فسق و فجوری را مرتکب می‌شود. او از خاک بیدار نخواهد شد، و شخینا (تجلی الهی) به خاطر او زاری می‌کند. ذات قدوس متبارک هم چون انسان‌ها نیست. بشر چنین است که بلند مرتبه به بلند مرتبه توجه می‌کند، و شخص عالی مقام به حقیران و متواضعان اهمیتی نمی‌دهد. لکن ذات قدوس متبارک این چنین نیست. او خود بلند مرتبه است و با وجود این نسبت به حقیران و افتادگان لطف و عنایت دارد و هر کس که مغرور و متفرعن است، ذات قدوس متبارک درباره او می‌فرماید: من و او نمی‌توانیم با یکدیگر در جهان به سر بریم.» (تلمود رساله ی سوفا، ۴ ب و ۵ الف)

## دستگیری از مستمندان

احسان کردن به فقرا تنها عملی ناشی از لطف و شفقت احسان کننده نیست، بلکه وظیفه‌ای است که هر فرد باید آن را انجام دهد. با صدقه دادن، او نه تنها نیکوکاری می‌کند، بلکه عملی عادلانه نیز انجام می‌دهد، همه مایملک انسان وامی است از طرف آفریدگار عالم هستی، که جهان و



کن» (آووت ربی ناتان، ۴۱). یکی از دانشمندان، هنگام رفتن به بستر، این دعا را می‌خواند: «هر کس که مرا رنجی داده و ناراحت کرده است، خداوند او را ببخشاید» (تلمود رساله‌ی مگیلا، ۲۸ الف). یک توصیه عاقلانه که باعث کم شدن نزاع‌ها می‌شود، و چون نزاعی برپا شد به سرعت آن را فرو می‌نشانند، چنین است: «اگر نسبت به هم‌نوع خود بدی کوچکی کردی، آن بدی در چشم تو بزرگ نماید و اگر به او نیکی فراوانی کردی، این نیکی در نظر تو اندک نماید و اگر او درباره تو نیکی کرده باشد، آن نیکی در چشم تو عظیم نماید و اگر وی به تو بدی کرده باشد آن بدی در نظر تو ناچیز جلوه کند» (آووت ربی ناتان، ۴۱).

### اعتدال و میانه‌روی

در سراسر تعلیمات دانشمندان یهود، درباره حفظ روش اعتدال بخردانه توصیه شده است، و افراط، چه در زهد و ریاضت‌کشی، و چه در خوش‌گذرانی و عیش و عشرت، به عنوان عملی زیان‌آور منع شده است. فقر و بی‌چیزی را یک فضیلت به شمار نمی‌آورند، بلکه بر عکس، آن را پر مضرت دانسته و گفته‌اند: «اگر خوراک و معاش نباشد، علم و دانش نیز یافت نمی‌شود» (میشنا آووت، ۳: ۱۷). غرض این است که فقدان معاش مناسب و کافی مانع از تحصیل دانشی می‌شود که برای به جا آوردن اراده و فرامین الهی، لازم و اساسی است. «فقر و بی‌چیزی در خوان انسان از پنجاه بلا بدتر است» (تلمود، رساله‌ی باوا بتر، ۱۱۶ الف)

دانشمندان یهود برای چنین وسایلی و خوشی از قبیل «خانه‌ای قشنگ»، «همسری خوب روی» و «اثاث البیتی زیبا» به عنوان عواملی که باعث راحتی فکر و شادی خاطر انسان می‌شوند، ارزش بسیاری قایلند (تلمود، رساله‌ی براخوت، ۵۷ ب). حتی چنین گفته‌اند: «در جهان آینده، انسان به خاطر تمام آن خوراکی‌های حلالی که چشمش دیده و دلش خواسته اما از آن تناول نکرده است، محاکمه می‌شود و حساب پس خواهد داد» (تلمود یروشلمی رساله‌ی قیدوشین، ۱۰ دال). و تعریف ایشان از یک فرد مستغنی چنین است: «آن کس که از ثروت خود تمتع می‌برد» (تلمود رساله‌ی شبات، ۲۵ ب). ■

منابع

- ۱- آدین اشتاین سالتز- سیری در تلمود- مترجم باقر طالبی دارابی- مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب- ۱۳۸۳
- ۲- راب. ا. کهن- گنجینه‌ای از تلمود- ترجمه امیر فریدون گرگانی- چاپ زیبا- ۱۳۵۰
- ۳- عبدالرحیم سلیمانی اردستانی- یهودیت- انجمن معارف اسلامی ایران- انتشارات آیت عشق

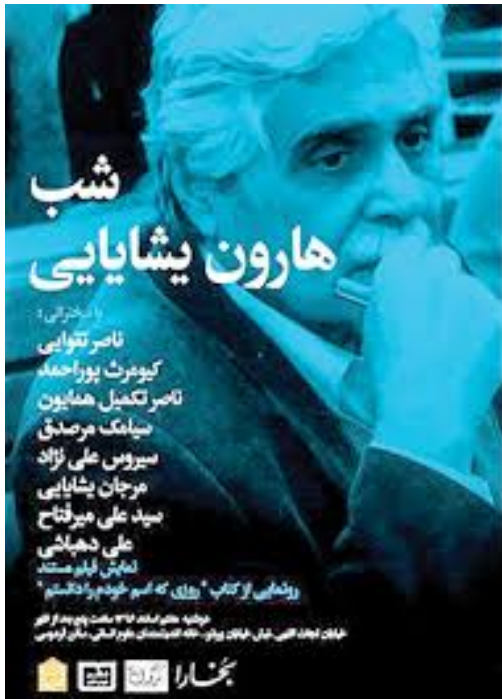
هر چه در آن است به او تعلق دارد، به وی داده شده، و شخص به وسیله خیرات و احسان، عطایای خداوند را به نحو منصفانه‌ای بین ابنای بشر تقسیم می‌کند. تعریفی بهتر از آنچه در گفتار زیر آمده است نمی‌توان درباره اعتقاد دانشمندان یهود راجع به صدقات یافت: «از آنچه مال خداوند است در راه او بده، زیرا تو، خود با آنچه که داری از آن او هستی.» و همین‌طور حضرت داود گفته است: «زیرا (خدایا) همه چیز از جانب تو می‌آید، و از آنچه که از دست تو به ما رسیده است در راه تو داده‌ایم» (کتاب اول تواریخ ایام، ۲۹: ۱۴)، (میشنا آووت، ۳: ۷ یا ۸). و این آیه، این قانون تلمود را نیز توجیه می‌کند: «حتی فقیری که از صدقه و اعانه‌ای که مردم بدو می‌دهند امرار معاش می‌کند، باید خود صدقه و اعانه بدهد» (تلمود رساله‌ی گیطین، ۷ ب). بنابراین هیچ‌کس از انجام این وظیفه دینی معاف نیست.

### درستکاری

فضیلت برجسته‌ای که بیش از فضایل دیگر سبب امتیاز زندگی اخلاقی می‌شود، صداقت و درستکاری در داد و ستد و معاملات بازرگانی است، و تلمود اهمیت بسیاری برای آن قائل شده است و در این باره چنین گفتاری هست: «وقتی که انسان را (پس از مرگ) به دادگاه عدل الهی می‌آورند، نخستین سوالی که از او می‌کنند چنین است: آیا در داد و ستد و معاملات خود درستکار بوده‌ای؟» (شبات، ۳۱ الف). گفتار زیر نیز به همان اندازه موکد است: «و اگر آنچه را که در نظر او (خداوند) درست و شایسته است، انجام دهی» (سفر خروج، ۱۵: ۲۶). این آیه مربوط به معاملات بازرگانی است، و چنین تعلیم می‌دهد که هر کس که به درستی و امانت رفتار می‌کند، نزد هم‌نوعان خود محبوب است، و آن چنان است که گویی همه فریضه‌های تورات را به جا آورده است» (میخیلتا، مربوط به آیه فوق، صفحه ۴۶ الف). نتیجه مصیبت بار نادرستی در زندگی اجتماعی، در این آیه نشان داده شده است: «اورشلیم بدین جهت ویران شد که افراد امین و درستکار از میان آن رخت برپستند» (تلمود رساله‌ی شبات، ۱۱۹ ب).

### عفو و گذشت

وظیفه شخصی که نسبت بدو خطایی شده آن است که وقتی از او عذرخواهی می‌شود، آن را بپذیرد، خطا کار را عفو کند، و کینه‌ای از او در دل نگاه ندارد. گفته‌اند: «انسان باید پیوسته مانند نی نرم و قابل انعطاف باشد، و هرگز چون درخت سرو آزاد، سخت و خشن نباشد» (تلمود، رساله‌ی تعנית، ۲۰ ب). «اگر هم‌نوعت به تو اهانتی کرد، او را عفو



## شب هارون یشایایی

مرجان یشایایی

(روزنامه‌نگار)

شب هارون یشایایی از شب‌های به‌یاد ماندنی مجله بخارا و جامعه یهودیان ایران بود، هم برای آنها که رنج ترافیک تهران را به خود هموار کرده بودند و از جاهای دور و نزدیک برای شرکت در مراسم شب بخارا به محل مراسم آمدند، هم برای دوستانی که به یمن وجود شبکه‌های اجتماعی توانستند از هر چه در مراسم می‌گذرد، آگاهی یابند.

این برنامه که سیصد و سی و سومین شب از شب‌های بخارا بود، از طرف خانه اندیشمندان علوم انسانی، مجله کرگدن، انتشارات شهاب ثاقب و مجله بخارا و مدیر آن، علی دهباشی، برای پاسداشت چندین دهه فعالیت و حضور فرهنگی و اجتماعی هارون یشایایی در عرصه هنر، ادبیات و فیلم ایران در تالار فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی روز دوشنبه هفتم اسفند ۱۳۹۶ برگزار شد.

در ادامه خلاصه‌ای از گزارش این مراسم ارائه می‌شود. **علی دهباشی**، مدیر مجله بخارا، در سخنرانی آغازین گفت: «این شب را به افتخار یک عمر فعالیت هنری و فرهنگی هارون یشایایی برگزار می‌کنیم. امشب از جمله به مناسبت مجموعه داستان ایشان «روزی که اسم خود را دانستم» که انتشارات شهاب ثاقب منتشر کرده برگزار می‌شود که رونمایی این کتاب را هم به همراه داریم و منتظر کتابی از ایشان هستیم که خاطرات ۸۰ سال زندگی جذاب ایشان است. آرش و مرجان (فرزندان هارون یشایایی) باید در این کار همت کنند و خاطرات پدر خود را که شخصی نیست و چندین دهه سیاست و فرهنگ این کشور را در بر دارد، منتشر کنند».

دهباشی در ادامه از یک عمر فعالیت فرهنگی و هنری هارون یشایایی گفت:

«فعالیت‌های او پس از انقلاب هم زمینه دیگری از کارهای او را در بر می‌گیرد که آن ساخت فیلم‌های سینمایی است که با عنوان شرکت «پخشیران» آثار خود را عرضه کرد. حاصل این دوره فعالیت به عنوان نمونه ناخدا

خورشید، اجاره نشین‌ها، هامون، ای ایران، در مسیر تندباد و بسیاری از فیلم‌هایی است که برای ما خاطره انگیز بود. زمینه دیگر کارهای ایشان نویسندگی است که جزء اولین فعالیت‌های فرهنگی او می‌توان به کار در مجله فردوسی اشاره کرد و با دیگر نشریات ادامه دادند و این شوق کار مطبوعاتی هنوز یشایایی را رها نکرده و هر ماه حتما می‌توانید مقالاتی از او در روزنامه شرق و هفته نامه کرگدن بخوانید. این باعث شد به مدت ۱۲ سال مدیریت و سردبیری هفته نامه تموز که ارگان جامعه یهودی ایشان بود را بر عهده داشته باشد».

پس از آن نوبت به **سید محمد بهشتی** رسید. وی که رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری و رئیس کمیته ملی ایکوم ایران است درباره خاطرات خود با یشایایی گفت: «دوستی با پرویزخان همیشه برایم لذت‌بخش بود، شخصیتی دوست داشتنی دارند و خصوصاً سال‌هایی که بیشتر با هم کار داشتیم همیشه از محضر ایشان لذت می‌بردم. از نقش فوق‌العاده او باید یاد کرد. فکر می‌کنم اکثر فیلم‌های یشایایی جز ۱۰۰ فیلم برتر ایران خواهد بود چون بسیار فرهیخته و هوشمندانه ساخته شده‌اند.

سال‌هاست که از سینما دور شده‌ام و در میراث فرهنگی، کشف جدیدی درباره پرویزخان کردم و آن اینکه



اروپایی (شاهدش گتوهای یهودیان در حاشیه این شهرهاست) در ایران دیده نمی‌شود. درست به عکس در غالب شهرهای ایران محله یهودیان در قلب شهر بوده و نه در حاشیه آن. حتی زندگی کلیمیان و مسلمانان ایران در کنار هم تنها مبتنی بر «حسن همجواری» نبوده یعنی اینطور نبوده که مزاحمتی برای هم نداشته باشند، بلکه کیفیت «مسالمت‌آمیز» داشته؛ یعنی توام با انس و الفت بوده که به انسجام و یکپارچگی در محلات و شهر می‌انجامیده تا آنجا که تمیز و تشخیص تمایزات دینی گاه بسیار دشوار بوده است. البته جامعه ایران در طول تاریخ، دوران قبض و بسط اجتماعی متعددی را تجربه کرده است؛ در دوران ناخوش‌حوالی و بر اثر سوءتدبیر یا شیطنتهای آگاهانه، تمایزات مذهبی و فرهنگی دستمایه‌ای برای ایجاد تخاصم فرهنگی می‌شده و کام جامعه را تلخ می‌کرده است. ولی این استثنائات را نمی‌توان بر شخصیت کلی جامعه ایران تعمیم داد، چرا که تاریخ به طور کلی نشان می‌دهد که بدنه جامعه ایرانی، وراثت سیاست‌ها و تدابیر شیطنت‌آمیز حکام، همواره در کنار هم در صلح و آرامش زندگی می‌کردند و روابطی بسیار عمیق و پایدار داشته‌اند.

برهان قاطع این سخن خاطره‌ای شیرین از خود پرویز خان است با عنوان «او مسلمان، من کلیمی». در محله عودلاجان تهران کنیسای «حاداش» از قدیمی‌ترین کنیسه‌های تهران در فاصله نزدیکی از مسجد سه‌راه‌دانگی واقع شده و این خود نشانه‌ای است بر درهم‌تنیدگی و مودت پیروان این دو آیین. او تعریف می‌کند که چون یهودیان بنا بر وظیفه شرعی شنبه نباید آتش روشن کنند، کلیمیان این محله شنبه‌ها از همسایگان مسلمان‌شان می‌خواستند که اجاق یا بخاری‌شان را روشن کنند. در دوران کودکی اصغر آقا از رفقای پرویز خان داوطلبانه روزهای شنبه خانه آنان را روشن و گرم می‌کرد. حالا دیگر مدت‌ها از آن زمان گذشته و همه چیز تغییر کرده. اصغر آقا هم به حج تمتع رفته و حاج اصغر شده است. بسیاری از کلیمیان آن محله را ترک کرده‌اند ولی اصغر آقا هنوز ساکن آنجاست و دیگر از ریش سفیدان محل شده. شنبه‌ها آنهایی که بتوانند برای انجام مراسم خود را به کنیسه می‌رسانند. عبادت کلیمیان وقتی معتبر است که حداقل ده مرد بالغ و عاقل در حین مراسم در کنیسه حضور داشته باشند و دیگر وظیفه اصغر آقا مراقبت از مراسم کنیسه‌ای محله‌شان است که نکند بر اثر

او ایرانی تمام عیار هم هست، فعالیت‌هایش مظهر فرهنگ ایرانی است. او می‌تواند فرهنگ ایرانی را نمایندگی کند که ناشی از فرهیختگی اوست».

بهشتی در مقاله‌ای به همین مناسبت در روزنامه اعتماد (۱۵ اسفند ۹۶) نوشت: «همه جا خانه عشق است چه مسجد چه کنشت. آشنایی من با هارون یشایایی یا همان «پرویزخان» خودمان به دوران بنیاد فارابی برمی‌گردد. پرویزخان تهیه‌کننده سینما بود و با ما رفت‌وآمد داشت و من خیلی زود متوجه شدم با آدمی حرفه‌ای آشنا شده‌ام؛ حرفه‌ای به معنی کسی که وجودا برخوردار از اخلاقیات ارزشمند این حرفه بود و منشی سینمایی داشت. از آن بالاتر در زمره آن آدم‌هایی بود که کارش را با دلش می‌کرد، نه با دستش. کارنامه سینمایی‌اش هم بدون فرازونشیب و همه کارهایش واجد ارزش بود. در همه آن سال‌ها می‌دیدم که در سکنات و کردارش اعوجاجی نیست و ثبات شخصیت دارد. به همین خاطر وراثت حس همکاری نسبت به وی تعلق خاطر داشتم. خصوصا که پرویزخان هم خوش‌محضر بود و هم با مطالعه و باسواد. یعنی فعالیتش در سینما بنا به عشق شورانگیز و کورکورانه نبود بلکه حاصل روشن‌بینی‌ای بود که مذاقه در فرهنگ و هنر به وی بخشیده بود. در همان سال‌ها پرویز خان مسوولیت انجمن روشنفکران کلیمی در ایران را برعهده داشت. چه در دوران تحصیل و چه در محیط کار کم‌نبودند کلیمیانی که با ایشان حشرونشر داشتند ولی فرصت آشنایی با پرویزخان فرصت مغتنمی بود برای اینکه بتوانم تصویری تمام‌قدرتر و شفاف‌تر از جامعه کلیمیان ایران پیدا کنم؛ نه فقط احوالات معاصر ایشان را، بلکه خصوصیات ایشان را با همه عمق تاریخی‌اش. همانقدر که آینه در نشان دادن واقعیات بی‌اراده است، پرویز خان هم از روی صفا، منعکس‌کننده تصویری بی‌زنگار است.

در این آینه به خوبی پیداست که جامعه کلیمی ایران در وهله اول ایرانی هستند و بعد کلیمی. آنان ایران را سرزمین میزبان نمی‌دانند بلکه خانه خود می‌دانند و از این رو حتی وقتی ایران را ترک کرده‌اند همواره قلب‌شان برای ایران تپیده است.

صفات فرهنگی ایرانیان چون رندی و کیمیاگری و طنازی و رواداری در جامعه کلیمی نیز ظهور دارد و بهترین شاهدش پرویزخان است. از همین روست که تفکیک جمعیت کلیمی از مابقی جامعه بسان بیشتر شهرهای

که ما را با زندگی ایرانیان یهودی آشنا کرد. به یاد دارم مش سلیمان در محله ما پارچه می فروخت، او یهودی بود و اگر در خانه‌ای غذای خوبی پخته می‌شد، مش سلیمان دعوت می‌شد، غذا می‌خورد و به کارش ادامه می‌داد. بعد از دبیرستان به هنرستان رفتم و آنجا یک هنرستان بود که همکلاسی یهودی، زرتشتی، بهایی و ارمنی داشتیم و مطلقاً هیچ مشکلی هیچکس با دیگری نداشت چون همه ایرانی بودیم. البته داشتیم افرادی که سخت‌گیری می‌کردند. خانواده مادری من به شدت مذهبی بودند، وقتی یک مهمان زرتشتی داشتیم یکی از دایی‌هایم به مادرم گفت که لیوان را خوب بشور و دایی دیگر که به اندازه او مذهبی و نماز شب خوان بود گفت چه فرقی می‌کند و این چه حرفی است که می‌زنی؟»

سخنرانی **دکتر سیامک مره‌صدق**، نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و رئیس بیمارستان دکتر سپهر بسیار با استقبال روبرو شد: «کاش اوضاع آنقدر که دوستان گفتند خوب بود و روابط، برادرانه و دوستانه بود و مشکلی نبود، اما اوضاع به این خوبی نیست و مسائلی در حافظه تاریخی همه ما وجود دارد. وضعیت ایرانیان یهودی در طول تاریخ از وضعیت یهودیان در دیگر کشورها خیلی بهتر بود، ما مفهوم گتو را به صورتی که در اروپا و ورشو بود، نداشتیم ولی نادانی‌هایی هم وجود داشت که همواره سعی داشت ایرانیان را گروه گروه کند و همراهی ملی را از بین ببرد.

نکته دیگر اینکه برخی مورخین ادعایی درباره وضعیت ایرانیان یهودی دارند، من به عنوان یک پزشک، می‌گویم هیچ نژاد خالصی در دنیا وجود ندارد، کسی نمی‌تواند ادعا کند که نژادی وجود دارد که نماینده یک نژاد دیگر است. این را به این دلیل بیان می‌کنم که این مساله گاه وقت می‌تواند وسیله‌ای برای سواستفاده باشد. این می‌تواند شروع تفکر نژادپرستانه باشد حتی در جامعه نسبتاً بسته‌ای مانند ایرانیان یهودی همیشه تداخل ژنی با جامعه مادر وجود داشت. در همین کتاب پرویزخان داستان مردی کلیمی که با هموطن مسلمان ازدواج می‌کند نمونه همین مساله است. غیرقابل قبول است که افرادی سه هزار سال کنار یکدیگر زندگی کرده باشند و ذخایر ژنی آنها با هم مشترک نباشد.»

او سپس به زندگی هنری هارون یشایایی پرداخت: «آقای یشایایی در روابط اجتماعی و هنری بیشتر با نام پرویز شناخته می‌شوند این همواره برای من سوال بود، که چرا فروغ فرخزاد هم همواره در ادبیات با نام فروغ خوانده

غیبت جمع کم‌رونق و خاموش شود. او هر شنبه زودتر از بقیه نماز صبح و قرآن می‌خواند و منتظر می‌ماند تا کلیمیان بیایند و چراغ کنیسا را برای‌شان روشن کند. اگر هر یک از اعضای قدیمی از جمله خود پرویزخان به هر علتی غیبت کرده باشند هفته بعد مورد عتاب و خطاب اصغر آقا قرار خواهد گرفت. حاج اصغر خصوصاً به آقا موسی پیش‌نماز معلول کنیسا توجه دارد و هر بار کسی را مامور می‌کند که ترتیب آوردنش به کنیسا را بدهد و گاه پیش می‌آید که خودش دنبال او می‌رود و او را می‌آورد. به این ترتیب کنیسای قدیمی عودلاجان بخشی از رونق و روشنائی‌اش را مدیون حاج اصغر است و این به نظرم عین مسلمانی است.

این مثال خوب نشان می‌دهد که ایرانیان بنا به طبع فرهنگی به هر دینی که گرویدند به ظاهر آن دین اکتفا نکردند و تلاش کردند به حاق آن مشرف شوند؛ لذا از آنجا که همه ادیان منبعث از حقیقتی واحد است، میان مسلمان و کلیمی و مسیحی و... فرقی نمی‌ماند. توصیه همه ادیان به «مهربانی» است و مهربانی چیزی نیست جز پاسداشت و روشن نگه‌داشتن چراغ محبت و عشق. به این تعبیر من فکر می‌کنم پرویزخان هم به قیاس دوست قدیمی‌اش حاج اصغر، تبلور «مهربانی» است. آرزو می‌کنم خداوند همیشه چراغ دلش را روشن نگه دارد و خیر دنیا و آخرت را نصیبش کند.»

سخنران بعدی مراسم، **ناصر تکمیل‌همایون**، جامعه‌شناس و تاریخ‌نگار، بود. او علاوه بر دوستی دیرینه با هارون یشایایی، کتاب محله کلیمیان (عودلاجان) را در کارنامه فرهنگی خود دارد و به همین جهت با جامعه یهودیان ایرانی آشناست. تکمیل‌همایون با تشریح برخی دیدگاه‌هایش درباره محتوای کتاب، گفت: «این کتاب را من با دل و جان خواندم و خیلی بر من اثر کرد. این کتاب واقعا نشان دهنده زندگی یهودیان در ایران است. در داستان «سرچشمه تا صحرای کربلا» چقدر زیبا دوران انقلاب را بیان میکند. این کتاب تنها کتابی است که به زبان فارسی درباره زندگی یهودیان داریم. بر روی هم در هیچ جای دنیا تفاهم و دوستی که بین یهودیان و غیریهودیان آنچنان که ایران بود، وجود نداشت.

سخنران بعدی، **کیومرث پوراحمد**، کارگردان معروف سینمای ایران بود که سخنان خود را با داستان‌های کتاب آغاز کرد: «در این کتاب قصه‌های بسیار جذاب و زیبا با نثر روان و شاعرانه نوشته شده است، از آقای یشایایی متشکرم





معروف‌ترین و اثرگذارترین چهره در جامعه ایرانیان یهودی هستند برای تک تک روشنفکران یک الگو به حساب می‌آید.

ممکن است افرادی مخالف آثار آقای یسعیا باشند ولی به هیچ وجه او مخالف شخصی ندارند و این به علت روح بزرگ و نگرش انسانی و پذیرش افکار گوناگون است که در شخصیت او وجود دارد. شخصیت او در عین حال که کثرت عقاید را می‌پسندند در نگرش به ارزش‌های انسانی دارای وحدتی هستند که هرکس به این وحدت‌ها پایبند باشد در چهارچوب فکری خود می‌پذیرند و جای می‌دهند».

سخنران بعدی مراسم **سیروس علی‌نژاد**، نویسنده و روزنامه‌نگار بود: «یشایایی را چند سال بیشتر نیست که می‌شناسم، اما هر وقت درباره مسائلی که با هم مخالفت داریم صحبت کردیم، من به ایشان نزدیکتر شدم و دوستی ما عمیق‌تر شد برای اینکه او آدمی صمیمی است.

در کتاب خاطرات یکی از استادانم که یهودی بود و در محله عودلاجان زندگی می‌کرد، داستانی بود با عنوان «بچه مسلمون ناف محله» که در آن نوشته بود که بچه مسلمان‌ها با بچه یهودی‌ها و بزرگان آنها با هم چگونه رفتار می‌کردند. زیور خانمی است که مامای محله است و همه بچه‌ها را او به دنیا آورده با وجود این وقتی یک زائو را کمک می‌کند، سید فخر به او می‌گوید که وسایل را آب بکش که پدر یک بچه مسلمان به او می‌گوید مومن دلت را آب بکش.

یک روز در مدرسه اتحاد (کلیمیان) مسابقه زبان فرانسه برگزار می‌شود، بچه‌های اتحاد اول می‌شوند و مدرسه

می‌شد. وقتی به این مساله فکر می‌کنم مهمترین علت را صمیمیت می‌بینم. پرویز یسعیا با صمیمیت خاصی ایرانی و کلیمی بودن خود را حفظ کرده و نمونه و جلوه واقعی تبلور هویت واحد یهودی هستند که هم به اندازه بقیه ایرانی‌ها، ایرانی و بیشتر از سایر یهودی‌ها، یهودی است و این الزاما به معنی متشرع بودن نیست بلکه به معنی احترام به تفکر یهودی است.

داستان‌هایی که در این کتاب دیده می‌شود بیش از همه روایت یهودیان است که شاید از نظر ادبیات نتوان به آنها به عنوان داستان کوتاه نگاه کرد. درواقع اینها روایت‌ها و خاطراتی هستند که از ضمیر اول شخص مفرد روایت شده‌اند. نکته جالب در یکی از این داستان‌ها است که در واقع بیان شخصیت خود آقای یسعیا است. در داستانی که مطرح می‌کند که بالاخره من فهمیدم که نام من چیست دو بخش از هویت او مشخص می‌شود. در هفت سالگی که سن آغاز آموزش و پیدا کردن نگرش علمی به دنیا است در پرویز یسعیا به وحدت می‌رسد. هارون و پرویز در این سن هستند که دریچه شناختشان مشخص می‌شود و آقای یسعیا متوجه می‌شود که پرویز و هارون یک نفر هستند. به نظر من اگر بخواهیم جنبه‌های روان‌شناسانه این اثر را مورد توجه قرار دهیم ما را به این می‌رساند که این هویت واحد ایرانی یهودی از زمانی که دانش، علم و اندیشیدن وارد ذهن آقای یسعیا شده با او همراه بوده است.

امیدوارم سایه آقای یسعیا سال‌های طولانی برسر خانواده استوار باشد. مردم ایران و جامعه یهودی بتوانند از اندیشه‌های او استفاده کنند. بدون شک آقای یسعیا فعلا

شنیدم و بعد به آن هویت مکانی و زمانی دادم. به قول امروزی‌ها دراماتیزه‌اش کردم ولی چیزی که برای خود من مهم است، این که واقعا از روزی که خود را شناختم و توانستم درک کنم که وظیفه ای دارم یک لحظه از ایرانی بودنم، عشق و تعصب فروگذار نکردم».

«در فقیرترین منطقه یهودی‌نشین تهران در شرایط خانوادگی بسیار سخت متولد شدم ولی هرگز فکر نکردم به جز این خاک در جای دیگر می‌توانم زندگی کنم، علاقه‌ام به نوشته‌هایم و سینما به همین دلیل بود. دوستانی داشتم که با آنها بزرگ شدم و در راه آرمان‌هایشان جان خود را فدا کردند بدون هیچ تعصب و به عشق ملت ایران، افتخار این را دارم که اسم آنها روی من است».

من یهودی هستم، و این هویتی برای من است. اسم من هارون کلیمی یشایایی است. در یکی از سال‌ها که رئیس انجمن کلیمیان بودم می‌خواستند اسم‌های کلیمیان را تغییر دهند. من شدیداً با آن مخالفت کردم و به مجلس رفتم و گفتم که تغییر هویت خطرناک است، بگذارید این هویت برای کلیمی‌ها باقی بماند. این نه برای من افتخار است نه اینکه ما کلیمیان مهمتر از دیگرانیم. من به عنوان یهودی به نقض حقوق مردم فلسطین اعتراض کردم و در آن زمان ما را بازداشت کردند».

در این شب از کتاب «روزی که اسم خود را دانستم» رونمایی و تابلویی به هارون یشایایی تقدیم شد. در پایان جلسه یشایایی کتابش را برای دوستدارانش امضا کرد. ■

بدری‌ها از آخر دوم می‌شوند و بچه‌های مدرسه بدر فکر می‌کنند باید انتقام بگیرند، پس می‌روند بچه‌های اتحاد را کتک می‌زنند و شادمان به خانه باز می‌گردند. اینها برای زمانی است که دولت مشکلی با یهودیان نداشته و ما خود این مشکلات را ایجاد کردیم و باید از اینها نوشت و گفت و پوزش خواست».

وقتی که داستان‌های یشایایی را می‌خواندم آنقدر با محبت و بدون عقده نسبت به بچه‌های مسلمان نوشته شده که هیچ شباهتی به نوشته‌های مسلمان‌ها درباره یهودی‌ها نیست. اهمیت یشایایی فقط در سینماگری و نویسندگی و ژورنالیسم او نیست، یک صدایی بین اقلیت‌های ایرانی پیدا شده است که با کمال تأسف هیچ وقت آن قوم بین ما صدا نداشت، اولین بار است که کسی صدای ایرانیان یهودی شده است. بنابراین وجود مغتنم پیدا شده که در فرهنگ و اقوام ما ارزش خاصی دارد».

پس از آن **مرجان یشایایی**، دختر هارون یشایایی بیوگرافی پدر را قرائت کرد.

سخنران بعدی **سید علی میرفتاح**، سردبیر روزنامه اعتماد، بود که سخنرانی او جداگانه ارائه می‌شود.

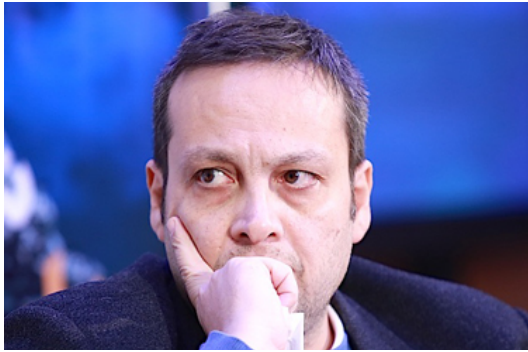
**هارون یشایایی** آخرین سخنران آن شب بود: «خدا را گواه می‌گیرم که قصد تواضع ندارم ولی خود را لایق این همه محبت دوستان نمی‌دانم. بزرگ سینمای ما وقتی من فیلم می‌ساختم، سید محمد بهشتی بود و هست و به یاد دارم بزرگداشتی برای او گرفته بودند خیلی‌ها آمدند و صحبت کردند، آقای بهشتی وقتی آمدند پشت تریبون گفتند من به همه افرادی که این همه تعریف و تمجید کردند فقط یک چیز می‌گویم، «همه چیزهایی که به من گفتم خودتی». فکر کردم همه چیزهایی که دوستان درباره بنده گفتند نشانه بزرگی و لطفشان درباره بنده بود».

یشایایی در بیان کار حرفه‌ای خود چنین توضیح داد: «من در سینمای ایران صادقانه و با پیشینه فکری در فیلم‌هایی که ساختم حضور داشتم. در مسیر تندباد یکی از سخت‌ترین فیلم‌هایی است که در سینمای ایران ساخته شده و سلامت خود را برای آن گذاشتم. همیشه در سینمای ایران آدم کوچکی بودم».

و درباره کتاب خود گفت: «در این داستان‌هایی که می‌خوانید، خود من در این روایات و گزارش‌ها حضور دارم. در مقدمه هم نوشتم، بعضی از این داستان‌ها را از مادرم

منبع

وبگاه مجله بخارا - آیدین پورخامنه



## در مدح پرویز خان یشایایی

سید علی میر فتاح

سرمدبیر (روزنامه‌ی اعتماد و نشریه کرگدن)

از خدای متعال می‌خواهم که بر ذهن و ضمیرم و بر زبانم کلماتی را القا کند که اولاً بی‌ربط و بی‌وجه نباشد، ثانیاً شما را از آن - در این چند دقیقه - ملال نیاید. ثالثاً به دل مخاطب اصلی این متن، سرور ارجمندم، استادنا و مولانا هارون یشایایی خوش بنشیند. یاد ده ما را سخن‌های دقیق / که تو را رحم آورد آن ای رفیق / گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن / مصلحی تو ای تو سلطان سخن.

از اینکه بگذریم، نمی‌توانم خرسندی - بلکه شور و شعفم را از برقراری چنین جلسه‌ای ابراز نکنم. از این بهتر چه بخواهیم که در نهایت صلح و مدارا، با آشنا و غریبه، دوستانه، دور هم جمع شویم و به خوبی و خوشی درباره رفیقمان - درباره رفیق بزرگوارمان، هارون یشایایی و درباره قصه‌های دلنشینی که نوشته، با ذوق و شوق حرف بزنیم، شعر بخوانیم، قصه بگوییم و در ستایش از او و در تکریم او از هم سبقت بگیریم. خدا این خوشی را از ما نگیرد و کینه و نثار را جای این مهر و مودت ننشاند. خدا سبب این خوشی را نیز روز افزون بدهد. رفیقمان علی دهباشی همه جا بانی خیر است و هر جا که بحث کتاب و نویسنده و متفکر و فیلسوف و حکیم و هنرمند پیش آید - بلکه هر جا اسم شریف ایران به میان آید - علی دهباشی حاضر یراق میدان‌داری می‌کند.

و اما آنچه به عقل بنده می‌رسد تا در این جلسه خدمتتان عرض کنم نقل داستانی است از موسای کلیم که درود خدا بر او و بر پیامبر اسلام باد. از سر نادانی بلکه حکمت ناشناسی، از کودکی رازی در دل داشتم که می‌ترسیدم آن را در جایی به کسی بگویم. امشب در این جلسه اول بار است که می‌خواهم یکی از تردیدهای عقیدتی‌ام را بازگو کنم. محل اعتنا و اعتبار تردید موجود ناداشتی چون من نیست. از کفر و ایمان امثال من بر دامن کبر کبریا گردی ننشیند، ارزش و اهمیتی هم ندارد، اما از آن جهت که تردید کودکانه‌ام تبدیل به پله‌ای شد که قدری از روزمره ارتقا بگیرم و در حد ظرفیتم با یکی از اسرار الهی مواجهه پیدا کنم مناسب دارد که آن را بگویم و شما را نیز بخواهم که در آن تامل کنید،

امشب را می‌گذاریم به حساب رفع القلم.

همیشه برای من سوال بود که خدای متعال روی چه حکمتی - به قول عوام روی چه حسابی - به موسی پیامبری داده است؟ نه تنها پیامبری داد، بلکه با او شخصاً وارد مکالمه شده و از عصا و کار و بارش سوالاتی پرسیده و از او احوالپرسی کرده است. ضمن اینکه هنوز او به دنیا نیامده جلوجلو خدا در کف حمایتش گرفته، در نیل رهایش نکرده، به دل فرعون و زنش انداخته تا او را چون نور چشمی بپروراند، عزیزش بدارند و مادرش را به عنوان دایه استخدام کنند و شیربهایش دهند. مقایسه کنید با عیسی که در سختی و مشقت بزرگ شد و هیچگاه از زخم طعن بدخواهان ایمن نبود. پیامبر ما نیز طعم یتیمی چشید و فقر فاقه را شخصاً تجربه کرد. قصد مقایسه ندارم و به این فرمایش قرانی «لا نفرق بین احد من رسله» باور دارم. منظورم چیز دیگری است، می‌خواهم مقام و منزلت ویژه کلیم اله را یادآور شوم. ضمن اینکه موسی قبل از اینکه از مصر به وادی ایمن بگریزد، در یک مشاخره ساده، مثنی بر گردن یکی از قطبیان زد و او را کشت. ۱۰ سال بعد وقتی خدا به او ماموریت داد تا به نزد فرعون برود گفت من از سوی آنان تحت تعقیبم و می‌ترسم که مرا بکشند. هم نگران این پرونده قضایی بود و هم از لکنت زبانش می‌ترسید، هم گفت که تنهایی از پس ماموریت بر نمی‌آید، هم می‌دانست که این امور محتاج شرح صدر و ابراز معجزه است. چیزی که برای من عجیب می‌نمود این بود که خدای متعال همه رقمه با موسی راه آمد. هم به او ید بیضا داد، هم هارون را به عنوان وزیر و دستیار ویژه‌اش برگزید، هم عصایش را اژدها کرد... همین عصا را بخوانید می‌بینید هیچ پیغمبر دیگری چنین عصای کارآمدی نداشت. عصایی که تا پیش از نبوت به کار چوپانی می‌آمد، موسی به آن تکیه می‌کرد، به شاخه‌های بلند می‌زد تا برگ و میوه از آن



بخواهد نویسنده نوظهور و جویای نام و نان داریم. منظورم مقام و مسند عزت است. آقای یشایایی عزیز است و همه ما که اینجا آمده ایم، او را از عمق جان دوست داریم. صد برابر این جمعیت آنهایی هستند که به هر دلیلی دستشان از آتش این محفل کوتاه است، آنها هم آقای یشایایی را عزیز می‌دارند و همین که صحبتش به میان می‌آید در خطاب یا غیاب از او به نیکی حرف می‌زنند. حسن خلقش را می‌ستایند و مهربانی‌اش را مثال می‌زنند. این مهربانی که چیزی پوشیده و پنهان نیست.

سرتاسر کتاب «روزی که اسم خود را دانستم» نه فقط این کتاب، سرتاسر یادداشت‌هایی که از این طرف و آن طرف نوشته‌اند و می‌نویسند، سرتاسر فیلم‌های داستانی و مستندی که ساخته‌اند و کاش باز هم بسازند حتی سرتاسر مبارزه سیاسی و خاطرات زندان، هر جا را نگاه کنید، می‌بینید که او دیگران را بر خود مقدم می‌دارد، تا آنجا که دستش برسد به دیگران هر که باشند، خدمت می‌کند، اهل مواسات است. اهل دستگیری است، اهل دوستی است... کافی است بدانند در گوشه و کنار شهر، آشناها و غریبه‌هایی هستند که به کمکش نیاز دارند، منظورم را بد بیان نکنم، نمی‌خواهم که از او چهره‌ای خیر ترسیم کنم، خیرخواهی فراتر از خیر بودن است. منظورم مهر و عشق و محبت بی‌دریغ است...

سلیمان نبی که هزار برابر موسی از نعمات خدا برخوردار بود، اصلاً خداوند گِلش را با برخورداری و تنعم سرشته بود، به ما گفت حاصل این عالم چیزی جز خستگی و ملال نیست. گفت آخر حکمت ملال است. آخر عیش و نوش هم ملال است. به زبان امروز بخواهم فرمایش پسر داوود را ترجمه کنم باید بگویم که آخر مبارزه سیاسی، آخر نویسندگی، آخر علم، مقام، پول و شهرت بلکه آخر تعبد خشک و خالی هم ملالت بلکه ندامت است. من که در کار و بار روزنامه‌ام هر روز با بزرگانی روبه‌رو می‌شوم که پس از عمری کار و تلاش، جز پشیمانی و خستگی و بی‌حاصلی نصیب دیگری ندارند. یعنی آدم را در زیر آفتاب، جز خستگی و ملالت حاصلی نخواهد بود، هرچه بکاریم، تاکید می‌کنم هرچه بکاریم دست آخر خستگی و فرسودگی درو می‌کنیم، مگر مهربانی، مگر آن چیزی که خواجه حافظ به نکویی اهل کرم تعبیر کرده‌اند. بر این رواق زبرجد نوشته‌اند به زر/ که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند...

منبع

وبگاه مجله بخارا- آیدین پورخامنه buk Haramag.com

فرو بریزد، یکباره بعد از نبوت ارتقا فوق‌العاده می‌یابد و نه تنها تبدیل به اژدها می‌شود، بلکه سحر نسحره را باطل می‌کند. از دل سنگ آب غرب در می‌آورد و دریا را می‌شکافد. جز موسی هیچ کس دیگری از این عصا، شیشه این عصا، حتی یک دهم این عصا را ندارد. به روایت قرآن یکبار امت موسی از او می‌خواهند که خدا را ببینند. خدا چنان به آنها خشم می‌گیرد و سفت و سخت عقوبتشان می‌کند که سابقه ندارد. اما عجیب این که قبلش خود موسی چنین تقاضایی به زبان می‌آورد، رب ارنی، خدا نه تنها خشم نگرفت بلکه فرمود «لن ترانی...». چیزی که برای این حقیر، فقیر سراپا تقصیر بی‌خبر از همه جا سوال بود، این بود که این عزیزی از کجا آمده، چرا خداوند برای او حساب ویژه باز کرده و چرا به او خدمات ویژه اعطا فرموده است.

داستان ملاقات موسی با شعیب را بخوانید بیشتر به این خدمات ویژه واقف می‌شوید، لذا شاید به من به منی که وجودم آمیخته ست با جدال شک و ایمان حق بدهید که پنهانی و در لایه‌های زیرین ضمیرم یک علامت سوال بزرگ داشته باشم و بپرسم که مگر می‌شود بی‌محنت به کسی، ولو به پیامبر خدا، این همه نعمت بخشید... تا اینکه در مثنوی شریف مولانا به داستانی برخوردیم که نه تنها پرده از راز نبوت برداشت، بلکه اولوالعزم بودن موسی را در چشم صد چندان کرد. داستانی که مولانا تعریف می‌کند، همان داستان معروف بره گمشده است. یک روز که موسی مشغول شبانی بود، بره ای از او گم شد و به کوه زد:

گوسفندی از کلیم الله گریخت/ وان رمه غایب شد از چشم او/ گوسفند از ماندگی شد سست و ماند/ می‌نواخت از مهر همچون مادرش/ نیم ذره تیرگی و خشم نی/ غیر مهر و رحم آب چشم نی/ گفت گیرم بر منت رحمی نبود/ طبع خود بر خود چرا استم نمود... با ملایک گفت یزدان آن زمان که نبوت همی زبید فلان... در اصل این مهربانی و شفقت بر مخلوقات و عشق بی‌حد و نصاب به انسان و حیوان و گیاه است که فرزندان آدم را شایسته پیامبری می‌کند. مصطفی فرمود خود که هر بنی/ کرد چوپانش برنا یا صبی/ بی شبانی کردن و آن امتحان/ حق ندادش پیشوایی جهان...

رفیق ما، رفیق بزرگوار ما، آقای هارون یشایایی هم بی‌جهت بر این مسند و مقام ننشسته است. کدام مسند و مقام؟ منظورم تهیه‌کنندگی سینما نیست. منظورم مبارزه سیاسی هم نیست. نوشتن برای مطبوعات هم الان تا دلتان

## کتاب را به حرف آوردم

لیلا باقری

شرگان انورزاده، از همکاران قدیمی و از نویسندگان با ذوق مجله افق بینا است. او کتاب‌های زیادی را به صورت صوتی درآورده و ده سال در این زمینه سابقه دارد. علاوه بر این کتاب‌های صوتی، سابقه گویندگی در نمایشگاه‌های مختلف تهران را به صورت زنده به دو زبان فارسی و انگلیسی داراست. کتاب‌های صوتی برای نابینایان بنیاد رودکی، موسسه مثبت‌اندیشی گروه تحقیقاتی عباس‌منش از کارهای اوست. از تازه‌ترین کارهای او می‌توان به بهترین فکر دنیا، زنگ شیرین‌کاری، جشن شکلات، جنگ غذا و معلم تازه‌کار اشاره کرد. نشریه همشهری محله در ۲ دی ماه ۱۳۹۶ گفتگویی را با او انجام داده که در ادامه می‌خوانید.

◀ خانم انورزاده چه شد که از همان ابتدا مستقیم

سراغ صدایپیشگی برای کتاب‌های صوتی رفتید؟

در صحبت‌هایم با نوجوانان و بزرگسالان متوجه شدم هر کس به دلیلی با کتاب و کتابخوانی بیگانه شده است. مسن‌ها می‌گویند چشم‌شان نمی‌بیند و خانه‌دارها می‌گویند وقتش را ندارند. جوانان نیز یک سر دارند و هزار سودا و بدشان نمی‌آید هنگام رانندگی چیزی بشنوند. این شد کتاب صوتی جزو دغدغه‌هایم شد. به بنیادها و نهادهای مختلف سر زدم و پیشنهادهایم را برای کتاب صوتی ارائه کردم. گفتم حالا که مردم کتاب نمی‌خوانند، لااقل بشنوند به نهادها و ارگان‌های مختلف سر زدم و توضیح و پیشنهاد می‌دادم. آن زمان تعداد کتاب صوتی کم بود و تنها برای نابینایان چنین کتاب‌هایی وجود داشت. به خیابان انقلاب می‌رفتم و تعداد کتاب‌های صوتی را می‌شمردم تا ببینم چقدر در این زمینه کار شده. یکبار به کتابخانه مرکزی سر زدم و گفتند این کار خوب است ولی استودیو نداریم و گفتند به بنیاد رودکی سر بزن. در بنیاد برای گویندگی، تست زبان فارسی و انگلیسی و نیز عربی دادم. زیرا مخاطبان ما، دانشجویان و دکترها بودند و کتاب‌هایی که به ما معرفی می‌شد برای تز دکترایشان بود. بنابراین نباید به هیچ عنوان اشتباه می‌کردیم. چند سال پیش، بالاخره با یک مؤسسه که تخصصی روی کتاب‌های صوتی کار می‌کرد، آشنا شدم و رسیدم به بهترین شغلی که دلخواهم بود.



«شرگان انورزاده» از نخستین صدایپیشه‌هایی است که از کودکی دوست داشته خواندن کتاب حرفه اصلی‌اش باشد. ۱۰ سال است صدایپیشگی می‌کند و در تمام این ۱۰ سال کتاب خوانده است. حتی هنگامی که کتاب صوتی خیلی باب نبود و بیشتر برای روشندان کارایی داشت. او هم عاشق کتاب خواندن است و هم صدایپیشگی و خوشحال است به کاری می‌پردازد که هر دو علاقه‌اش را در بر می‌گیرد. او هم‌محله‌ای خوش ذوق ماست که با علاقه‌اش «دشمن عزیز» که ادامه بابا لنگ‌دراز است می‌خواند و دوست دارد همه آن را بشنوند یا بخوانند. با او دقایقی به گفت‌وگو نشستیم تا برایمان از دنیای کتاب بگویند و صداهایی که او را به مخاطبان نادیده‌اش پیوند می‌زند.

\*\*\*

**\* ما ایرانی‌ها عاشق شنیدن روایت و قصه هستیم، آن قدر که از قدیم، تقالی یکی از حرفه‌های سخت و مرسوم ما بوده است گوش سپردن به کتاب صوتی بهترین گزینه برای پر کردن ساعات تلف شده است**

◀ چه شد که به اجرا و گویندگی علاقه‌مند شدید؟  
از وقتی یادم می‌آید و خودم را شناختم، پای تلویزیون می‌نشستم و صدای همه را تقلید می‌کردم. صداهای تیزرهای تبلیغاتی را مانند خودشان اجرا می‌کردم. عاشق کتاب نیز هستم. مادرم همیشه برایم کتاب می‌خواند و بعد هم که سواددار شدم، همیشه خواندم. این دو عشق، کتاب خواندن و اجرا کردن، در هم تلفیق و این شد که دلم خواست گوینده کتاب‌های صوتی شوم. ما همانی هستیم که می‌اندیشیم. خیلی خوب است که آدم به آرزویش برسد. یک بار به دنیا می‌آییم و باید طوری زندگی کنیم که هم خودمان خوشحال باشیم و هم دیگران را خوشحال کنیم.  
وقتی می‌بینم بچه‌های خودم و جوان‌ها در گوششان هدفون می‌گذارند و قصه گوش می‌دهند، خیلی خوشحال می‌شوم. این که تمام طول مسیر را به بهترین نحو می‌گذرانند، حس خوبی است. من دو پسر دارم. رایان و رایبن. اولی این ترم مهندسی معماری می‌گیرد و دومی سال سوم مهندسی کامپیوتر است. خانواده خوب و آرام و همراهی دارم. پسرها کارم را دوست دارند. البته برای آنها از بچگی صدایشگمی می‌کردم. هر عروسک پشمالویی که داشتند با صدای من بوده و هر کدام صدای خاص خودشان را دارند. پشت عروسک‌ها پنهان می‌شدم و با صدای عروسک‌ها با آنها حرف می‌زدم و پند و اندرز می‌دادم. آنها با این صداها بزرگ شدند و مادری که کمتر جدی و بیشتر شوخ بود. بیشتر دوستشان بودم تا مادرشان. به همین دلیل، راحت ارتباط برقرار کردم و بچه‌هایم کارهایم را دوست دارند. ■

◀ خیلی حس خوبی است که آدم مشغول به کاری باشد که دوستش دارد...

من با کار در مؤسسه‌ای که دغدغه فرهنگ‌سازی دارد، به بزرگترین آرزوی زندگی‌ام رسیدم. لحظاتی که در ضبط، کتاب می‌خوانم دیگر خودم نیستم. وقتی عاشق شخصیت سالی «دشمن عزیز» هستم، دیگر خودم نیستم. با قهرمان داستان یکی می‌شوم وقتی می‌خندم و گریه می‌کنم خودم نیستم، سالی است.

**\* این دو عشق، کتاب خواندن و اجرا کردن، در هم تلفیق و این شد که دلم خواست گوینده کتاب‌های صوتی شوم. خیلی خوب است که آدم به آرزویش برسد. یک بار به دنیا می‌آییم و باید طوری زندگی کنیم که هم خودمان خوشحال باشیم و هم دیگران را خوشحال کنیم**

◀ معلوم است عاشق این کتاب هستید. کتاب‌ها را خودتان انتخاب می‌کنید؟

خیلی دلم می‌خواست دشمن عزیز که ادامه بابا لنگ‌دراز است شناخته شود. بنابراین، مترجمش را پیدا کردم و با او قرارداد بستیم و خواندن کارهای «جین وبستر» را شروع کردیم. جری جوان و دشمن عزیز و ... در کل چون برای نوجوانان کار کم داشتیم، روی ادبیات آمریکا تمرکز کردیم. در ادامه در زمینه کتاب کودک کار کردیم.  
در مجموعه داستان‌های مدرسه پرماجرا، جای ای جی به عنوان یک پسر بچه ۸ ساله با استعداد حرف می‌زنم. هر جلد از این کتاب، یک پیام خوب برای بچه‌ها دارد. این مجموعه خوشبختانه با استقبال پدر و مادرها مواجه شده است.



## قصه زنی که نخستین و تنها مرکز تخصصی درمان سوگ در ایران را تأسیس کرد نمی‌خواهم هیچ قلبی در دمند باشد

فربیا نباتی



کوهن نشان داد. روزهای سختی که خودش آن را باتلاقی می‌نامد که اگر از آن بیرون نیامده بود، معلوم نبود امروز او و خانواده‌اش چه سرنوشتی داشتند؛ «در ۲۴ سالگی ازدواج کردم. در دانشگاه ادبیات انگلیسی خوانده بودم و بعد از آن هم دبیر زبان انگلیسی بودم اما وقتی بچه‌ها به دنیا آمدند، قید کار را زدم و در خانه ماندم. دو دختر و پسر شروین حاصل زندگی مشترک من و همسرم بودند. شروین تازه ترم اول دانشگاه را شروع کرده بود و هزار آرزو در سر داشت که آن اتفاق افتاد، ۱۹ سال و ۶ ماه از تولدش گذشته بود که در یک حادثه رانندگی از دستش دادیم. وقتی شروین رفت زندگی برای همه خانواده تمام شد. دیگر دلیلی برای ادامه زندگی نداشتیم. بعد از او بیشتر روزها می‌نشستم و توی خودم فرو می‌رفتم، تک‌تک ثانیه‌ها را می‌شمردم تا بلکه زندگی تمام شود؛ اما وقتی به خودم می‌آمدم می‌دیدم عقربه‌ها فقط چند ثانیه روی ساعت جابه‌جا شده‌اند. حالا به این فکر می‌کردم که این زندگی چه جوری ادامه پیدا خواهد کرد. بارها در بیمارستان بستری شدم و حتی یک‌بار ایست قلبی و تنفسی هم داشتم. روزهای سختی را می‌گذراندم. مدام از خودم سوال می‌کردم که چرا من؟ چه گناهی کرده‌ام که این مصیبت تاوان آن شده؟ هر بار که کسی به دیدنم می‌آمد و تسلیت می‌گفت، به هم می‌ریختم و نمی‌توانستم باور کنم که همه چیز تمام شده. شروین قبل از تصادف ترم اول دانشگاه بود و مهندسی عمران می‌خواند. بعد از فوتش یک روز به دانشگاه دعوت‌م کردند. نمی‌دانم برای چه به

نام **روین‌زاده** در جامعه ما نام ناآشنایی نیست. این خانواده همیشه دستی در کارهای خیر اجتماعی داشته‌اند. از زمانی که بنیاد نیکوکاری را تأسیس کرده‌اند، حالا دیگر جامعه اکثریت خصوصاً پایتخت‌نشینان نیز با این مرکز آشنایی دارند و به لطف رسانه‌ها این شناخت روز به روز بیشتر می‌شود. بنیاد نیکوکاری شروین روین‌زاده با مجوز رسمی از وزارت کشور، موسسه‌ای غیردولتی و مردم نهاد است که با هدف کلی درمان سوگ و در بخش نیکوکاری با هدفمندسازی زنان و کودکان نیازمند آسیب دیده از سوگ فعالیت می‌کند. این مرکز در طول ۱۲ سال فعالیت تخصصی خود در این حوزه برای تعداد بسیاری از افراد آسیب‌دیده از سوگ، خدمات گروه درمانی و مشاوره فردی و تخصصی برگزار کرده است. تعداد زیادی از خانواده‌های نیازمند آسیب دیده از سوگ و تعداد بی‌شماری کودک بی‌سرپرست و بد سرپرست را تحت حمایت‌های مالی و معنوی خود قرار داده است. در اجلاس چهره‌های نامی بانوی ایرانی، تندیس و لوح زرین چهره‌های ماندگار ایران در سال ۱۳۹۶ به سرکار خانم شهره کوهن موسس و مدیرعامل بنیاد نیکوکاری شروین روین‌زاده اولین و تنها مرکز تخصصی درمان سوگ در ایران اهداء شد. گفت و گویی که در ادامه می‌خوانید در روزنامه شهروند شماره ۱۳۱۷، چهارشنبه ۲۰ دی ماه ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است.

**ترجیع‌بند** همه جملاتش شروین است؛ پسری که اگر امروز بود ۳۳ سال را پر کرده بود و شاید همان‌طور که دوست داشت مهندس عمران شده، ازدواج کرده و پدر ۴ فرزند بود و او هم با نوه‌هایش سرگرم بود و تر و خشک‌شان می‌کرد. تقدیر اما سرنوشت دیگری برای مادر و پسر در سر داشت. پسر خیلی زود لبخندی شد در چند قاب عکس و اسمی شد روی سر در ساختمانی در خیابان ملک تهران و او هم شد موسس نخستین و تنها مرکز سوگ‌درمانی ایران. ۱۴ سال است که شروین روین‌زاده رفته اما هنوز در عکس‌هایش می‌خندد، در باور مادر زندگی می‌کند و در واقعیت بنیادی شده برای آموزش از سرگیری کلاف زندگی برای آنهایی که روزهایی شبیه به روزهای شهره کوهن در ۱۴ سال پیش گذرانده‌اند. ۲۵ بهمن ماه سال ۸۲ که از راه رسید سکه زندگی روی دیگرش را به شهره

مرکز درمان سوگ را ایجاد کنیم. مجوزش را گرفتیم. نخستین بار و همزمان با تولد شروین بچه‌های بهزیستی را دعوت کردیم و جشن تولد گرفتیم. آرام‌آرام اسم بنیاد و هدفش توی گوش‌ها پیچید و کم‌کم سروکله آدم‌هایی با تخصص‌های مختلف و بیشتر همدرد پیدا شد که می‌خواستند کمک‌مان کنند. حالا تیم‌مان شکل گرفته بود.»

### سوگ هم درمان دارد

برای کسی که عزیزی از دست می‌دهد، هیچ‌چیز تمام نمی‌شود. زندگی سر این بزنگاه تلخ تازه شروع می‌شود و فرد می‌ماند با یک عالمه سوال بی‌پاسخ، بغضی در گلو و داغی در سینه مانده؛ «یادم می‌آید یک‌بار که خیلی مستأصل بودم پیش یک روانشناس معروف رفتم. او به من گفت در زلزله بم این همه آدم مرده آن وقت تو تنها یک بچه از دست داده‌ای و این کارها را می‌کنی. آن‌قدر این برخورد بد بود که می‌خواستم دفترش را روی سرش خراب کنم. رفتارهای این شکلی یا به کار بردن «روحش شاد»، «تسلیت می‌گویم» و این واژه‌های کلیشه‌ای فرد عزادار را کلی اذیت می‌کند و به هم می‌ریزد. این‌که چطور با یک فرد داغ‌دیده و دردمند برخورد کنیم مهمترین چیزی بود که می‌خواستم توی این مرکز انجام شود. ما همه این‌جا عزیزی را از دست داده‌ایم و درد مشترک داریم؛ بنابراین شبیه خانواده شده‌ایم، درد هم را می‌شنویم، همدیگر را می‌فهمیم و با هم همدلی می‌کنیم. سوالاتی مثل «چرا من» و این‌که «چه گناهی کرده‌ام که تاوانش مرگ عزیزم شده»، نخستین موضوعی است که فرد سوگوار با آن مواجه می‌شود و فکرش را مدام درگیر می‌کند. در کلاس‌ها و جلساتی که این‌جا برگزار می‌کنیم، پاسخ این سوالات را پیدا می‌کنیم. فهمیدن این‌که من تنها نیستم و هزاران آدم مثل من و حتی با دردهای بدتر از من وجود دارد فرد داغ‌دیده را آرام می‌کند. این‌جا ما مرهم اشک‌های همدیگر می‌شویم.»

ده نفر روانشناس و مددکار حالا کمک‌کار بنیاد خیریه شروین شده‌اند، با شعار «سوگ هم درمان دارد»؛ «با این روانشناسان و مددکاران و تعدادی پرسنل اداری، بنیاد را اداره می‌کنیم. تقریباً هر ماه حدود ۲۰۰ نفر مراجعه‌کننده

آن‌جا رفتم اما یادم می‌آید وقتی وارد دانشگاه شدم روی در ورودی تابلویی دیدم که روی آن نوشته بود «آنچه که پيله ابریشم مرگ می‌پندارد از نظر پروانه آغاز زندگیست». این جمله مثل یک جرقه بود و همه وجودم را تکان داد. بارها به آن جمله فکر می‌کردم. بعد از آن یک‌بار هم یکی از آشناها که او هم پسرش را از دست داده بود از تجربیاتش برابم گفت و سختی‌هایی که تحمل کرده بود. او کتاب «در آغوش نور، بتی جی ایدی» را به من معرفی کرد؛ کتاب ۳۶ جلدی درباره زندگی زنی که تجربه نزدیک به مرگ را گذرانده. جلد اول کتاب را خواندم و این دومین جرقه بود.»

### مرگ پایان زندگی نیست

همه چیز از رفتن شروین شروع شد یا به قول شهره کوهن از پرواز و آسمانی‌شدنش. دو سال از مرگ شروین گذشته بود که ساختمانی در خیابان ملک تهران مرکزی برای مرهم سوگواران شد. جایی که حالا به جز درمان درد کسانی که عزیزی از دست داده‌اند، سوگ عاطفی را هم مرهم می‌گذارد و پناهگاه کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست هم شده؛ «خیلی طول کشید تا به این برسم که مرگ پایان آدم‌ها و زندگی نیست. بعد از آن همه چیز عوض شده بود. فکر می‌کردم زندگی همیشه در جریان است و من باید تا زمانی که زنده‌ام مثل گل نیلوفر باشم و در سخت‌ترین شرایط زیباترین گل را بدهم. احساس می‌کردم حالا که خوب شده‌ام، وظیفه دارم نگذارم این مشکل برای کس دیگری هم پیش بیاید». ۲۵ بهمن ۱۳۸۴ که از راه رسید بنیاد خیریه شروین روبن‌زاده تأسیس شد. بنیاد ابتدا بر پایه نیکوکاری شکل گرفت اما بعد از مدتی تصمیم بر این شد به نخستین مرکز تخصصی درمان سوگ در ایران تبدیل شود؛ «شروین همیشه دوست داشت کار خیر انجام دهد بعد از زلزله بم تصمیم داشت یک بنیاد خیریه تأسیس کند. بعد از آن که رفت خواستیم آرزویش را برآورده کنیم. ساختمانی را آماده کردیم و بعد هم مجوز تأسیس بنیاد خیریه را گرفتیم. اوایل یک بنیاد نیکوکاری بود که خانوادگی اداره می‌شد اما بعد از مدتی به خاطر تجربه تلخی که گذرانده بودیم، تصمیم گرفتیم نخستین

سخت‌ترین بخش تأسیس بنیاد نه گرفتن مجوز بوده، نه تأمین سرمایه و نه فعالیت‌های متعدد آن، او سخت‌ترین قسمت تأسیس یک بنیاد خیریه را جلب اعتماد جامعه می‌داند؛ «عدم اعتماد افراد بزرگترین مشکلی بود که داشتیم. به خاطر غیرشفاف عمل کردن برخی از بنیادهای خیریه، اعتماد از افراد سلب شده و آنها کمتر به خیریه‌ها باور دارند. برای همین خیلی طول کشید تا اطمینان افراد را برای خیرخواهانه بودن فعالیت‌هایمان جلب کردیم. ما برای به دست آوردن این اعتماد فرد خیر را در جریان روند کار قرار می‌دهیم و همه مراحل هزینه‌ها را به او می‌گوییم و می‌تواند خودش هم در کنارمان باشد». او از نخستین مراجعه‌کننده بنیاد می‌گوید و از آرزوهایش برای آینده آن؛ «نخستین کسانی که به این‌جا آمدند زوجی بودند که تنها فرزندشان خودکشی کرده بود. زن و شوهر بعد از شوک حادثه و داغ دخترشان در روابطشان دچار مشکل شده و از هم جدا شده بودند. یکی از دوستانشان آنها را به مرکز معرفی کرد. رفتن‌ها و آمدن‌ها باعث شد دوباره ازدواج کنند و صاحب فرزند شوند. پارسا حالا ۱۰ ساله است و نخستین نوه بنیاد شده. واقعیت این است که زندگی شخصی من از بنیاد جدا نیست و حالا این‌جا همه زندگی من شده. برای همین تنها یک آرزو دارم این‌که هیچ قلبی دردمند نباشد و هیچ اشکی بابت غم از دست دادن عزیز سرازیر نشود. ما نمی‌توانیم آرزو کنیم که دیگر مرگی وجود نداشته باشد اما بازگرداندن افراد سوگوار به زندگی وظیفه ماست و تا زمانی که باشیم این کار را ادامه خواهیم داد». موسس ۶۲ ساله نخستین مرکز درمان سوگ ۱۴ سال پس از تجربه داغ مرگ فرزند حالا مرگ را جور دیگری می‌بیند؛ «مرگ یک سفر زیباست به شرطی که به اذن خدا باشد. مرگ روی دیگر سکه زندگی و حتی ادامه آن است.

**زمان تولد و مرگ ما مشخص و این حکمت خداوند است. ما درکی از چرایی آن نداریم اما رسیدن به این باور که آمدن و رفتن حتما بی‌حکمت نیست همان چیزی است که سوگواران را به آرامش می‌رساند».** ■

حضور یا تلفنی داریم. بعضی‌ها حتی بعد از درمان باز هم مراجعه می‌کنند و خودشان همیارمان می‌شوند. شرکت در کلاس‌های مختلف برای هر فرد با توجه به شرایط روحی او تعیین می‌شود اما ترجیح می‌دهم وقتی فردی مراجعه می‌کند بار اول خودم او را ببینم و راهنمایی‌اش کنم. مراجعه‌کننده اگر خودش کلاسی را دوست داشته باشد هم می‌تواند انتخاب کند». سوگ‌درمانی فردی و گروهی، گروه درمانی بازسازی پس از طلاق، گروه درمانی شکست‌های عاطفی و آسیب‌های اجتماعی، گروه درمانی تجربیات کودکی، برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای روانشناسی و آرایه مشاوره‌های حقوقی از جمله فعالیت‌های بنیاد شروین روبن‌زاده است. گروه‌درمانی‌ها رایگان برگزار می‌شود اما مشاوره‌های فردی هزینه دارد که موسس آن می‌گوید از بقیه مراکز مشاوره ارزان‌تر است. «در حال حاضر ۱۰۰ خانواده بی‌سرپرست و بد سرپرست و ۸۰ کودک و نوجوان تحت پوشش بنیاد قرار گرفته‌اند. هزینه تحصیل، هزینه درمان، تهیه جهیزیه و سیسمونی و تهیه سبد ارزاق در هر فصل از جمله فعالیت‌هایی است که در کنار درمان سوگ مرگ و عاطفی انجام می‌دهیم. هزینه‌های مرکز ابتدا خانوادگی تأمین می‌شد اما الان با کمک خیرین و اعضای بنیاد و پولی که بابت برگزاری کارگاه‌ها دریافت می‌کنیم، تأمین می‌شود». آوازه مرکز خیلی زود به شهرهای دیگر و حتی اروپا و آمریکا هم رسید؛ «از شهرهای مختلفی مثل بوشهر، گناوه، شیراز و... و حتی از کشورهایی مثل کانادا و آلمان تماس تلفنی داریم و مشاوره می‌گیرند. از شهرهای مختلف تماس داریم که می‌خواهند آن‌جا شعبه تأسیس کنیم اما توان مالی نداریم. فعالیت‌ها و کلاس‌های مختلفی داریم مثل فیلم‌درمانی و موسیقی‌درمانی که امکان برگزارکردنش را در خارج از تهران نداریم. در کشورهای دیگر معمولاً مراکز درمان سوگ از سوی دولت حمایت مالی می‌شوند اما ما این‌جا این امکان را هم نداریم برای همین تصمیم داریم در صورت موافقت بهزیستی کارگاه آموزشی برای روانشناسان و مددکاران شهرهای دیگر برگزار کنیم تا خودشان در شهرهایشان کار ما را پی بگیرند».



## افول یک ستاره

فرانک عراقی

کارشناس ارشد (روزنامه‌نگاری)



به طور قطع و یقین کمتر کسی است که گذارش به آرامستان بهشتیه (کلیمیان تهران) نیفتاده باشد. نمی‌دانم این عادت من است یا شما هم گاهی این کار را می‌کنید. بعد از اتمام زیارت نزدیکان و آشنایان و دوستانی که در آن جا مدفن گزیده‌اند، مدتی نیز در بین قبرهای خاموش قدمی می‌زنم و علاقه‌مندم، تاریخ روی سنگ قبرها، نوشته‌ها و شعرهای حکاکی شده روی آنها را بخوانم. بسیاری قبرها، عکسی نیز به یادگار دارند، گاهی جوان و گاهی پیر. به عقیده من هر کدام از این نقش‌ها و نوشته‌ها و شعرها و عکس‌ها، حتی تاریخ‌های تولد و مرگ، حرف‌های ناگفته زیادی دارند.

این بار که گذارم به این آرامستان افتاد، سنگ قبر ساده‌ای نظرم را جلب کرد. ژانت کهن‌صدق، دختر ورزشکاری که در عنفوان جوانی بر اثر تصادف از دنیا رفت، و تنها ۲۶ سال زندگی. اما چه عمر کوتاه و پر باری. یاد نوشته‌ای می‌افتم، که طول زندگی چندان مهم نیست، مهم عرض آن است و این که در مدت زمانی که خداوند برای ما تعیین کرده، چه کرده‌ایم تا حداقل نام نیکی از ما به یادگار بماند. گاهی یادآوری کسانی که هر کدام به نحوی در جامعه و کشور خود موثر بوده‌اند، خالی از لطف نیست و این بار... ژانت کهن‌صدق، قهرمان دو و میدانی کشور، ستاره‌ای که خیلی زود خاموش شد.

دانشگاه تهران بود. وی اولین بار در ۱۳۳۹ در مسابقات دوی صد متر شرکت کرد و مقام سوم را کسب نمود. در ۱۳۴۰ اولین بار در مسابقات ۸۰ متر بزرگسالان شرکت کرد و رکورد یازده ثانیه را باقی گذارد. در مهرماه همان سال در شانزده سالگی در گروه وزن ۴۰ کیلوگرم و قد ۱۵۶ در دوی صد متر شرکت کرد و رکورد جهانی ۱۳/۱ ثانیه را با یک دهم ثانیه اختلاف شکست. وی این رکورد را تا ۱۳۴۲ حفظ کرد و بار دیگر خود آن را تغییر داد. در اکتبر ۱۳۴۴ رکورد ۱۰۰ متر دو با مانع را شکست و ۳۵ هزار نفر تماشاگر هم‌میهن او را تشویق کردند و کیهان ورزشی از او به عنوان قهرمان سال یاد کرد. او در مصاحبه‌ای گفته بود: «ژانت هرگز در جا نمی‌زند» و برخلاف جنه ریزش دارای روحی بزرگ و شخصیتی قوی بود. عاشق خانه و خانواده بود در کودکی به خانواده‌اش گفته بود آرزویم این است که جهان مرا بشناسد. مرگ نا به هنگام وی در دوم خرداد ۱۳۵۱ ش. (ژوئن ۱۹۷۲ م) در بیست و شش سالگی در تصادفی که در محل پارک وی رخ داد رقم خورد. او و سیمین شفیقی

ژانت کهن‌صدق، قهرمان دوی ملی، سومین دختر خانواده کهن‌صدق (ابراهیم کهن‌صدق و اختر مراد پور) در سال ۱۳۲۴ ش. (۱۹۴۵ م) در تهران متولد شد. ژانت فارغ‌التحصیل دبیرستان انوشیروان و رشته تربیت بدنی از



کاپیتان تیم بسکتبال زنان کشور، در این تصادف در جا کشته شدند. در مراسم خاکسپاری او بسیاری از شخصیت‌های ورزشی، همکاران، مربیان ورزشی، استادان دانشگاه‌ها، دانشجویان، اعضای انجمن کلیمیان ایران، اعضای سازمان بانوان یهود و بسیاری از شاگردان مدارس که ژانت برای آنها تدریس می‌کرد و دیگر طبقات جامعه حضور یافتند. دانشگاه تهران و فدراسیون دوی کشور، مسابقات سالانه‌ای را به نام او برگزار کردند و میدانی را که او آخرین بار در آن جا مسابقه داده بود، گل باران کردند. در اولین مسابقه بعد از او خط دوم را که در آخرین مسابقه‌اش در آن دویده بود با گل پوشانده بودند.

ژانت کهن صدق به دلیل قهرمانی، شخصیت انسانی برجسته و تدریس ماهرانه‌اش مورد لطف و محبت همگان بود. ابعاد این فاجعه به قدری زیاد بود که پدرش نیز بعد از یک ماه در گذشت. انجمن بانوان کلیمی تهران با همت انجمن کلیمیان تهران در بهمن ماه ۱۳۸۳، سالن ورزشی بانوان کلیمی تهران را به نام شادروان ژانت کهن صدق، قهرمان دو سرعت و رکورد دار دو صد متر زنان ایران، در محل مجتمع فرهنگی، ورزشی سرابندی واقع در یوسف آباد افتتاح نمود، قهرمان دو ایران که ناگهان در ۲۶ سالگی از حرکت باز ایستاد. ■

منابع

- ۱- فرزندان استر، به کوشش هومن سرشار، مترجم مهرناز نصریه، چاپ دوم، ۱۳۸۷
- ۲- ویکی پدیا
- ۳- مجله افق بینا، شماره ۲۵. اردیبهشت ۱۳۸۴ شمسی.

## جایگاه زن در آیین یهود (بخش پایانی)

نسترن جاذب

توجه

این مقاله به بررسی کلیات تاریخی و فقهی احکام زنان پرداخته است و نمی‌تواند مورد استفاده قانونی و حقوقی قرار بگیرد. بدیهی است که رای محاکم قضایی، براساس استعلام از مرجع دینی کلیمیان استوار است.

### نقش و جایگاه زن در خانواده

به لحاظ اجتماعی، خانواده - متشکل از زن و شوهر - هسته مرکزی زندگی است و هر بحثی در این باره، باید با ملاحظه هر دو طرف این واحد اجتماعی صورت پذیرد. روابط عاطفی و معنوی میان زن و شوهر نه تنها از لحاظ پرورش فرزند، که با توجه به خود زوجین نیز اهمیت دارد. **تلمود** قضیه‌ای را درباره زنی نقل می‌کند که با یک عالم ازدواج کرده بود و هر روز تفیلین<sup>۱</sup> به دور بازوی شوهر می‌بست؛ او پس از مرگ شوهرش با یک مأمور جمع‌آوری خراج (شغلی که حکیمان آن را با سودجویی و اخاذی همراه می‌دانستند) ازدواج کرد و هر روز صبح بازویند مخصوص مأمور جمع‌آوری مالیات را به دور بازوی شوهر جدیدش می‌بست. و نیز مرد پرهیزگاری را مثال می‌زند که با یک زن زاهد ازدواج کرده بود. پس از جدایی آن دو، زن مجدداً ازدواج کرده و شوهر جدیدش را به راه راست هدایت نمود؛ در حالی که شوهر قبلی او با زن شروری ازدواج کرده بود که او را به فساد و تباهی کشاند. این دو نمونه از روابط متقابل زن و شوهر، ما را به یک ارزیابی واقع‌گرایانه درباره نقش و جایگاه زن در خانواده رهنمون می‌شود. با آن که راه‌هایی که زنان بتوانند قابلیت خود را در زندگی اجتماعی نشان دهند اندک بود، آنان در عمل، از نفوذ قابل توجهی



برخوردار بودند و این امر نه مورد مخالفت قرار گرفت و نه پنهان نگاه داشته شد.

<sup>۱</sup> - بازویند و پیشانی‌بند ویژه نماز صبح مردان یهودی.

## نقش فعال زنان در دعاوی

کتوبای رسمی (سند ازدواج شرعی یهود)، زن را از مالکیت بر اموالش محروم نمی‌ساخت؛ اگرچه اداره آن را در صورتی که راه دیگری پیش بینی نمی‌شد، به شوهر واگذار می‌کرد. از آن جا که زنی که ازدواج می‌کرد از حق حضور در دعاوی مدنی به عنوان خواهان، محروم نمی‌شد، تلمود دعاوی زیادی را برمی‌شمرد که در آنها زنان در دعاوی مالی، و نه ضرورتاً فقط دعاوی مربوط به حقوق زناشویی، نقش فعالی داشته‌اند.

## حدود فرمان برداری زن از شوهر

حدود فرمان برداری زن از شوهر به طور صریح در سلسله‌ای از احکام آمده است که اصولاً تغییری در موازنه حقوق و تکالیف پس از ازدواج ایجاد نمی‌کند. تورات به شوهر اجازه داده است که نذرهای همسرش را لغو کند، اما علماً این حق را به اندازه قابل توجهی محدود کردند. شوهر حق دارد که تنها نذرهایی را که تا حدودی به روابط زناشویی مربوط می‌شوند، فسخ کند و از مداخله در هر نذر دیگری که همسرش بر عهده گرفته، منع شده است. دختران پس از رسیدن به سن بلوغ، کاملاً مستقل می‌شوند و نه پدر و نه هیچ کس دیگری نمی‌تواند خواست خود را بر یک دختر بالغ تحمیل کند یا تلاش کند که او را برخلاف میلش، به ازدواج مجبور سازد. والدین یهودی همیشه خود را موظف می‌دانستند که به دنبال همسری برای فرزندان خود باشند، اما این امر نشان دهنده حقوق ویژه پدر بر دختر نیست. گذشته از این، این یک رسم پذیرفته شده است که والدین پیک علایق و خواست‌های دختران و پسران خود باشند و به عنوان واسطه در پیوندهای زناشویی عمل کنند. بنابراین، حکیمان تلمودی زنان را نه مخلوقاتی دون پایه، بلکه بنا به گفته موجز یکی از حکیمان، «ملتی جداگانه» می‌دانستند. از نظر آنها یک شبکه جداگانه از عقاید، احکام و رهنمودهای عملی زنانه وجود دارد که با آنچه برای مردان هست تفاوت دارد و زنان با آن که از بسیاری از فرایض مهم که مردان موظف به رعایت آنها هستند معاف شده‌اند، از

دیدگاه ناب دینی، کم اهمیت‌تر از مردان به شمار نمی‌آیند.

## عدم تشابه مرد و زن به یکدیگر

در مورد عدم تشابه مرد و زن به یکدیگر در «تورات» آمده است: «متاع مرد، بر زن روا نباشد و مرد، لباس زن نپوشد، زیرا هر که این کند، مکروه خدای تو است» (تورات، سفر تثنیه، باب ۲۲، آیه ۵).

## زن و طلاق در آیین یهود

لازمه‌ی طلاق در آیین یهود توافق متقابل میان دو طرف، و تسلیم گت، یعنی طلاق‌نامه‌ی شرعی یهودی، از سوی شوهر به زن است. اتخاذ این روش برای طلاق، به یک دلیل فنی حقوقی است، زیرا در ابتدای کار، عقدنامه را شوهر به زن می‌دهد. زن هیچ وعده‌ی قراردادی به شوهرش نمی‌دهد (مگر تلویحاً، آن هم با قبول عقدنامه از شوهر). از آنجا که همه‌ی وعده‌ها از سوی شوهر به زن داده می‌شود، فسخ قرارداد مستلزم آن است که شوهر خود وعده‌هایی را که در ابتدا داده، فسخ نماید. این روش، در گذشته، موجب مسائل بسیاری بوده است: مثلاً، هنگامی که مرد نمی‌خواهد طلاق‌نامه را عودت دهد و یا نتوان شوهر را پیدا کرد. در گذشته، هنگامی که محاکم درمی‌یافتند که درخواست زن برای طلاق معقول است، شوهر را به زندان می‌انداختند، تا او را مجبور به طلاق همسرش بنمایند. تلاش زیادی که برای حفظ ازدواج انجام می‌گیرد، عجیب نیست. در ابتدا، می‌کوشند با توصیه به زوجین، تداوم ازدواج حفظ شود. اگرچه طلاق آسان است، ولی هیچ‌گاه عملی مطلوب نبوده است. معمولاً جامعه یهود مایل است از وضعیتی که دو نفر بگویند طلاق می‌خواهند پرهیز شود، ولی هیچکس با آنها جدل نمی‌کند.

## دلایل طلاق در تلمود

در مورد طلاق، باید گفت که گرچه این اقدام، به لحاظ اخلاقی ناپسند است، هلاخای رسمی، آن را با سهولتی نسبی، مجاز می‌شمرد. در مواردی، جدایی اختیاری است و آن زمانی است که مرد (یا طبق هلاخای متأخر، هر دو طرف) به جدایی رضایت دهد، که در این صورت نیازی به



می‌دهد. در این گونه موارد، عبارت پردازی باید بسیار دقیق باشد تا هم ضمانت اجرای قانونی برای گت باشد و هم از بهره‌برداری ناصواب یکی از طرفین از سند، جلوگیری کند.

### دادن گت با «اختیار کامل»

سند طلاق باید با اختیار کامل شوهر ارائه شود اما رسم بر آن بوده که لاقل زن وظیفه نداشته است که آن را بپذیرد؛ نیز زن نمی‌توانسته است شوهرش را طلاق دهد. در قرن‌های دهم یا یازدهم رهبران جوامع یهودی آلمان شوهران را منع کردند که زنانشان را بدون خواست آنان طلاق دهند، و از آن زمان به بعد این امر در میان جامعه یهود اشکنازی تبدیل به عرف مقبول آنان شده است. اگر رضایتی دوطرفه از سوی زن و شوهر نسبت به طلاق وجود نداشته باشد یک طرف دعوا می‌تواند به بت دین، یعنی دادگاه شرعی یهودی، متوسل شود تا طرف دیگر را وادارد که در جریان امور مربوط به دادگاه شرکت کند. دلایلی که بر اساس آنها زن می‌تواند خواهان طلاق شود عبارت‌اند از عهدشکنی شوهر، عقیم بودن او، ناتوانی از برقراری رابطه جنسی، منع زن از استقلال اقتصادی، رفتار ظالمانه، بی‌دینی و مانند اینها. اگر بت دین به نفع زن حکم کند آنگاه شوهر را مجبور می‌کنند که با طلاق موافقت کند.

امروزه مراجع یهودی به تنهایی قدرتی ندارند که شوهر را مجبور کنند تا حکم بت دین را زیر پا نگذارد؛ حداکثر می‌توانند او را متقاعد کنند و یا آنکه از تضمین‌های اجتماعی و اقتصادی بهره‌گیرند و یا از ظرفیت‌های قوه قضاییه‌ی کشور متبوع یاری‌گیرند.

### همسر عگونا

مشکل آفرین‌ترین وضعیت آنگاه است که شوهر ناپدید شود و هیچ‌گونه نشانی نیز از مردن او در دست نباشد. همسر چنین مردی عگونا خوانده می‌شود که به معنای زن «در زنجیر» است، چرا که تا سرنخی از وضعیت او به دست نیاید همچنان شوهردار محسوب خواهد شد. اگرچه مراجع هلاخایی نوع بسیاری خرج می‌کنند تا عگونا را برهاند و امکان ازدواج مجدد را برای وی فراهم آورند اما در جایی که مبنایی برای فرض اینکه شوهر مرده است در کار نیست

ارائه ادله نیست. اما مواردی نیز هست که طلاق اجباری است و مرد مکلف است که زنش را طلاق دهد؛ که در احکام به طور مفصل ذکر شده است. رینوگرشوم نهایتاً در قرن ۱۱ این اجماع نظر، یا هلاخا، را محقق ساخت، که مرد نمی‌تواند، به رغم تمایل همسرش، او را طلاق دهد. اتخاذ این روش، نه برای تعمیم طلاق، که برای آسان‌تر ساختن طلاق در موارد لزوم بود، تا طرف‌های درگیر مجبور نباشند برای توجیه ناسازگاری خود مشکلاتی را تحمل کنند. تلمود مؤکداً می‌گوید «قطرات اشک برای هر کس که زن اول خود را طلاق دهد، بر مذبح خدا فرو می‌بارد».

### نحوه و شکل طلاق در یهودیت

شکلی که طلاق در یهودیت به خود گرفته است الگوبرداری شده از پیشینه‌ای است که در تورات آمده است: «اگر مردی زنی گرفت، و با او ازدواج کرد، و سپس اگر زن به دلیل آنکه مرد در وی چیزی ناشایست یافته است در چشم او التفاتی نیافت، مرد نامه طلاقی باید بنویسد، و آن را به دست زن دهد، و او را از خانه خود روانه کند». در اینجا طلاق حق انحصاری شوهر است، و به صورت سندی که معروف به گت است و باید توسط مرد به زن داده شود انجام می‌گیرد. در عمل، طلاق زمانی واقع می‌شود که شوهر یک گت به همسرش تسلیم کند.

### ممنوعیت ایجاد شروط در گت

یکی از اصول مهم مربوط به طلاق این است که طلاق جدایی کامل میان زن و شوهر ایجاد می‌کند و بر این اساس، قرار دادن هر نوع شرطی در گت، که زن را به هر شکلی نسبت به شوهر قبلی‌اش متعهد سازد، ممنوع است. (مثلاً مرد نمی‌تواند در گت شرط کند که زنش حق ازدواج با فلان مرد را نداشته باشد). زمان نیز ممکن است مشکل آفرین باشد؛ به ویژه در جایی که مرد تصمیم می‌گیرد به زنش، گت عل تنای (طلاق‌نامه مشروط) تسلیم کند. نمونه‌ای از این حکم (که به آغاز دوره معبد اول برمی‌گردد) آن جاست که سربازی قبل از عزیمت به جبهه‌های جنگ، برای پیش‌گیری از مشکلات شخصی و قانونی ناشی از احتمال مفقودالاثر شدنش، به همسر خود، گت عل تنای

حال حاضر جامعه یهودیان سنتی مشغول بررسی امکان مشروط ساختن طلاق مدنی به اعلام طلاق دینی به دادگاه‌های مدنی، است. در حال حاضر، این روش در ایالت نیویورک اجرا می‌شود؛ هدف از این تلاش آن است که نگذارند مرد قبل از موافقت با طلاق دینی همسر خود، طلاق مدنی را به دست آورد.

موضوع طلاق یکی از مناقشه انگیزترین دغدغه‌های جاری در دستور کار جامعه یهود است. ■

بیش از این نمی‌توان کاری برای زن انجام داد.

## مناقشات در جوامع یهودی در حوزه‌ی طلاق

نابرابری در وضعیت مردان و زنان از جهت طلاق سنتی یکی از عمده‌ترین مایه‌های جدال میان یهودیت راست کیش و یهودیان مترقی بوده است. حتی در بین راست کیش‌ها این نحوه طلاق منتقدان زیادی دارد؛ به‌ویژه سازمان‌های زنان با این امر به مخالفت برمی‌خیزند، اما البته سرانجام آنها چاره‌ای جز گردن نهادن به محدودیت‌های حوزه اختیارات هلاخا ندارند. رهبری یهودیت محافظه‌کار در ایالات متحده آمریکا کوشید تا با یک سلسله تدبیرات این گرفتاری زنان را حل کند. یکی از این راه‌ها تحمیل جریمه نقدی بر شوهر نافرمان بود. البته این امر فقط وقتی مؤثر است که شوهر ناپدید نشده باشد؛ این روش مشکل عگونا را نمی‌تواند حل کند. تلاشی که پیش از آن برای حل مشکل عگونا صورت گرفته بود و بر اساس آن از شوهر خواسته می‌شد تا به بت دین محافظه‌کاران اجازه صدور گت از جانب وی، در وقت ناپدید شدنش، را بدهد به دلیل آنکه با انتقادات شدید هلاخائیان راست کیش روبه‌رو گشت به ناچار به طلاق نسیان سپرده شد. در این اواخر راه حل جدیدی توسط حاخام‌های محافظه‌کار اتخاذ شده است که متضمن به کار زدن قدرتی است که هلاخائیان دارند اما از آن استفاده نمی‌کنند، و آن ملغا کردن ازدواج در صورتی است که مشکلی در رابطه با گت موجود باشد. زن و شوهر باید در زمان ازدواج بپذیرند که اگر روزی از طریق مدنی طلاق گرفتند اما شوهر از دادن گت به همسر ابا کرد ازدواج می‌تواند به دست مقامات دینی محافظه‌کاران لغو شود. این گزینه در موارد مفقود شدن شوهر نیز کارا است.

## بحران جامعه یهود در موضوع طلاق

بحرانی که جامعه یهود در موضوع طلاق با آن روبروست، آن است که در اکثر کشورها دادگاه‌ها، حتی در صورت موافقت با طلاق مدنی، نمی‌توانند یا نمی‌خواهند شوهر را به تأمین طلاق دینی همسرش مجبور سازند. جامعه یهودیان مترقی مقرر داشته که در این گونه موارد، دادگاه حاخامی حق انحلال نکاح و اعلام طلاق را دارد. در

### منابع

- ۱- انجمن کلیمیان تهران، مقاله زن در یهودیت، نوشته بهناز وفامنصوری، نشریه بینا شماره ۸، فروردین ۱۳۷۹.
- ۲- مقاله هویت زن در ادیان، نوشته مهدی مهریزی
- ۳- تاریخ ادیان و مذاهب جهان، جلد دوم، عبدالله مبلغی آبادانی
- ۴- سایت باشگاه اندیشه، مقاله زن در قوم یهود
- ۵- مجله حدیث زندگی، شماره ۶، مقاله حجاب در ادیان الهی، علی محمدی
- ۶- سایت باشگاه اندیشه به نقل از ماهنامه یاس، شماره ۳۲، مقاله حجاب در ادیان و اقوام گذشته، عباس رجبی
- ۷- اخلاق در شش دین جهان، بخش هندوئیسم، ورنر منسکی، ترجمه محمد حسین وقار، انتشارات اطلاعات، ص ۲۸۰-۲۸۲
- ۸- سیری در تلمود، آدین اشتاین سالتز، مترجم: باقر طالبی دارابی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۳
- ۹- باورها و آیین‌های یهودی، آلن آنترمن، مترجم: رضا فرزین، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵، ص ۲۴۳

# گذری بر تاریخچه کنیسه‌های تهران

## کنیسا و مجتمع آموزشی اتفاق (بخش اول)

مهندس مهران ملک

کارشناس معماری



در مراحل مختلف تاریخ زندگی یهودیان در ایران مکرراً ذکر شده است که یهودیانی از خارج ایران به داخل کشور مهاجرت کرده‌اند و به تدریج و در مقاطع زمانی متفاوت وضعیت زندگیشان دچار تغییر و تحولات زیادی شده است. پس از اتمام جنگ خانمانسوز جهانی دوم، زمانی که دنیا به دنبال بازسازی خسارت‌های وارد شده ناشی از جنگ مذکور بود، در کشور عراق آن روز، در دوران صدارت ولیعهد سیزده ساله (ملک فیصل دوم)، وضعیت یهودیان ساکن در عراق بسیار اسفناک به نظر می‌رسید. پس از تشکیل کابینه دولت، وی از همان ابتدای کار سیاست خصمانه‌ای را نسبت به شهروندان یهودی ساکن کشور عراق در پیش گرفت. اعمال فشارها، محدودیت‌ها، بی‌حرمتی‌ها، اختناق، بازداشت‌ها، آزار و شکنجه، آتش زدن اموال، بمب‌گذاری‌های متعدد در اماکن مختلف یهودیان بالاخص کنیساها و نهایتاً تهمت و افترا و متهم کردن شخصیت‌های مختلف یهودی به جرم‌های ساختگی و سپس بازداشت و شکنجه افراد شاخص یهودی بعنوان مثال خانم (لورا خضوعی) یکی از شخصیت‌های برجسته فرهنگی عراق و نیز محاکمه نمایشی (شفیق اُدیس) یکی از بازرگانان با نفوذ و موفق یهودی‌الاصل عراق و سپردن وی به جوخه اعدام که باعث وارد آمدن شوکی بسیار مخرب و هولناک به جامعه یهودیان آن زمان عراق شد، از جمله اقدامات وحشیانه ملک فیصل دوم می‌باشد.

### ایجاد بحران در وضعیت زندگی یهودیان عراق

زمان زیادی نگذشت که چنان وضعیت زندگی برای یهودیان ساکن عراق غیر قابل تحمل شد و عرصه بر آنان تنگ آمد که با نظر بزرگان قوم و متفقاً تصمیم به مهاجرت و ترک وطن خویش گرفتند اما غافل از این حقیقت تلخ بودند که رژیم وقت عراق برای خروج یهودیان از کشور قوانین و شرایط خاصی را وضع نموده است.

بر اساس قوانین مذکور یهودیان ساکن عراق صرفاً می‌توانستند با به جای گذاشتن ۱۰۰٪ اموال منقول و غیرمنقول خود از جمله وسایل زندگی و پول حاصل از فروختن منزل، مغازه و امثالهم، بدون خارج نمودن پیشبیزی، فقط و فقط با یک حلقه انگشتر ازدواج از عراق خارج شوند. رفتار حکومت مستبد عراق به جایی رسید که شمار زیادی از عراقیان یهودی‌الاصل بالاچار خانه و کاشانه خود را رها کرده و دست خالی به کشورهای دیگر مهاجرت نمایند.

### دلایل مهاجرت و زندگی یهودیان عراقی‌الاصل در ایران

جمعی از یهودیان ترجیح دادند به کشور همسایه یعنی ایران که از ادوار گذشته در مورد مسائل تجارت به آن در رفت و آمد بودند و تا حدود زیادی هم با آداب و رسوم این

هنر وقت، نام «اتفاق» را که در زبان فارسی و عربی به معنای «اتحاد و همبستگی» بود برای کنیسیای مذکور برگزیدند.

کنیسیای اتفاق یا در واقع کنیسیای عراقی‌ها از همان ابتدای تأسیس خود تبدیل به مرکز اجتماعات مختلف و گردهمایی‌های یهودیان عراقی‌الاصل مقیم تهران گردید.

### شرحی بر طرح بنای کنیسیای اتفاق

طرح بنای کنیسیا از سبک معماری بابلی الهام گرفته و بنیانگذار کنیسیای اتفاق شخصاً در طراحی و ساخت بنای کنیسیا نظارت مستمر داشته است. ناگفته نماند وی در ساخت کنیسیای مشابهی در شهر نیویورک آمریکا پس از مهاجرت گروهی از یهودیان عراقی به این شهر در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی مشارکت اساسی و تعیین کننده داشته است.

### مشخصات ظاهری و داخلی بنای کنیسیای اتفاق

بنای کنیسیای اتفاق در مجاورت حیاط مدرسه اتفاق در ضلع شمالی آن به طور مستقل از ساختمان مدرسه بنا گردیده است. گفتنی است که سالن کنیسیا با داشتن بیش از ۱۰ متر ارتفاع در یک طبقه (به صورت همکف) با گنجایش بیش از ۳۵۰ نفر برای آقایان و در قسمت درب ورودی یک نیم طبقه (دوم) که با دو مسیر ورودی (راه پله) با گنجایش ۱۲۰ نفر مخصوص بانوان بوده که از چهار طرف با دیوارهای جنبی با نصب پرده‌های نسبتاً بزرگ بعنوان نورگیر و همچنین با استفاده از طرح‌های هنری اصیل ایرانی من جمله گچ‌کاری و آئینه‌کاری به ویژه در سقف و اطراف جایگاه تورات (هخال) زیبایی و شکوه خاصی به این کنیسیا بخشیده است. یکی از ویژگی‌های این کنیسیا داشتن سیستم گرمایشی بسیار پیشرفته بوده که در زمان خود در میان دیگر کنیسیاهای تهران نظیر نداشته است و فقط کنیسیای اتفاق از این امکانات برخوردار بوده است.

### پایان بخش اول (ادامه دارد ...)

منبع  
چگونگی و علل پراکندگی جمعیت اقوام غیرمسلمان در آسیا و خاورمیانه، حسن جمال زین‌الدین ترجمه دکتر ضیاءالدین پاشایی منفرد

سرزمین اشراف داشتند مهاجرت نمایند. گفتنی است که در این میان عده بسیاری از یهودیان ساکن عراق به ایران عزیمت کرده و با کمک مرزنشینان کُرد یهودی از طریق خانقین عراق و قصر شیرین وارد خوزستان شده و سپس به خرمشهر آمدند.

گروهی دیگر در مناطق کردنشین خانقین در نوار مرزی در میان همکیشان خود استقرار یافتند. یهودیان مهاجر به تهران را دیگر یهودیان خیرِ تهرانی در مکان‌های موجود در بهشتیه (خیابان مازندران) و یا در کنیسیای حثیم تهران و نیز در خانه‌های یهودیان محله (سرچال) که قبلاً تدارک دیده بودند به طور موقت اسکان دادند. باید گفت که سیر مهاجرت یهودیان عراقی به ایران از سال ۱۳۲۱ خورشیدی تا سال ۱۳۲۴ بطور پیوسته و مستمر ادامه داشت. اگرچه جمعی از یهودیان مهاجر نتوانستند خود را با شرایط موجود در ایران تطبیق دهند و مجدداً تن به مهاجرت دوباره دادند ولی عده‌ای نیز با مشکلات مبارزه کرده و سکونت در ایران را ترجیح دادند.

باید گفت که جمعیتی قابل توجه در ایران بویژه در پایتخت متمرکز شده بودند. دیری نپائید که مسئولان جامعه یهودی عراقی با همکاری عراقی‌های بومی ساکن تهران و همیاری انجمن وقت کلیمیان تهران به جهت سر و سامان دادن به وضعیت زندگی مهاجرین عراقی به اتفاق همکاری تنگاتنگی را آغاز نمودند و قبل از هر اقدامی تصمیم به ایجاد مرکزی به‌عنوان مجتمع فرهنگی نمودند.

### تاریخچه تأسیس کنیسیای اتفاق تهران

در اواسط سال ۱۳۲۴ خورشیدی یکی از مهندسين يهودی عراقی‌الاصل ساکن تهران در راستای ایجاد یک فرهنگسرا یا مکان فرهنگی، هزینه خرید قطعه زمینی در مجاورت دانشگاه تهران واقع در خیابان شاهرضا (انقلاب اسلامی فعلی) و آناتول فرانس (قدس فعلی) را شخصاً متقبل گردید. پس از مدتی در تصمیم‌گیری‌های بعدی که متعاقباً انجام گرفت، بخشی از قسمت شمالی زمین مذکور را با همکاری آقایان داود ماشی، صالح، یخزقل حثیم و تنی چند از افراد خیراندیش کلیمی ساکن تهران به ساخت یک کنیسیا اختصاص دادند.

پس از تأسیس کنیسیا در سال ۱۳۲۵ خورشیدی انجمن عراقی‌های مقیم تهران با کسب مجوز از وزارت فرهنگ و



# سیر تاریخی یهودیت در بلغارستان

دکتر ژان پایاب



در دوران باستان و در حکومت بلغار و بیزانس، معروف است که در زمان کالیگولا در مقدونیه یهودیان اسکان داشته‌اند. سنگ‌نوشته‌ای به خط لاتین مربوط به اواخر قرن دوم در روستای گیگ در ساحل دانوب یافت شده که نشان دهنده وجود جامعه یهود در آنجاست. فرمان تئودوزیس به حاکمان تراس والیریا در سال ۳۷۹ نشان می‌دهد که یهودیان در این منطقه بوده‌اند و کنیسه‌ها در این منطقه خراب‌شده‌اند. وقتی که امپراتور بیزانس «لتوی

سوم» (سال ۷۱۸ تا ۷۴۱) یهودیان را آزار و اذیت کرد، ممکن است تعدادی از آن‌ها به بلغارستان فرار کرده باشند. در آنجا طی دوران سلطنت «بلغار سزار بوریس» (سال ۸۵۲ تا ۸۵۹)، به یهودیان گفته شد تلاش کنند تا از آشوب‌های مذهبی در میان بلغارها و سپس بت‌پرستان بهره‌برداری کنند و آن‌ها را به دین یهود هدایت کنند، اما فرستاده‌های مسیحی از موفقیت بیشتری برخوردار بودند. به‌هرحال مذهب مسیحیان بلغارستان قدیم، ترکیبی از عقاید مسیحیت، یهود و بت‌پرستان (مشرکین) بود. بین سال‌های ۸۵۸ تا ۸۶۷، ۱۰۶ سؤال توسط نمایندگان بلغارستان به پاپ نیکولاس ارائه شد. در میان سؤالات که همه راجع به هدایت و راهنمایی بود، سوالاتی وجود داشت در رابطه با قانون مناسب اولین میوه‌ها، چه روزی از هفته روز استراحت است، شنبه یا یکشنبه، گوشت مرغ یا کدام‌یک از حیوانات را می‌توان خورد، آیا خوردن گوشت حیوانی که ذبح نشده درست است یا نه؟ آیا افرادی که خودکشی می‌کنند باید مراسم خاک‌سپاری اجرا شود یا نه؟ آیا زنان هنگام خواندن

نماز و عبادت باید سر خود را بیوشانند و نظایر آن. نام شاهرزادگان بلغارستان در این زمان داوود، موسی، هارون و ساموئل بود که این اسامی نشان دهنده تأثیرات دین یهود می‌باشد. در سال ۸۶۳ «میکائیل سوم» امپراتور بیزانس، راهبانی به نام سریل (کنستانتین) و مندوس را از سالیکیا به موراویای کبیر فرستاد تا مذهب مردم آنجا را تغییر دهند. آن زمان مذهب موراویائی‌ان با یهودیت ترکیب شده بود و آن‌ها تحت نظر آموزگاران یهودی تعلیم می‌دیدند. سریل خط جدیدی به نام «گلاگلیتیک» (بعداً خط سریلی نامیده شد) برای خط نوشتاری اسلاوها اختراع کرد. این خط بر اساس الفبای یونانی بود، اما از الفبای عبری نیز استفاده کرد تا صداهایی که در الفبای یونانی وجود نداشت مثل «sh» و «Ts» را بیان کند. این باور وجود دارد که سریل ترجمه بخش‌هایی از کتاب مقدس را از زبان عبری اصلی انجام داده است. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد در سال ۹۶۷ یهودیان در «نیکوپل» حاکم بوده‌اند. در اوایل قرن دوازدهم «لتومونگ» به‌عنوان فردی یهودی متولد شد و

افزایش خاصی نشان می‌دهد. در سال ۱۹۹۰ تعدادی از یهودیان در کشور ترکیه در ساحل دریای سیاه اسکان یافتند. دیگر یهودیان بلغارستان در (منطقه کوکلی در نزدیکی استانبول) مشغول کشاورزی بودند. بعد از سال ۱۸۷۸ ریاست عالمان یهودی (خاخام) به سرپرستی خاخام ارشد ایجاد شد. در سال ۱۹۰۰ کنفرانس جوامع یهود تشکیل و قانون اساسی جدید تصویب شد، اگرچه دولت بلغارستان از به رسمیت شناختن این قانون سر باز زد. قانون مذکور در رابطه با انتخابات کنیسه، کمیسیون‌های مدارس و اجتماع بود و کمیسیون‌های اجتماعی، تعدادی از یهودیان بلغارستانی را از بین اعضای خود برای شورای مرکزی انتخاب می‌کردند. این شورا مستقل از خاخام ارشد عمل می‌کرد که رئیس دادگاه مرکزی عالمان یهودی نیز بود. دادگاه مرکزی عالمان یهودی، قدرت و نفوذ خود را بر دادگاه‌های عالمان یهودی «سوفیا»، «پلودیو» و «راشچاک» اعمال می‌کرد. در نزدیکی ساختمان پارلمان بلغارستان در سوفیا یک لوح برنزی بر روی پایه ای گرانیتهی قرار دارد. لوح مذکور نماد یادبود نمایندگان مجلس و بلغارهای غیریهودی می‌باشد که تلاش کردند تا تبعید ۸۵۰۰ یهودی بلغار به کمپ‌های تمرکز نازی‌ها را متوقف کنند. ■

مجموعه قوانین شرعی و عرفی یهودیت بلغارستانی را آموخت و اسقف اعظم اسقف نشین «آچریدا» و پیشوای بلغارستان شد. بطور کلی در آن زمان بلغارها نسبت به دین یهودی نگرش مساعدی داشتند، تجار یهودی ایتالیایی و راگوسی (دوبروکنیگ) که در بلغارستان ساکن بودند امتیازات حکومتی دریافت کردند. به احتمال زیاد بسیاری از یهودیان در طول جنگ‌های صلیبی به بلغارستان پناهنده شدند. «سزار ایوان الکساندر» با زنی یهودی به نام سارا ازدواج کرد، او در مراسم غسل تعمید «تئودورا» نام گرفت. وی تأثیر چشمگیری بر وضعیت امور داشت. تلاش و فعالیت‌های کلیسا در باره ارتداد نیز بر وضعیت یهودیان تأثیر زیادی داشت. شورای کلیسا در سال ۱۳۵۲ یهودیان و مرتدین را طرد کرد. سه یهودی به خاطر اتهام غلط کفرگویی و بی‌حرمتی به مقدسات به مرگ محکوم شدند. اگر چه این حکم توسط سزار لغو شد، اما احساس انتقام‌جویی را در متهمین بوجود آورد. بزرگ‌ترین بخش جامعه یهودی بلغارستان قبل از قرن پانزدهم، وابسته به مراسم یهودیان بیزانس (رومانی‌ها) بود. تنها عده کمی به زبان بلغاری صحبت می‌کردند. رومانی‌ها کتاب دعا و نماز مخصوص خود داشتند که بالاخره کتاب دعای سفاردی جای آن را گرفت. پس از بیرون راندن و تبعید یهودیان از سال ۱۳۷۶ بسیاری از یهودیان از بلغارستان به مجارستان رفتند. یهودیان مجارستان، آداب و رسوم خاص خود را حفظ کردند، اما بعداً آداب و رسوم دیگر یهودیان اشکنازی را پذیرفتند و بالاخره آن‌ها آداب و رسوم سفاردی را اتخاذ و به زبان لادینو صحبت کردند. در دهه‌های قبل از جنگ جهانی دوم، جمعیت یهودیان بلغارستان بطور مرتب کاهش یافت و این نشان دهنده کاهش میزان زاد و ولد آن‌ها نسبت به میانگین رشد جمعیت ملی بود. در سال ۱۹۲۰ در حدود شانزده هزار یهودی در بلغارستان وجود داشت. در اواسط دهه ۱۹۳۰ بیش از نیمی از یهودیان بلغارستان در سوفسا ساکن بودند. بیشتر یهودیان مشغول به تجارت و اکثریت آن‌ها دارای شغل آزاد (خویش‌فرما) بودند. در سال‌های قبل از جنگ تعداد حقوق‌بگیران روند رو به

منبع

Heritage Films;

Hecht, Esther. "The Jewish Traveler: Sofia." Photo

Credit: Judaica Philatelic Resources;

The Kneset;

The Sofia Echo, (July 7, 2011);

PR Newswire, (January 16, 2012);

David B. Green, "This Day in Jewish History/  
Bulgarian Jews fleeing the Nazis drown in Sea of  
Marmara

Bulgarian court opens trial for 2012 bus bombing,

ABC News, (January 18, 2017).



## بررسی فرش اهدایی ناصرالدین شاه قاجار به پزشک یهودی خود حکیم نور محمود (نورالحکماء)

افشین میرعبداﷲ لواسانی  
کارشناس ارشد مردم‌شناسی

با ورود عکاسی به ایران فرش به عنوان یکی از عناصر تزئینی در بناها و تزئینات مورد استفاده عکاسان قرار گرفت و تقریباً در اکثر عکس‌های گرفته شده توسط عکاسان، از فرش به عنوان یکی از جلوه‌های ارزنده آن در ایران استفاده شد. می‌توان افراد و اشخاص بسیاری را نام برد که در سه دهه آخر حکومت قاجار عکس خود را با فرش ایران به تاریخ سپردند. (شناخت نمونه‌هایی از فرش ایران، تورج ژوله، شرکت سهامی فرش ایران، ۱۳۸۴)

وابستگی یهودیان به فرهنگ ایران، نقش به سزایی در انتقال یک میراث فرهنگی ویژه داشته است. نظریه «ناخودآگاهی جمعی» که توسط روان‌شناس مشهور یونگ مورد بحث قرار گرفته است، خود توجیه‌کننده وضع یهودیان آن دوران است. یهودیان براساس یک اعتقاد سمبولیک، همواره خواستار آن بوده‌اند که تشابهی میان فرهنگ یهودیت و فرهنگ ایران برقرار سازند. براین اساس نوع بافت فرش‌ها با تار و پود و نسوج ابریشمی زربفت، با الهام از موضوعات مذهبی، به گونه‌ای سنتی و نسل اندر نسل از مادر به دختر انتقال یافته است.

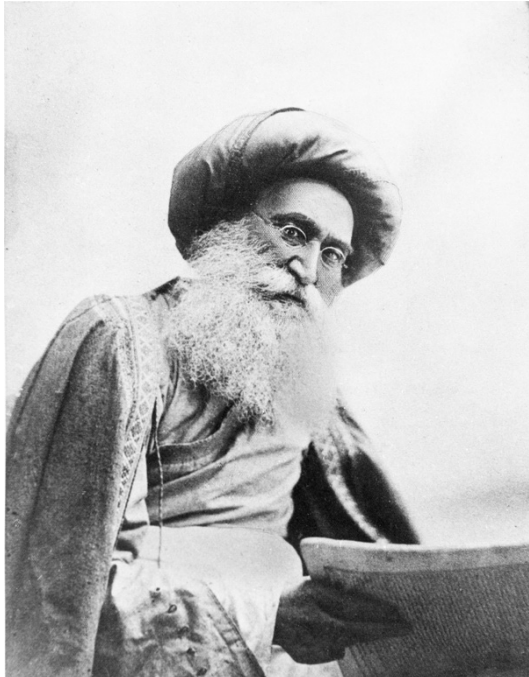
یهودیان در انتخاب طرح‌ها و نقش‌های مختلف فرش‌ها از موضوعات کتاب مقدس و سمبول‌های یهودیت از جمله شیر یهودا<sup>۱</sup>، حضرت موسی (ع)، حضرت هارون،

از منظر مردم‌شناسی اقتصادی و جامعه‌شناسی فرهنگی هدایا دارای کارکردهای مهم و اثربخشی در زندگی اجتماعی ابناء بشر می‌باشد که همواره این تأثیر در برخی موارد از قرون و سال‌های متمادی تداوم یافته است. فرش اهدایی ناصرالدین شاه قاجار به پزشک مخصوص خود حکیم نورمحمود یهودی از این جمله آثار می‌باشد که نشان‌دهنده ارزش فرهنگی هدیه مورد نظر توسط مقام هدیه‌دهنده و اهمیت فرد هدیه‌گیرنده است که به هر ترتیب می‌توان به لحاظ معنوی ارتباط و پیوستگی نقشه‌های فرش موردنظر با فرهنگ اجتماعی زمان خود از دیدگاه مردم‌شناسی دینی اشاره نمود.

تاریخ هنر و فرهنگ ایرانی قدمتی همپای اولین روزهای شروع تاریخ تمدن بشری دارد. تاریخ هنر این ملت سرشار از ذوق، توانایی و اندیشه‌های ژرف فرهنگی و هنری به دلیل تنوع و گوناگونی بسیار گسترده مصنوعات و محصولات ساخته شده است که غالب آثار مکشوفه عموماً گویای اطلاعات جامع و کم‌نظیری از تمدن ایرانی شامل: اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و همینطور دربرگیرنده سخنان ناتمام و تمام شده در زمینه ایده‌ها، اندیشه‌ها و آرمان‌های اقوام سراسر این فلات پهناور می‌باشد. (مبانی هنر ایران، حسین محسنی، بهرام نفر، انتشارات مالیک، ۱۳۹۶)

هیچ رشته‌ای از هنرهای صنعتی در ایران به اندازه قالی‌بافی مهم نیست. با این همه اطلاعات و آگاهی‌ها در مورد توسعه و تکامل باستانی آن محدود است. (صنایع دستی کهن ایران، هانس ای ولف، ترجمه دکتر سیروس ابراهیم‌زاده، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲)

<sup>۱</sup> - دیگر خصیصه صنایع بومی و سنتی ایرانی که از دیرباز مورد توجه و علاقه غالب هنرمندها بوده، استفاده مکرر از نقوش حیوانی کاملاً مجرد و استیلیزه در تزئینات هنرها و صناعات می‌باشد. صنعتگران ایرانی در کمال مهارت و برازندگی از عهده تجسم بدیع و انتزاعی حیوانات اهلی و حیوانات خیالی و افسانه‌ای برآمده‌اند. این علاقه و مهارت از آثار دوره‌های عتیق در عصر مفرغ لرستان تا فلزات، اشیاء چوبی، سنگی، سفالی و بافته‌های مختلف مانند قالی‌ها و منسوجات مشاهده می‌شود (منابع هنر ایران، حسین محسنی، بهرام نفر، انتشارات مالیک، ۱۳۹۶)



حضرت ابراهیم و حضرت اسحق و ... الهام گرفته‌اند. به عنوان مثال در موزه Beth Zedek در شهر تورنتو واقع در کانادا، حدود یک دوجین از این آثار برجسته قالیبافی وجود دارد. به‌ویژه یک نمونه فرش کاشان که بافت آن مربوط به سال ۱۸۵۰ میلادی بوده و شرح حال قوم یهود را در دوران حضرت سلیمان و دوره عهد عتیق به تصویر می‌کشد. این فرش منحصر به فرد، دارای بیش از ۲۰۰۰ گره می‌باشد. فرش دیگری کار قالیبافان یهودی شهر کاشان که بافت آن مربوط به حدود ۱۸۹۰ م می‌باشد. (نقش یهودیان در هنر و اقتصاد فرش ایران، ثریا پاستور، انجمن کلیمیان تهران، مهر ۱۳۸۵)

### حکیم نور محمود (نورالحکماء)

در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه از حکیم نور محمود یهودی به عنوان پزشک مخصوص دربار دعوت به عمل آمد. از آن پس حکیم علاوه بر طبابت عموم مردم، طبابت دربار ناصرالدین‌شاه و اعیان و اشراف و شاهزادگان را نیز بر عهده گرفت.

حکیم نور محمود، نخستین کسی بود که در ایران با شیوه‌ی درمانی طب سوزنی به مداوای بیماران پرداخت. در آن زمان که هیچکس حتی نامی از طب سوزنی نشنیده بود، شیوه‌ی درمان او را با معجزه برابر می‌دانستند.

از دوران طبابت نورالحکماء، روایات و داستان‌هایی شگفت‌انگیز نقل می‌شود.

از جمله این که در آن زمان، توجه ناصرالدین‌شاه به حکیم، باعث حسادت بسیاری از رقبا شد و پس از این که در اثر توطئه‌چینی رقیبان مورد اصابت چندین ضربه کاری و چاقو در ناحیه شکم قرار می‌گیرد، با کمک ایوب (یکی از فرزندان)، شکم خود را جراحی می‌کند و چند روز بعد، حکیم زنده و سالم در مقابل نگاه‌های وحشت‌زده‌ی رقبای خویش، به کار ادامه می‌دهد.

نورالحکماء، نه فقط مورد احترام و استقبال مردم کشور خود بود بلکه در خارج از ایران نیز محبوبیت خاصی داشت، بارها مطالب متعددی راجع به وی نوشته شد.

در نخستین کارت پستال‌های ایران، عکس حکیم نور محمود در حال تدریس به شاگردان خویش و مداوای بیماران به چاپ رسید. هم چنین از عکس‌های وی چندین نمونه‌ی تمبر به یادگار مانده است.

ایشان صاحب سه فرزند پسر به نام‌های حکیم ایوب، حکیم افلاطون و میرزا آقاخان فیلسوف همایون و یک دختر به نام خانم می‌باشد.

نورالحکماء، در سال ۱۲۷۵ هجری شمسی، در سن هشتاد و پنج سالگی و در اوائل سلطنت مظفرالدین‌شاه درگذشت. پس از مرگ وی، فرزند او «دکتر فیلسوف همایون» نام پدرش را بیش از پیش پرآوازه ساخت.

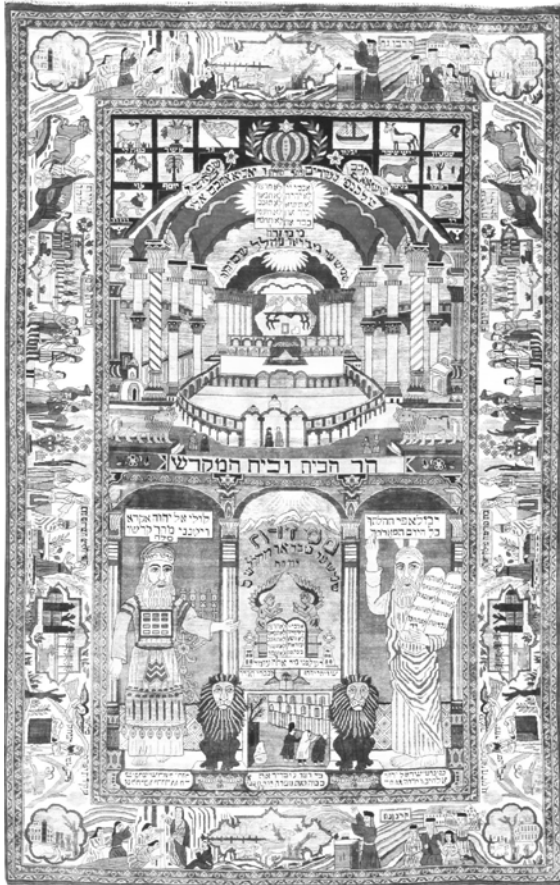
او از اطبای معروف زمان مظفرالدین‌شاه، محمد علی-شاه و احمدشاه بود و پس از آن فرزند ارشد فیلسوف همایون، دکتر جالینوس نهورای راه پدرانیش را ادامه داد.

کتاب جهان پزشکی در رابطه با زندگینامه و شجره‌نامه‌ی حکیم نور محمود، به اهتمام دکتر جالینوس نهورای و دکتر محمود نجم‌آبادی به رشته تحریر درآمده است. (حکیم نور محمود، المیرا ضرابی، مجله افق بینا شماره ۳۴، انجمن کلیمیان تهران، اسفند ۱۳۸۶)



## فرش اهدایی ناصرالدین شاه

از جمله موارد مرتبط با فرش فوق می‌توان به منحصر به فرد بودن فرش اهدایی به حکیم نورمحمد اشاره نمود، نورمحمد از پزشکان مخصوص ناصرالدین شاه بود که در آیین یهود بود. وی مورد سوءقصدی قرار گرفت که گفته می‌شود از سوی همکاران تنگ‌نظری بوده که به وی حسادت می‌کردند اما وی از این سوءقصد جان سالم بدر برد و این فرش به جهت ابراز خوشحالی از سلامت وی از سوی شاه به او داده شد (به نقل از مقاله (Jewish Carpets) آنتوان فلتون / مجله گره شماره ۲۱ ژوئن ۱۹۹۷، شرکت سهامی فرش ایران، شناخت نمونه‌هایی از فرش ایران، توج ژوله، ۱۳۸۴). این قالی ابریشمی اکنون در موزه Beth Tzedek در کانادا قرار دارد. در سال ۱۸۹۰ در یکی از کارگاه‌های بسیار با کیفیت بالای کاشان بافته شده که در آن طرح‌های قالی سنتی و آیین یهود را با هم ترکیب می‌کند. مطالب فنی از تورات به زبان عبری (تلمود) و دیدگاه‌ها و منابع فرهنگی مرتبط بعلاوه عناصر قاجاری اشاره دارد. این قالی نشان‌دهنده تصویرسازی یهودی است. در بالای زمینه وسط در هر دو طرف تاج، تورات و قانون و نمادهای دوازده قبیله اسرائیل وجود دارد در حالی که در زیر آن تصویر معبد است. دو شیر از دروازه‌های معبد محافظت می‌کنند که نشان دهنده تأثیر نفوذ عصر قاجار می‌باشد. دو ستون در جلوی آن قرار دارد و دو ستون کوچکتر در زیر آن که نشان‌دهنده نمای محافظت از قانون می‌باشد. در نیمه پایین سه نیزه تکیه داده شده به چهار ستون نمایان‌گر فضای معبد می‌باشد و در بالا ما کوه آرارات را می‌بینیم. و دیگر تصاویر حضرت موسی، هارون و ابراهیم که در شرف قربانی کردن اسحق است و حضرت یوسف که توسط برادرانش به بردگی فروخته می‌شود و ایلیا که در حال رفتن به بهشت است و دختر فرعون که حضرت موسی را نزدیک درختی دیده است و نوح با پسرش کنار ایستاده است و در چهار گوشه مقبره‌های راحل را می‌بینیم و سنگ‌ها در دو طرف عمودی، تو در تو و مشابه هم هستند. ■



### منابع

۱. مبانی هنر ایران، حسین محسنی، بهرام نفر، انتشارات مالیک، ۱۳۹۶
۲. صنایع دستی کهن ایران، هانس ای‌وولف، ترجمه دکتر سیروس ابراهیم‌زاده، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲
۳. شناخت نمونه‌هایی از فرش ایران، توج ژوله، شرکت سهامی فرش ایران، ۱۳۸۴
۴. نقش یهودیان در هنر و اقتصاد فرش ایران، ثریا پاستور، انجمن کلیمیان تهران، مهر ۱۳۸۵
۵. حکیم نورمحمد، المیرا ضربایی، مجله افق بینا شماره ۳۴، انجمن کلیمیان تهران، اسفند ۱۳۸۶
۶. Jewish Carpets آنتوان فلتون / مجله گره شماره ۲۱، ژوئن ۱۹۹۷ (شرکت سهامی فرش ایران، ۱۳۸۴)
۷. A gift from the Shah to his Jewish doctor by Anton Felton Category: Arts Issue No.168
۸. About Beth Tzedee-Beth Tzedec, <https://www.beth-tzdec.org/page/about-beth-tzdec>, 2018

## جام جم را از چه کسی طلب کنیم؟ (قسمت دوم)

تاریخ هر جامعه بخش مهمی از هویت آن جامعه است. احترام به تاریخ تنها به معنای تکرار شعارهای زیبا نیست، احترام به تاریخ یعنی به کارگیری تجارب گران بهای گذشتگان و جامعه‌ای که به تجارب گذشتگان خود احترام بگذارد از تکرار تجارب پیشینیانش بی‌نیاز خواهد شد. مدت طولانی است که تاریخ نوین تنها به سرگذشت شاهان، سلسله‌ها، اشراف و طبقات حاکم جامعه نمی‌پردازد، سیر تحول افراد جامعه روند تغییرات فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و علمی، امروزه بخش مهمی از تاریخ را تشکیل می‌دهد و مسائل به ظاهر ساده‌ای نظیر نحوه نگارش، لباس پوشیدن، تهیه غذا، شکل برگزاری مراسمی مانند تولد، ازدواج، وفات و حتی سیر تغییر در نحوه اجرا دستورات شرعی، به عنوان وسیله‌ای برای تحلیل بهتر سیر تاریخی جوامع مورد بررسی قرار می‌گیرند. موزه‌های بسیاری در گوشه و کنار جهان پدید آمده‌اند که از موزه‌های بسیار بزرگ نظیر موزه لوور و هرمتاژ و بریتیش میوزیم تا موزه‌های کوچکی نظیر موزه مردم‌شناسی تونس، موزه یهودیان مراکش و موزه یهودیان بارسلونا اثبات کننده این امر است که برای تاسیس یک موزه نیاز الزامی به تاج و تخت و شمشیر پادشاهان و مسکوکات ضرب شده توسط آنان نیست. جریان‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، دینی و سیاسی هر جامعه ابعاد متفاوتی دارد که در موزه‌ها قابل طرح است. سیر نحوه تغییر لباس پوشیدن، شیوه آشپزی، نحوه کتابت و حتی تفاوت نوشته‌های فارسی‌پهلو از محلی به محل دیگر از نکات مورد توجه مورخین است که برخی ماده اولیه تحقیقات تاریخی و باستان‌شناسی قرار گرفته‌اند (به‌عنوان مثال اولین متن فارسی زبان مکتوب که تاکنون به دست آمده به شیوه نگارش فارسی‌پهلو نوشته شده و در مورد فرهنگ عامه نیز در یکی از اشعار شیخ اسحق اطعمه شاعر شیرازی همزمان حافظ که به وصف غذاهای دربار می‌پرداخته به آشی به نام خاله بی بی اشاره شده که امروزه عمدتاً توسط یهودیان شیراز طبخ می‌شود). بررسی در تاریخ فرهنگ جامعه یهودی در همه ابعاد خود هم می‌تواند به شناخت بهتر جامعه ایرانیان کلیمی منجر شود و هم می‌تواند گوشه‌هایی از تاریخ کمتر شناخته شده فرهنگ ایران را روشن سازد. وجود موزه‌هایی مربوط به یهودیان در مکان‌هایی که عشر سابقه تاریخی و گاهی یک صدم ابعاد جمعیتی جامعه ما را ندارند، بیان می‌کند که از نظر مواد اولیه فرهنگی کوچکترین کمبودی در جامعه ما وجود ندارد اما شوربختانه هیچ‌گاه اقداماتی که در این مورد آغاز شده تداوم نیافته. نیک می‌دانیم که تاسیس موزه ایرانیان یهودی نیازمند تلاشی همه‌جانبه نه تنها از سوی مسئولان جامعه، بلکه همراه با حمایت نهادهای فرهنگی رسمی خارج از جامعه کلیمی نیز هست. تاسیس این موزه علاوه بر نمایش گوشه‌هایی از تاریخ پر فراز و نشیب جامعه کوچک ما، محلی خواهد بود برای به تصویر درآوردن تاریخ طولانی همزیستی ایرانیان کلیمی با سایر اقشار ملت موحّد ایران. نمایش بخشی از تساهل، مدارا، رواداری و همراهی اکثریت ملت ایران با جامعه کوچک ما هنگامی که با صحنه‌های غرورآفرین همراهی ایرانیان کلیمی در دفاع از منافع ملی (صحنه‌هایی نظیر انقلاب اسلامی شکوهمند ملت ایران، حضور ایرانیان کلیمی در جبهه و پشت جبهه دفاع مقدس، حضور فعال ایرانیان کلیمی در سنگر علم و فرهنگ و...) همگام می‌شود، تنها بخشی از نتایج مثبت شروع به کار این موزه خواهد بود. اینجانب با پوزش از اینکه اقدامات انجام شده تا کنون در این مورد پیگیرانه نبوده است آمادگی خود را برای همکاری در تهیه مقدمات و برنامه‌ریزی برای اقدام به تاسیس و شروع به کار اولین موزه رسمی ایرانیان کلیمی اعلام می‌کنم و اطمینان دارم همه صاحبان اندیشه و تفکر و تمامی فعالان اجتماعی جامعه ما از این اقدام استقبال خواهند کرد. آرزو دارم که از این پس میراث فرهنگی و تاریخی جامعه ایرانیان کلیمی در موزه‌ای متعلق به ایرانیان کلیمی و در خاک میهن عزیزمان ایران به نمایش درآید. تنها محل طبیعی موزه ایرانیان کلیمی سرزمین مادری ما ایران است که بدون شک یکی از غنی‌ترین فرهنگ‌های بشری را در طول تاریخ پرورش داده است.

دکتر سیامک مره‌صدق  
نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی

## الهام مودب

مترجمه زبان انگلیسی

### موزه یهودیان نیویورک

موزه یهودیان نیویورک یکی از موزه‌های مهم جهان است که با ارائه ۳۰۰۰۰ قلم از اشیای یهودیان به معرفی فرهنگ، هویت و هنر یهودیان جهان می‌پردازد. این موزه یکی از قدیمی‌ترین موزه‌های یهودیان جهان و نخستین موزه از این نوع در آمریکا است.

### ادامه بخش آثار ایران



### عکس ۱۱

عصای الیاهو (اواخر قرن ۱۹) اهدایی منا رخساره یادبود ابراهیم خلیل رخسار. این عصا در مراسم میلاکنان (ختنه‌سوران) خانواده رخسار کنار صندلی الیاهو قرار می‌گرفت. این سنت در بین یهودیان افغانستان و ایران مرسوم است و معتقدند عصا نماد محافظت و شفا است.



### عکس ۱۲

رومیزی مخصوص شبات و اعیاد (۱۹۴۵-۱۹۶۳) اهدایی دکتر جی هری فردمن. عباراتی از سفر شموت (خروج) بر روی آن درج شده است.



### عکس ۱۳

ظرف نقره نگهداری بالنگ اوایل قرن ۲۰  
اهدایی منا رخساره یادبود ابراهیم خلیل رخسار .

### عکس ۱۴

عکسی از فیلم رامین فراهانی درباره یهودیان ایران پس از انقلاب که در فستیوال فیلم یهودیان در سال ۲۰۰۶ در این موزه  
نمایش درآمد. او با تمرکز بر یهودیان تهران، اصفهان و شیراز تبعیضات و جنبه‌های مثبت جامعه ایران و دوستی بین دو  
خانواده مذهبی یهودی و مسلمان را نشان می‌دهد.



### عکس ۱۵

پنل چوبی با نوشته‌های عبری  
اواخر قرن ۱۹ اوایل قرن بیستم اهدایی دکتر جی هری فردمن.





## بخش عراق



## عکس ۱۶

شمعدان حنوکا (بغداد)، از جنس آلیاژ، مس قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، امپراطوری عثمانی  
اهدایی دکتر هری فردمن

این شمعدان تغییر شرایط سیاسی و اقتصادی را نشان می دهد. در سال ۱۹۱۷ حکومت عثمانی در عراق به بریتانیا منتقل و در نهایت عراق در سال ۱۹۳۲ مستقل شد. همه شمعدان‌های دوره عثمانی، دیوار آویزان و دارای نمادهای جهان اسلام بودند. ستارگان بر روی هلال ماه این شمعدان، نشانه یکی از مهم‌ترین نمادهای اسلامی امپراتوری است. پرندگان نماد مذهبی می‌باشد. طاووس‌ها نشانه ارتباط با اسلام در نور است. بسیاری از شمعدان‌های عراقی از این نوع، دستان بلند را نشان می‌دهد که در هر دو فرهنگ یهودیت و اسلام، نماد قدرت و محافظت است. هشت حلقه در این شمعدان هر کدام با طاووس تزئین شده است .

## عکس ۱۷

گل سینه طلا؛ با نگین الماس (بغداد)، سال ۱۹۱۲، امپراطوری عثمانی در خاورمیانه، نامزد سینی پر از شیرینی و هدایای گرانبها برای عروس می‌فرستاد. اهدا جواهرات که نشانه تایید نامزدی است ، سابقه طولانی در سنت یهودیان دارد.





### عکس ۱۸

طومار استر (عراق، احتمالاً کردستان عراق)  
اواخر قرن ۱۹، هدایی دکتر جی هری فردمن

### عکس ۱۹

روتختی نفره و طلا دوزی جهیزیه (۱۹۲۵)، بغداد، هدایی راشل وویکتور میر





یهودیان هم چنین در پیشرفت هنر و تمدن گرجستان نقش مهمی را ایفا کرده‌اند؛ به طوری که یهودیان قسمتی از موزه تفلیس را به خود اختصاص داده‌اند و آثار بسیاری از جمله نقاشی‌ها و مجسمه‌های دست‌ساز را به نمایش گذاشته‌اند.

**Great Synagogue** (کنیسی اعظم) یا **Georgian synagogue** معروف‌ترین و قدیمی‌ترین کنیسی تفلیس در گرجستان است که بین سال‌های ۱۸۹۵ تا ۱۹۰۳ ساخته شده است.

### جمعیت شناسی

در چند دهه‌ی گذشته به علت مهاجرت، جمعیت یهودیان در گرجستان افت شدیدی را به خود شاهد بوده است. در اواخر سال ۱۹۷۰ میلادی جمعیت یهودیان در گرجستان به ۸۰۰۰۰ نفر رسید در حالی که آخرین آمارها حاکی از آن است که هم اکنون حدود ۱۳۰۰۰ یهودی در گرجستان زندگی می‌کنند که عمده آن‌ها در تفلیس (Tbilisi) پایتخت این کشور سکونت دارند. تفلیس در طول تاریخ سکونت‌گاه مردم مختلفی با نژاد، فرهنگ و مذاهب مختلف بوده است که در حال حاضر یهودیان ۱۱۰۰۰ نفر از جمعیت ۱،۵ میلیون نفری آن را شامل می‌شوند. ■

منبع

[https://en.wikipedia.org/wiki/Georgian\\_Jews](https://en.wikipedia.org/wiki/Georgian_Jews)

## یهودیان گرجستان

میلااد فردمهر

کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی

### جغرافیا

کشور گرجستان (Georgia) یکی از دیدنی‌ترین و زیباترین مناطق جهان محسوب می‌شود. این کشور از نظر جغرافیایی بین دریای خزر و دریای سیاه قرار گرفته است و جزء کشورهای بین مرز مشترک این دو قاره آسیا و اروپا و به طور دقیق بین مرز مشترک این دو قاره واقع شده است. گرجستان در مرکز و غرب ماوراء قفقاز قرار گرفته است و از شمال با روسیه، از شرق با جمهوری آذربایجان، از جنوب با جمهوری ارمنستان، و از جنوب غربی با ترکیه هم مرز است.

### تاریخچه

یهودیان گرجی یکی از قدیمی‌ترین اقوام در گرجستان به شمار می‌روند که قدمت آن‌ها به ۲۶۰۰ سال قبل می‌رسد. یهودیان سفاردی پس از اخراج از اسپانیا در قرن ۱۵ میلادی و بعد از آن یهودیان اشکنازی در قرن ۱۹ از روسیه وارد این کشور شدند. بر طبق روایت تاریخی اولین گروه یهودیان پس از تبعید به بابل در حوالی قرن ششم قبل از میلاد، توسط بابلی‌ها به این منطقه آورده شدند.

### سازمان‌ها و نهادها

در گرجستان بالغ بر ۳۰ سازمان و نهاد فعال یهودی وجود دارد که از میان آن‌ها می‌توان به سازمان‌هایی برای نگهداری از سالمندان و نهادهای جوان محور اشاره کرد. علاوه بر آن یهودیان دارای پنج مدرسه مخصوص برای خود هستند. جالب است بدانید که سه روزنامه "Menorah"، "Shalom"، "26 Century" مختص یهودیان چاپ می‌شود و کانال تلویزیونی و رادیویی مربوط به یهودیان نیز در این کشور وجود دارد.



# ساختار سند شناختی و محتوایی قباله‌های ازدواج یهودیان ایران در دوره قاجار و پهلوی<sup>۱</sup>

شقایق غفاری پناه

کارشناس ارشد تاریخ



تصویر: کتابی خانم آغا کلیمه شموئیل کلیمی، «نوامبر ۱۹۲۲ م/ ۹/ آبان ۱۳۰۱ ش» - کتابی دفترچه‌ای دستنویس مذهب دارای کتیبه و سرلوح با طرح گل بوته الوان و تزئینات لاجوردی و جدولکشی به رنگ شنگرف-زبان آرامی و خط عبری - «در تاریخ نهم عقرب ایت ایل هزار سیصد و یک شمسی مابین شموئیل کلیمی و خانم آغا کلیمه ازدواج دائمی واقع شد ثبت ازدواج تحت نمره ۷۹ دفتر {ناخوانا} مذکور به ثبت رسید غلامحسین حلی - سجع مهر: دفتر سجل احوال طهران ناحیه عودلاجان»

در این راستا از اکثریت مسلمان جامعه ایران پذیرفته‌اند، آشکار می‌سازد. بررسی ویژگی‌های ظاهری عقدنامه‌های اقلیت‌های دینی از جمله شکل و اندازه، مهر، خط و زبان و تزئینات بکار رفته در آنها و غیره، در کنار ویژگی‌های محتوایی آن مانند ذکر مهریه، جهیزیه، القاب زوجین، ذکر نام والدین و شغل و... امکان مقایسه آن با نمونه‌های اسلامی را فراهم ساخته است.

در این پایان نامه، در فصلی که به بررسی قباله‌های ازدواج یهودی پرداخته شده، ازدواج، نمادهای دینی در کتابها، شکل، خط و زبان و وجوه تزئینی، کتابهای آنوسی

اقلیت‌های دینی که در ایران به رسمیت شناخته شده‌اند، دارای آداب و رسوم خاصی در برگزاری مراسم ازدواج و نحوه ثبت آن هستند که بازتاب آن را در نحوه تنظیم قباله‌های ازدواج می‌توان دید و از طریق محتوای آن به درک بهتری از سنت‌های نهفته در روش برگزاری این مراسم رسید. بدین صورت بررسی سندشناختی عقدنامه‌های اقلیت‌های دینی ایران در دوره قاجار و پهلوی و مقایسه تطبیقی با نمونه عقدنامه‌های اسلامی که قبلاً مورد پژوهش محققین قرار گرفته، نکات مهمی را در خصوص نحوه شکل‌گیری خانواده در بین اقلیت‌های دینی و تأثیراتی که



تقسیم نمود. همچنین هرکدام از این نمونه‌های کتبها از لحاظ دستنویس یا چاپی بودنشان قابل تقسیم‌بندی می‌باشند. ساختار محتوایی کتبها را می‌توان به دوازده قسمت تقسیم نمود که عبارتند از: تسمیه، تحمیدیه، متن اصلی (شامل زمان مناسب ازدواج و تاریخ عقدنامه‌ها، نوع عقد، معرفی زوجین، ذکر تاریخ به تقویم عبری، محل سکونت زوجین، مهریه و انواع و چگونگی پرداخت آن، ثبت جهیزیه زوج، سایر حقوق زوج در کتوبا و دعای پایانی در حق زوج و زوجة) و ثبت قانونی و تضمین اجرایی کتبها. براساس یافته‌های بدست آمده از این پژوهش دیده شد، عقدنامه‌های اسلامی و کتبهای یهودی دوره قاجار هم از لحاظ ظاهری و هم از لحاظ محتوایی ساختاری شبیه به هم داشتند که در جزئیات با هم متفاوت بودند. این شباهت‌ها در شکل تک‌برگی و دفترچه‌ای و وجوه هنری از جمله سرلوح و کتیبه و جدول کشی در ظاهر سند تا مباحث محتوایی از جمله نوشتن تسمیه و استفاده از آیات و ذکر نام پدر زوجین و... خود را نشان می‌دهند. همانطور که تفاوت‌هایی در زبان و خط و کاربرد مهرهای شخصی و نحوست ترییع و ذکر جهیزیه به عنوان رکن ثابت عقدنامه‌های یهودی در مقایسه با نمونه‌های اسلامی به چشم می‌خورد. بنابراین در ساختار قباله‌های ازدواج اسلامی و یهودی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد که متأثر از همزیستی این دو گروه در کنار هم بوده است، چرا که در نمونه کتبهایی که خارج از محدوده جغرافیایی ایران تنظیم شده‌اند، این تفاوت‌ها آشکارتر است و تأثیر کتاب‌آرایی و تذهیب کاری ایرانی- اسلامی روی تنظیم کتبهای یهودی به وضوح دیده می‌شود. ■

و جدیدالاسلام‌های مشهد در ساختار ظاهری و تسمیه، دیباچه، تاریخ، مهریه، جهیزیه، دعای پایانی و نحوه ثبت و تنظیم کتبها در ساختار محتوایی کتبهای یهودیان مورد بررسی قرار گرفته است.

در خصوص عقدنامه‌های متعلق به یهودیان ایران از طریق مصاحبه با حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار کارشناس مذهبی انجمن کلیمیان تهران و آشنایی با دانشنامه جودائیکا که تصویر نمونه‌هایی از کتبها در آن آورده شده بود از راهنمایی‌های ایشان در خصوص سنت ثبت ازدواج در کتبها استفاده شد. همچنین آقای آرش آبایی محقق و دین‌پژوه کلیمی که قادر به بازخوانی متون کتبها به زبان آرامی و خط عبری هستند ترجمه متن دو کتبهای آنوسی موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی را برعهده داشتند. در راستای دسترسی به منابع بیشتر از کمک‌های پژوهشگر کلیمی آقای یوسف ستاره‌شناس از طریق مصاحبه تلفنی بهره گرفتیم. برای دسترسی به منابع مکتوب مراجعه به کتابخانه کلیمیان تهران امری لازم بود که از آرشیو موجود در آن کتابخانه استفاده شد. درواقع دسترسی به کتاب فرزندان استر: مجموعه مقالاتی درباره تاریخ و زندگی یهودیان ایران و دانشنامه جودائیکا دانشنامه‌ای ۲۶ جلدی به زبان انگلیسی در مورد مردمان یهودی و باورهایشان در این کتابخانه میسر شد. همچنین استفاده از تصاویر کتبهای موجود در آرشیو آنلاین سایت اینترنتی دنیای زنان در عصر قاجار متعلق به دانشگاه هاروارد کمک شایانی در جمع‌آوری منابع مربوط به بخش یهودیان نمود.

واژه‌ی کتوبا در فرهنگ یهود، سندی است مکتوب که با بهره گرفتن از قوانین مندرجه در کتاب مقدس جهت ازدواج و تشکیل یک زندگی مشترک، بین یک زن و مرد یهودی، مشروط با قبول مسؤولیت‌های محوله و با توافق و رضایت طرفین تنظیم و ثبت شود.

نمادهای دینی یهودیت و وجوه تزئینی کتبها عبارتند از: ستاره شش‌پر (ستاره‌داوود)، منوره (منورا)، طرح شیر و خورشید، طرح گل و بوته، طرح پرندگان (کبوتر، بلبل و طوطی)، کتیبه و سرلوح، جدول و کمند، و استفاده از آیات تورات و مزامیر داوود. در یک نگاه کلی می‌توان کتبها را از لحاظ شکل ظاهری به دو دسته‌ی تک برگی و دفترچه‌ای

<sup>۱</sup> - این مقاله چکیده‌ی یک فصل از پایان نامه‌ای برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ - اسناد و مدارک آرشیوی و نسخ خطی با مشخصات زیر است: مطالعه‌ی تطبیقی سند شناختی قباله‌های ازدواج اقلیت‌های دینی ایران با نمونه‌های اسلامی در دوره معاصر (از ابتدای دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی)، شقایق غفاری‌پناه، دانشگاه تهران - دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پاییز ۱۳۹۶ (تلخیص: آرش آبایی)

## آشنایی با مشاهیر یهود جهان

### زندگینامه ولفگانگ پاولی

(برنده جایزه نوبل فیزیک در سال ۱۹۴۵م.)



#### نیوشا پایاب

خود را به چاپ رسانید. پاولی یکی از معدود اعضای خارجی جامعه سلطنتی لندن و عضو جامعه فیزیک سوئیس، جامعه فیزیک آمریکا و انجمن آمریکایی پیشرفت علم به شمار می‌رفت.

پاولی را هرگز نمی‌توان معلم خوبی بشمار آورد چرا که او آهسته و جویده حرف می‌زد و بر روی تخته سیاه نوشته‌هایش را به صورت نامنظم می‌نوشت و در هنگام تدریس پیرامون موضوع مورد بحث فکر می‌کرد، اما با این حال پیوسته شاگردانش او را دوست داشتند و به او علاقه‌مند بودند.

در سال ۱۹۴۵م. به پاس همکاری قاطع و صمیمانه‌اش در جریان کشف قانون جدیدی از طبیعت در سال ۱۹۲۵م. به نام قانون پاولی شایسته دریافت جایزه نوبل شناخته شد. جالب است بدانید شخص انیشتین پیشنهاد نامزدی وی برای دریافت جایزه نوبل را مطرح کرده بود. در سال ۱۹۵۸م. پاولی موفق به دریافت مدال ماکس پلانک شده و در همان سال به سرطان لوزالمعده مبتلا شد. هنگامی که چارلز آنزیم - آخرین دستیارش - به ملاقاتش در بیمارستان روت کرو زوریخ رفت، پاولی از او پرسید: شماره اتاق را دیدی؟ شماره اتاق پاولی ۱۳۷ بود. او در تمام زندگی‌اش با این سؤال که چرا یک عدد ثابت یا تعداد ثابت بنیادی بدون بعد، همیشه ارزشی نزدیک به یک سی و هفتم دارد، روبه‌رو بود. پاولی در همان اتاق در ۱۵ دسامبر ۱۹۵۸م. درگذشت. ■

ولفگانگ پاولی در ۲۵ آوریل ۱۹۰۰م. در وین اتریش در خانواده‌ای یهودی چشم به جهان گشود. پدرش دانشمندی برجسته بود و استادی شیمی را در دانشگاه وین بر عهده داشت. پاولی در شهر وین تحصیلات خود را به پایان رسانید و در اواخر دوران دبیرستان با نظریه نسبیت انیشتین آشنا شد. نوشته انیشتین بر او تاثیر به‌سزایی داشت، او نظریه انیشتین را در ساعات خسته کننده مدرسه به‌طور پنهانی مطالعه می‌کرد. پس از به پایان رساندن دوران دبیرستان مشغول به تحصیل در رشته فیزیک نظری شد. طی سال‌های ۱۹۲۳م. تا ۱۹۲۸م. به تدریس در دانشگاه هامبورگ مشغول بود و پس از آن به سمت استادی فیزیک نظری در انستیتو تکنولوژی فدرال در زوریخ منصوب شد. در سال ۱۹۴۰ به عنوان رئیس گروه فیزیک نظری دانشگاه پرینستون انتخاب شد که با پایان جنگ جهانی دوم، آن را رها و به آلمان مراجعت کرد.

پاولی در میان جماعت فیزیکدانان برجسته اواسط قرن بیستم از جایگاهی بسیار بالا برخوردار است و به زعم بسیاری، پس از انتشار مقاله استادانه‌اش در باب نظریه نسبیت، به یکی از رهبران جریان فیزیک دوره خود بدل شد.

پاولی در مرکز تحقیقات فیزیک نظری در زوریخ مشغول فعالیت بود و نقش مهمی در پایه‌گذاری نظریه کوانتومی میدانی ایفا کرد و در پیشرفت‌های بزرگی که در سال ۱۹۴۵م. در این حوزه به وجود آمد، شرکتی فعال داشت. او پیش از این، با ارائه اسنادی مبنی بر وجود ارتباط بین چرخش و شاخص ذرات بنیادی، نظریه‌ای مطرح کرده بود. طی سال‌ها مطالعه‌اش در این زمینه، مقالات گوناگون و متعددی در باب مشکلات و نواقص فیزیک نظری به رشته تحریر درآورد و بیش از هرچیز در باب مکانیک کوانتوم در نشریات معتبر کشورهای مختلف، مقالات علمی

منبع

# معرفی کتاب «علم الهی»

مهندس امید محبتی مقدم

عضو هیات علمی دانشگاه و مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان



«دکتر جِردال ال. شِرودر<sup>۱</sup>»، پژوهشگر علمی و مذهبی به‌نامی است که در سال ۱۹۶۵، مدرک دکترای خود را در رشته فیزیک هسته‌ای، علوم زمین و سیارات<sup>۲</sup> از موسسه تکنولوژی ماساچوست<sup>۳</sup>، که یکی از معتبرترین مراکز علمی جهان می‌باشد، دریافت کرد. در کارنامه کاری وی سابقه پنج سال عضویت در دپارتمان فیزیک دانشگاه MIT نیز دیده می‌شود. در سال ۲۰۱۲ میلادی، دکتر شِرودر موفق به کسب جایزه Trotter Prize از دانشکده علوم دانشگاه Texas A&M شد. به‌غیر از به چاپ رساندن چندین جلد کتاب، آثار او در مجله‌ها و نشریه‌های معتبری همچون *Scientific American*، *Newsweek*، *Time* و تعدادی از روزنامه‌های مشهور جهان به چاپ رسیده است. کتاب «علم الهی» با ترجمه مهندس امید محبتی مقدم (عضو هیات علمی دانشگاه و عضو هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران) و با نظارت جناب حاکم دکتر یونس حامی لاله‌زار (رهبر دینی کلیمیان ایران)، یکی از کتاب‌های بسیار جالب و جذاب دکتر شِرودر به نام *The Science of God* می‌باشد که توسط نشر ادیان دانشگاه ادیان و مذاهب قم در زمستان سال ۱۳۹۶، به چاپ رسیده است.

به نظر می‌رسد این کتاب می‌تواند پاسخ‌گوی تعداد زیادی از پرسش‌های بجا و به‌حقی باشد که برای بسیاری از افراد کنجکاو و جویای حقیقت در عصر حاضر به‌وجود

دکتر شِرودر در این کتاب به این پرسش‌ها به‌طور مفصل و با نگاه کاملاً علمی و به‌دوراز هرگونه تعصب و پیش‌داوری پاسخ می‌دهد. مترجم بسیار خوشنود است که این ترجمه با اجازه نویسنده محترم کتاب صورت پذیرفته است.

- 1- Gerald L. Schroeder
- 2- nuclear physics and earth and planetary
- 3- Massachusetts Institute of Technology (MIT)

شاید زمانی که کتاب مقدس در کنار علم قرار می‌گیرد، بسیار ساده به نظر می‌رسد. هدف ما در این کتاب حتی به صورت نسبی هم که شده، اصلاح همین اشتباه و سوءتعبیر است.»

مترجم سعی کرده درک قسمت‌هایی از کتاب را که بعضاً از نظر علمی برای خواننده عام سنگین به نظر می‌رسد با درج توضیحاتی که اغلب به صورت پاورقی آمده‌اند، تسهیل کند. وی در مقدمه خود بر روی این کتاب می‌گوید: «شاید برخی از اندیشمندان موافق رویه این کتاب مبنی بر ارتباط دادن علم و دین به یکدیگر نباشند؛ به عنوان مثال، ممکن است برخی از عزیزان، کاوش حقیقت مذهب در علم را «کسر شأن» مذهب قلمداد نمایند و عالم دین را بسیار والاتر از دنیای علم بدانند که بخوانند حقانیت مذهب را با استفاده از علم ثابت نمایند. برخی دیگر نیز ممکن است اصولاً این دو مقوله را کاملاً از یکدیگر جدا در نظر بگیرند و با هرگونه سعی و تلاش درخصوص پیوند بین این دو مخالف باشند. هرچند به اعتقاد مترجم، علم الهی مافوق علم انسانی است؛ اما این مهم دلیل بر آن نمی‌شود که انسانی که ماهیتاً کاوشگر و جستجوگر آفریده شده، برای سیراب نمودن عطش کنجکاوی و ژرف‌نگری خود، باتوجه به علمی که هم‌اکنون از آن بهره‌مند است، به دنبال هم‌گرایی بین دین و علم نرود. بدیهی است جامه علم الهی تا به ابد از هرگونه نقص نسبی و مطلق علم بشری مصون خواهد بود و تغییرات احتمالی مواضع علم درباره موضوع خاصی هیچ‌گاه نشان بر باطل شدن موارد مذهبی مربوط به آن موضوع نخواهد شد.»

مطالعه این کتاب به همه فرهیختگان و خردمندانی که دغدغه مذهب و علم را هم‌زمان دارند، توصیه می‌شود. ■

می‌آید؛ سوالاتی که شاید تاکنون پاسخ مناسب و درخوری برای آن‌ها پیدا نکرده باشند. پرسش‌هایی همچون اینکه آیا در عصر حاضر، علم جای مذهب را نگرفته است؟ به راستی عمر جهان چند سال است؟ عهزار سال یا میلیاردها سال؟ آیا نظریه داروین و به تبع آن نظریه تکامل صحیح است؟ آیا باید پذیرفت که اجداد انسان‌های امروزی شامپانزه‌ها بوده‌اند؟ آیا انسان به راستی حق اختیار دارد یا همه چیز جبر است؟ دلیل رخداد این همه اتفاقات بد در دنیا چیست؟ چرا هیچ ردی از دایناسورها در کتاب مقدس وجود ندارد؟ منشأ حیات از کجاست؟ و سوالات بسیار دیگری که ذهن هر فرد اهل اندیشه و مذهب را درگیر خود می‌کند.

دکتر شیرودر در این کتاب، ضمن طرح این پرسش‌ها و شبهات جالب و به‌روز دیگر، به‌طور مفصل و با نگاهی کاملاً علمی و به‌دور از هرگونه تعصب و پیش‌داوری به آنها پاسخ می‌دهد. وی در مقدمه کتاب خود چنین می‌گوید:

«علم الهی آن چیزی است که ما در این کتاب به دنبال آن خواهیم بود. ما طبیعت را به‌خصوص برطبق مفاد کتاب مقدس و به‌ویژه فصل اول سفر پیدایش مطالعه خواهیم کرد. چه طبیعت و چه مفهوم درونی متن کتاب مقدس، هر دو چندوجهی و پیچیده هستند؛ با این حال، در این کتاب به بررسی دو منبع علم اکتفا خواهیم کرد: کشفیات علم نوین و تفسیرات دانشمندان یهودی قدیمی که پا را از معنای سطحی کتاب مقدس فراتر گذاشته و به عمق و مفهوم متن کتاب مقدس پرداخته‌اند. دلیل آنکه ما خود را محدود به تفسیرات کهن می‌کنیم، این است که احتمال هرگونه شک و ابهامی را که تفسیرات مذهبی از کشفیات علمی امروزه تأثیر گرفته باشند یا بخوانند به‌هرنحو که شده خود را سازگار با آن‌ها نشان دهند، از بین برده باشیم. ....

دلیل بسیاری از شبهاتی که برای ما مابین کتاب مقدس و علم بروز پیدا می‌کنند (مواردی همچون دایناسورها، انسان‌های ماقبل انسان یا انسان‌نماها و عمر جهان)، به مطالعه و درک بسیار محدود ما از کتاب مقدس بازمی‌گردد. این درحالی است که سطح درک علمی ما رشد می‌کند؛ حال حتی اگر شده با مطالعه روزنامه یا اینترنت.



## معرفی کتاب

# روزی که اسم خود را دانستم

(نوشته هارون یشایایی)

مهندس آرش آباپی

محقق و مدرس در موزه یهودیت

در اکثر داستان‌ها، در کنار موضوع روایت، همیشه تصویری از منازل، محله و نحوه‌ی زندگی کلیمیان عمدتاً فقیر نمایانده می‌شود و خواننده به یک سفر در گذشته و به محله عودلاجان می‌رود که این امر، کتاب را به یک سند تاریخی نیز نزدیک می‌کند.

دو داستان «منور خانم» و «ضیافت غیر کاشر» واقعیتی از نگرش یهودیان آن محله را آشکار می‌سازد که به نوعی رمز ماندگاری این مردمان است، غرور و تعصب! منور خانم در نهایت تنگدستی اما با غرور، حاضر نیست زیر بار منت دیگران باشد و مادر پرویز خان نیز با شرایط بسیار سخت اداری ۹ فرزند بدون پدر، همچنان تعصب منع خوراک حرام را در خود دارد و در کوچه پس کوچه‌های محله و حتی در زندان هم دست از سر پسرش برای رعایت این موضوع بر نمی‌دارد.

تلاش نویسنده‌ی داستان‌ها از یک نظر، نشان دادن زندگی معمولی کلیمیان در جامعه‌ی ایرانی است. مردمانی عادی با همان مشکلات معمول زندگی طبقات متوسط و فقیر؛ و به این ترتیب کلیشه‌ی «یهودیان همیشه ثروتمند و مورد حمایت و ...» رنگ می‌بازد و مخاطب ایرانی، کلیمی هموطنش را همانند خود حس می‌کند.

از نگاه دیگر، این مجموعه داستان (در مقیاس کوچکتر) شبیه به داستان‌های «آیزاک باشویس سینگر»، نویسنده‌ی یهودی آمریکایی است که در کتاب‌های خود به شرح زندگی یهودیان اروپای شرقی می‌پردازد. اخیراً کتاب حجیم «خانواده‌ی موسکات» از همین نویسنده (با ترجمه فریبا ارجمند) منتشر شده است که به نوعی آینه‌ی تمام نمای زندگی اجتماعی و دینی یهودیان لهستان است. این کتاب به‌خاطر انعکاس همین فرهنگ خاص، به عنوان یکی از بهترین رمان‌های خارجی از نظر خوانندگان ایرانی در سال ۱۳۹۶ شناخته شد. بدون شک مجموعه داستان‌های یشایایی نیز می‌تواند تقریباً از همان کارکرد در حوزه‌ی انعکاس زندگی کلیمیان تهران قدیم برخوردار باشد. ■

این کتاب ۱۹ داستان کوتاه از دوران جوانی هارون یشایایی را در محله عودلاجان تهران دربر دارد.

«آنچه در این مجموعه می‌خوانید، داستان‌گونه‌هایی مردم‌شناسانه از زندگی کلیمیان ایران و بیشتر کلیمیان تهران به ویژه در محله سنتی آن‌ها در قسمتی از محله عودلاجان تهران است. نویسنده زندگی خود را تا سی سالگی در میان آن‌ها گذرانده است. بیان این حوادث و نقل قول‌های مجموعه را با کمی دست‌کاری و موشکافانه حکایت‌گونه کرده است تا زندگی مردمی را در مکانی مشخص و در مقطعی تاریخی هشتاد ساله زندگی خود ترسیم کرده باشد هر چند مصادیق این حکایت امروزه کمتر وجود دارد ولی همین موضوع اهمیت ثبت و به یادآوری آن را بیشتر می‌کند و این تلاش شاید بتواند مردمی را معرفی کند که کمتر شناخته شده‌اند و گاه با بدبینی و سوءظن مورد قضاوت قرار گرفته و در بسیاری موارد به دلیل محدودیت و ترس از بازگو کردن زشت و زیبایی زندگی خودداری کرده‌اند...»

هارون یشایایی مقدمه‌ای بر مجموعه داستان خود را اینچنین آغاز می‌کند، تا خواننده بداند که با یک مستند گونه مواجه است و نه داستان‌هایی صرفاً زاینده‌ی ذهن. او در ابتدای کتاب با عنوان «نگاهی به گذشته»، مشخصاتی مختصر و مفید از وضعیت اجتماعی و محلی «عودلاجان» به عنوان نخستین محله‌ی یهودی‌نشین تهران به دست می‌دهد. داستان اول با عنوان «روزی که اسم خود را دانستم» کوتاه است، اما چندین نکته در خود دارد. فرهنگ مردسالاری که همانند اکثر ایرانیان آن زمان در میان کلیمیان نیز حاکم بود، اختلاف نام شناسنامه‌ای و شهرت اشخاص که همچنان نیز رایج است و نیز، بی‌خبری اکثر نزدیکان از نام واقعی فرد. جالب است که این موضوع بی‌خبری کودک از نام شناسنامه‌ای خود در میان یهودیان اروپایی نیز بسیار شایع بوده است. یهودیان اروپایی معمولاً کودکان خود را با نام‌های کوتاه شده یا متفاوتی صدا می‌زنند و کودک گاه در اولین روز مدرسه با نام واقعی و صحیح خود روبرو می‌شود.



## قرعه‌ی زندگی

المیرا سعید

آمدی. آن را غنیمت شمار تا حسرتی برایت به جا نماند. دفتری در دستان ماست نانوشته. می‌توان آن را با غزلی شورانگیز یا حکایتی شیرین بیاراییم. می‌شود با داستانی تکراری و بی سر و ته و چند بیت اشعار ناخوانا و ناموزون آن را به سیاه‌ای بدل کنیم که هر سطرش بوی نا می‌دهد و نیز خواندگانش آن را روی طاقچه‌ای از یاد برده یا ته پستی آن را به فراموشی سپارند.

زندگی جرم ثابت شده‌ای نیست که تاوانش سپری شدن عمری باشد که بی وقفه به دنبال خوشبختی دودیم و جز سراب چیزی نصیبمان نشد. زندگی شمارش روزها و شب‌هایی نیست که در سر رسیدش سیل تبریک و شادباش‌ها به مناسبت زاد روزمان سوی‌مان روانه شود. زندگی همان تاریخ‌های از دست رفته‌ای است که در تقویم عمر گذرانش را به نظاره نشستیم و با یک حیف و چند افسوس بدرقه‌شان کردیم.

خودت را در جاده‌ی زندگی رها نکن تا اگر توفانی آمد سر از بیراهه درآوری. به جای همراه شدن با ناپایدها و نمی‌شودها با مشعلی که در دستت است قدم بردار و با شکستن سد ناباوری، شکفتن را تجربه کن.

بگذار یادگاری‌هایی که از تو به جا می‌ماند به یاد همگان بیاورد که زندگی زندانی نیست که به اتهام پا گذاشتن به این دنیا، پشت میله‌های انتظار چشم به راه فردایی باشیم تا ما را از بند روزمرگی برهاند. تا خودت کمر همت به گسستن بندهای دست و پا گیرش نبندی، هیچ ناجی و پیام‌رسانی تو را یاری نمی‌دهد.

هر فصل زندگی رنگی دارد و هر ورقش درسی. فصل‌هایش را دریاب ولی به آن دل نبند که بهار جوانی مستانه در گذر است و شاعرانه‌های خزان‌ش چه زود جای خود را به سال‌ها تجربه لابه‌لای برف نشسته‌ی روی موهلایت می‌دهند. در قاب خالی زندگی، منظره‌ای از تصویر خود به جا بگذار تا کسی با تماشای آن دل‌تنگت شود نه دلگیر. ■

تا پا به پایش راه نیایی، با دلت راه نمی‌آید. تا باورش نکنی، نمی‌توانی از پیچ و خم کوره راه‌هایش گذر کنی. تا دل بدان ندهی، سخت است بقچه‌ی گران غم‌هایش را به دوش کنی. تا دست در دستش نگذاری، نمی‌توانی سایه‌ی شوم دلهره را بر سرت برانی. تا گوش به نغمه‌هایش نسپاری، تردیدهای هرگز به تصمیم نمی‌رسند. تا چشم از پنجره‌های غبار گرفته‌اش برنداری، آینه‌های رو به رو تصویر جزی خودت را به تو نشان نمی‌دهند. تا در کلاس درسش روزها و سال‌ها گذشت را مشق نکنی، در روز آزمون معجزه‌ای برایت رخ نمی‌دهد و تا تن به دریای پر تلاطمش نزنی، نمی‌توانی به ساحلش پا گذاری.

زندگی را می‌گوییم. آن را بفهمی، بعید است تو را نفهمد. با هر آن چه در دست داری، لمسش کن. از آن ترس، فرار نکن. حتماً آن هم حرف‌هایی دارد که به دنبال می‌دود. بگذار به تو نزدیک‌تر شود. شاید پیامی با خود دارد. خود را با آن رو به رو کن. تو هم حرف‌هایش را بزن. آنقدر کجی‌ها و ناراستی‌ها را به رخش نکش. خوب نگاهش کن. به جز نابرداری‌ها و نابرابری‌ها در کوله‌بارش ارمغان دیگری هم با خود دارد. باز هم بگرد. جدایی و دل‌تنگی‌ها را کنار بزن. میان این همه ره‌آورد، دوستی و همدلی هم پیدا می‌شود. کافی‌ست کنارش بمانی و کمی فرصت دهی. سوغات زندگی فقط دوری و رنج نیست. به آن اعتماد کن. آسمانش همیشه ابری و گرفته نمی‌ماند. فردا خورشید سر می‌زند و روزهای طلایی از راه می‌رسند. باز یکدلی، دوباره دل سپردن‌ها.

زندگی صحنه‌ی نبردی تمام عیار نیست که مدام با زمین و زمان در حال ستیزیم. نتیجه‌ی این ستیز می‌شود لشکری شکست خورده که دیروز را به امید امروز باختند و جریمه اش جز پشیمانی نیست.

زندگی را با گریه‌ی بی جانی آغاز کردیم. خیلی‌ها با لب‌خندهایشان به استقبال‌مان آمدند. با یک دنیا اشتیاق و بغل بغل نقشه و آرزو. این اتفاق را به فال نیک بگیر. اقبال بلند بوده که قرعه‌ی زندگی به نام تو زده شد و تو به دنیا

## روزهایی هست .....

شرگان انورزاده

فعال اجتماعی

روزهایی هست که شاد و خندان نیستی، دلت می‌گیرد، که میزان نیستی، که از خودت راضی نیستی، خودت را شماتت می‌کنی، بیشمار، که «چرا این حرف را گفتم؟» «چرا این کار را کردم؟» «چرا این حرف را نگفتم؟» و «چرا این کار را نکردم؟»

کلاً انگار روزهایی هست که با خودمان در جنگیم. صلحی با خودمان در بین نیست، اصلاً انگار از دنده‌ی چپ بلند شده‌ایم. با خودمان و زمین و زمان در جنگیم، اما با خودمان، بیشتر از همه ... و سیل «چراها» نثار خودمان.

«چرا امروز کارم جور نشد؟»، «چرا دوستم این حرف را به من گفت؟»، «چرا دیر سر کارم رسیدم؟»، «چرا به خوبی از خودم دفاع نکردم؟»، «چرا اجازه‌ی دخالت دیگران را در زندگی‌ام دادم؟»، «چرا محبت کردن را از حد گذراندم؟»، چرا؟ چرا؟ چرا؟

و آن روز، جواب تمام «چراها»، همین می‌شود: «تقصیر خودم بود!». چنین روزهایی می‌گذرند. همچنان که روزهای دیگر هم می‌گذرند، چه خوب، چه بد، روزهایی که حال خوشی نداریم، متأسفانه هم خودمان را می‌آزاریم، هم اطرافیانمان را. شاید اگر یاد بگیریم که خودمان را ببخشیم و به خودمان سخت نگیریم، لحظات زیباتری را تجربه کنیم. شاید اگر بعضی وقت‌ها، بعضی رفتارها را فراموش کنیم، شادتر باشیم. شاید اگر توجیهی برای رفتار خود و دیگران بتراشیم، لبخندی بر لب‌هایمان بنشیند.

دنیا پر از «اما» و «اگر» و «شاید» است. شاید اگر جنبه‌های مثبت این «اما» و «اگر» و «شاید» فکر کنیم، روزهای قشنگ‌تر و دنیای بهتری برایمان باشد. کنار روزهایی که دوستشان نداریم، روزهایی هست که با نگرش مثبت خودمان و با تغییر زاویه‌ی دید خودمان، روزهای زیباتری پدیدار می‌شوند. روزهایی هست که با ذهن خودمان، به روزهای طلایی تغییرشان می‌دهیم. حتماً، چنین روزهایی هست ...

## ما قوم شهریاریم

دکتر پژمان کوفاییه

تا ما زمشه هستیم بیم از کسی نداریم  
بی هیچ ترس و وحشت تن بر بلا سپاریم  
ما را فلک مطیع است تا نام مشه برماست  
از یاد همدم حق بیمار و بی‌قراریم

ما بی پیاله مستیم چون بوی مشه آید  
صحبت زیاده و می هرگز میان نیاریم  
شب‌ات مشه ما را از بند تن رها کرد  
با ساکنان بالا حالا زیک تباریم

ای بانگ چنگ داوود برخیز بهر مدحش  
تا حاسدان بدانند محبوب آن نگاریم  
ای گبریل بگو باز با ما زکوی او راز  
تا بهر دیدن یار در و گهر بیاریم

ما را خسان این باغ بسیار رنجه کردند  
چون هر کجا که باشیم یاس و بنفشه کاریم  
از خاکیان بترسیم و زسنگ می‌گریزیم  
چون ما زبدو گیتی آینه دار یاریم

صد دار دشمن آورد تا مرگ ما ببیند  
افسوس که او ندانست ما جمله سر به داریم  
بگذار دشمن دون ما را به شعله سوزد  
چون بت‌شکن در آتش خواهندگان ناریم

آن چهل شب تضرع رمز نجات ما گشت  
زان‌های‌های‌های مشه مقبول کرداریم  
فانوس ما بیا باز کین قوم بی تو میرد  
با گله‌های گرگان تنها به شام تاریم

ای آسمان به زیر آی از نام پر جلالش  
آنکه بیا که با هم سر در رهش گذاریم  
ما هم بسان یوسف بر خوان مشه آییم  
دریوزگی نشاید ما قوم شهریاریم

طنز



## آقای محترم از شما

### زرنگ‌تر هم وجود دارد

رمان دلریم

پژوهشگر و مدرس زبان و تعلیمات دین یهود

جای بیشتری برای ایستادن مردم باز شود. اتوبوس مثل همیشه غلغله بود و من در همان فضای به اصطلاح باز آخر ماشین قسمت مردها ایستادم. ولی از شما چه پنهان خیالم از بابت پول حقوقم ناراحت بود، من ترسیدم که خدای ناکرده بلایی به سرش بیاد. با احتیاط دستم را به طرف جیب شلوارم بردم و بعد از این که از بودن پول خاطر جمع شدم یک نفس راحتی کشیدم. هنوز دو سه ایستگاه رد نشده بودیم که متوجه شدم یک مردی به وضع مشکوک‌کننده‌ای به من نزدیک شده. خودم را کنار کشیدم ولی دیدم که باز هم او خودش را به من نزدیک کرد و پهلوی به پهلوی من ایستاد. من از ترسم دوباره دست به جیبم بردم ولی دیدم که باروخ هشتم (الحمدا...) پولها سرجایش است و مرده طرف جیبی ایستاده که پول تویش نبود. خیالم کمی راحت شد. ولی راستش با وجود این فکر می‌کردم چنانچه خدای ناکرده جیبم را بزنه چه می‌شود؟ و جواب زرنم زری خانم و بچه‌ها را چه بدهم. فکر بکری به کلام رسید. برای این که عقده دلم را خالی کنم دلم می‌خواست به جیب بره میدان بدهم تا همین که دستش را توی جیبم بکنه مچ دستش را بگیرم و محکم یک سیلی توی گوشش بخوابانم و تحویل پلیسش بدهم. زیر چشمی مراقب یارو بودم، او باز هم به من نزدیک شد. خیلی با ملایمت دستش را از توی جیبش درآورد و آهسته و آرام به طرف جیب من آورد من کاملاً زیر چشمی هوای طرف را داشتم ولی مثل این که او اصلاً متوجه این امر نبود. دستش به دهنه جیب من رسیده بود که من ناشیانه به کاه‌دان زدم و قدری زود دستم را جلو آوردم که

حدود چند سال پیش بود که در کنیسای پل چوبی بعد از خاتمه تفیلاوی عرویت (نماز مغرب) با آقا نیسان از کنیسا با هم خارج شدیم. گفتم آقا نیسان مثل این که خیلی دَمقی !!! مگه چی شده؟ گفت: آقای دلرحیم دست به دل خرابم نزن. گفتم مگه چه اتفاقی افتاده؟ گفت نه. گفتم خوب حالا چی شده بگو. چون اصرار کردم درد دلش را به شرح زیر برابم تعریف کرد:

دیروز از طرف حسابداری انجمن کلیمیان به من خبر دادند که حقوق‌های معلمین حاضره و می‌توانید بیابید بگیرید. چون من احتیاج زیادی به پول داشتم بدون اتلاف وقت رفتم انجمن و حقوقم را گرفتم و راهی منزل شدم. در راه توی مغزم چرتکه می‌انداختم و حساب دخل و خرجم را هر جوری حساب می‌کردم باز مثل تمام حقوق‌بگیرها کسر می‌آوردم!! برای صرفه‌جویی تصمیم گرفتم کار را از همان موقع شروع کنم و از خرج‌های غیرضروری درز بگیرم. برخلاف هر ماه که اول برج با تاکسی به منزل می‌رفتم این دفعه با اتوبوس به منزل رفتم. از خیابان شیخ هادی (محل انجمن) تا چهارراه ولیعصر پیاده آمدم و منتظر اتوبوس خط انقلاب امام حسین شدم (چون منزل من میدان عشرت‌آباد بود). آقا رحمن نمی‌خواهم با شرح دادن این که چقدر منتظر اتوبوس شدم و با چه بدبختی سوار اتوبوس شدم داغ دل شما را هم تازه کنم، فقط همین قدر می‌گویم که بالاخره با هزار آوینو ملکینو (هزار مکافات) سوار اتوبوس شدم. ماشینی که من سوار شدم از این ماشین‌هایی بود که برای رفاه حال مسافریں گرامی صندلی‌های آخرش را برداشته بودند تا

سانت در جیب من وارد شده بود ماشین به ایستگاه پل چوبی رسید و توقف کرد. مرد جیب‌بر که (در ظاهر) موفقیتی به دست نیاورده بود با سرعت با رفیقش از اتوبوس پیاده شدند و در جمعیت گم شدند. در حالی که پیش خود می‌گفتم روزی این بدبخت جیب‌بر چقدر کوتاه بود، چون منزل ما میدان عشرت‌آباد بود من هم در ایستگاه پل چوبی پیاده شدم و به طرف منزل راه افتادم. بالاخره از این که موفق نشده بودم جیب‌بر را به دام بیندازم خیلی دُمق شدم و در راه (از پل چوبی تا میدان عشرت‌آباد) خدا می‌کردم که زودتر به منزل برسم و این ماجرا را با هفت، هشت تا از شیرین‌کاری‌های خودم که رویش می‌گذارم به صورت «سوپر چاخان» برای زخم زری خانم متکبرانه تعریف کنم و کلی کیف کنم. موقعی که به خانه رسیدم و در زدم خوشبختانه زخم در را برویم باز کرد و من از همان دم در با شکل و قیافه و حرکات دست با آب و تاب فراوان شروع کردم به تعریف تمام ماجرا به آخر قضیه رسیده بودم که دست کردم توی جیبم تا حقوقم را فاتحانه نشان زخم بدهم. خوب که توی جیبم گشتم کاغذی چهار تا شده پیدا کردم، با عجله آن را باز کردم. نوشته بود:

شما خیلی زرنگ بودید ولی از شما زرنگ‌تر هم وجود دارد. این گناه داشت که شما می‌خواستید یک بیچاره‌ای را به زندان بیاندازید و بچه‌هایش را بی‌شام بگذارید. شما هیچ فکر این را نکردید که در موقعی که رفیق من با موش گربه بازی خود شما را با دو انگشت بازی می‌دهد و من با خیال راحت آن یکی جیب شما را خالی می‌کنم!!!! از من جیب‌بر به شما نصیحت همیشه با دیده تیزبین‌تری به زندگی نگاه کنید. قربان شما: کسی که جیب شما را زد.

\*\*\*

خواننده محترم و گرامی لازم است به عرض مبارکتان برسانم که:

سرقت حقوق آقا نیشان در اتوبوس واقعیت داشته که من این موضوع را به صورت داستان فکاهی تقدیم خوانندگان مجله بینا نمودم. ضمناً انجمن کلیمیان با لطف و کرم دلسوزانه خود نسبت به جامعه و به خصوص نسبت به معلمین مبلغ سرقت شده را جبران کرد. ■

دستش را بگیرم. ولی جیب‌بره مسیر دستش را عوض کرد و با زرنگی خاصی آن را در جیب خودش برد!!!! هفت، هشت تا ناسزای آبدار به خودم دادم چون اگر یک کمی دیگر صبر می‌کردم می‌توانستم مچش را بگیرم ولی حالا دیگر او متوجه شده بود که من شستم خردار شده و ممکن است که دیگر دُم لای تله نهد و از شانس بد من دست توی جیبم نکند!!! برای این که به یارو بفمانم سهواً این کار را کرده‌ام شروع کردم به ورق زدن مجله بینا که در دستم بود. ولی باز هم دائم هوای جیبم را داشتم.

آقا نیشان درددلش را این طور ادامه داد:

آقای دلرحیم چی بگم دو سه ایستگاه که اتوبوس گذشت نزدیکی‌های ایستگاه پیچ شمیران بود که دست یارو دوباره به طرف جیب من دراز شد ولی این دفعه خیلی با احتیاط‌تر و آرام‌تر!!!!... مثل این که حدس زده بود که من متوجه او هستم دستش دوباره به جیب بدون پول من رسیده بود که عطسه لعنتی ناگهانی من نقشه را به هم زد و طرف زود دستش را کنار کشید. باز هم مرغ از قفس پریده بود و دیگر به سختی می‌شد که این جیب‌بر را به دام بیندازم و دلم خنک شود و تحویل پلیس بدهم.

برای این که دوباره او به فکر زدن جیبم بیندازم دوباره شروع کردم در ظاهر به خواندن مجله بینا. چند دقیقه‌ای به این منوال گذشت ... در این موقع یک نگاه سطحی به صورت مرد جیب‌بر انداختم، قیافه‌اش به جیب‌برهای حرفه‌ای خیلی شباهت داشت و می‌شد حدس زد که تا به حال لااقل چندین نفر را بی‌شام شب گذاشته است!!! بالاخره آقای دلرحیم جونم برات بگه بازی من (مطالعه مجله بینا) خوب گرفت و طرف که به خیال خودش متوجه گیجی من(!) شده بود دوباره دست به کار شد. این دفعه با احتیاط‌تر از دو دفعه قبل دستش را جلو آورد و به در جیب شلوار من رساند. من کاملاً رفتارش را در نظر داشتم، انگشت اشاره‌اش را طوری کشید که با انگشت سبابه‌اش مساوی شد. من کاملاً غرق تماشای رفتار او بودم و نفس در سینه‌ام حبس شده بود.

متأسفانه درست هنگامی که انگشتانش به اندازه یک

طنز



## موعد دیدنی خیلی دیدنی

تسپورچی

- 😊 همسر عزیزم میشه چند دقیقه وقت رو بدی به من و اون شبکه توزیع اخبار تلخ رو واسه چند دقیقه تعطیلش کنی؟
- + باز ما اومدیم پنج دقیقه بینیم دنیا دست کیه خانم درد دل های کهنهش یادش افتاده؟
- نخیر آقا بهزاد شما مثل اینکه متوجه نیستی ما امسال هر جا رفتیم مهمونی پس ندادیم...!
- + من که پس دادم شخصاً اونم بلافاصله تا رسیدیم خونه همه رو از دل و دماغ من کشیدی بیرون خودت...!
- بهزاد مهمه دارم باهات جدی صحبت می کنم... من تصمیم گرفتم واسه شب آخر موعد که شب تعطیلی هم هست کل فامیل و دوست و آشناها رو دعوت کنیم تا یکجا هر جا رفتیم تلافی بشه.
- + ازت ممنونم که همیشه تصمیم های مهم رو با هم می گیریم.
- آره آره حالا ما اخبار رو خاموش کردیم. ولی خودت بگو خبر بمب و موشک تلخ تر بود یا اخبار آوار شدن فامیل شما سر ما مهلک تر؟ عجلالتا باید خدمت شما عارض شوم که خزانه ما رو هر چی بود عید خالیش کردی با این وضعیت گرونی خرج نتراش واسه ما.
- چیز خاصی نیست. اتفاقاً برای تو بهتر میشه که تو موعد جشن بگیریم، کلی پول شیرینی و تنقلات جلو می افتی. آجیل و میوه هم که از قبل خریدی داریم.
- + قریون عیال متفکرم برم... ولی سرکارخانم شما که فکر همه جارو کردی به من بگین که چرا روز آخر موعد حالا؟ میدونی که فامیل های دور و نزدیک ما تو این روز سوار ماشین نمی شن و نمیان؟
- والا فامیل های ما که مشکلی ندارن. یا خونه شون نزدیکه یا بالاخره هر جور شده میان ... مثلاً کی نیامداد؟؟؟
- + مثلاً همین فامیل مادری من که خونشون دوره و هیچ کدوم سوار ماشین نمیشن که بیان.
- ( حالا کی خواست مادر خواهر اینو دعوت کنه ... )
- + چیزی گفتی عزیزم؟
- نه، نه، حق با توهه. خوب پس چکار می شه کرد؟
- + هیچی یا باید یه شب دیگه جشن بگیریم یا این که قید یک سری مهمونا رو باید بزنیم دیگه...
- خوب حالا راجع به اینم تصمیم می گیریم. من دوست دارم حتما مثل قدیم رسوم رو به جا بیارم و موعد کنار هم باشیم ... ولی خوب هر کس یه جور درگیره و یه عقیده و نظری داره. بالاخره ما هم که اکثر فامیل هامون از پیشمون رفتن... لااقل همین چند نفرم که موندن کنارمون باشن.
- حالا بیا با هم لیست مهمون ها را چک کنیم پس...!
- + باشه خانم بفرمائید...
- خاله اقدسما اینا با خانواده.
- + خیلی خوبه ولی یه مشکلی هست.
- چی؟
- + دوماذ خالهات به همون دلایلی که آگاهی خونه ما غذا نمی خوره. یادت رفته؟ بقیه فامیل هم اگه اینا باشن رودروایسی می کنن و نمی خورن... پس هیچی خطش بزن.
- اووووم، آره راست میگی. حق با توهه مثل اینکه... خوب نفر بعدی ... عمه منیرت اینا...!



+ ای بابا داداشمو خط زدی؟ کی میخواد بیاد دیگه آخه آرزو...  
- تو کسی به فکر نمیرسه؟!  
+ چرا  
- کی؟  
+ هاچ زنبور عسل  
- مسخره...  
+ خوب اگه دوست داری میشل اینارو بنویس. اونا هم ما رو گروهی دعوت کردن ...  
- بله گروهی. بعدش هم به فنا رفتیم البته... مگه ندیدی چشم زنش شور بود... یادت رفت اون دفعه به من گفت عزیزم موهات چه خوش رنگ شده همون شب آدامس چسبید کف سرم؟  
+ من دیگه حرفی ندارم...  
- اگه نمیگی که دخترخاله اینا چرا شب سالی پارسال مارو دعوت نکردن، بگم بیان...؟!  
+ خودت جواب خودتو داری میدی دیگه ... دعوت نکردن مارو. ما هم نمی گیم بهشون.  
- خوب ژوزف اینا رو بگم بیان  
+ اونکه عمرا نمیاد... تازه رفته سر یه کار نون و آب دار  
- ... این چه شغلیه که مال شباس اونوقت؟  
+ هیچی دیگه شبا می ره تالار خراسانی ها سرمیز مهمونا... زل می زنه تو چشماشون تا نتونن شام بخورن!  
- من دیگه کلافه شدم ... فامیلا هم تموم شدن...  
چیکار کنیم پس؟؟؟ من موعده دیدنی میخوام.  
همکارت چی؟؟؟ عباس اقا اینا؟  
+ آره- اونا خوبن بنویس  
- شماره (۱) عباس آقا دو نفر...

پایان

+ عمه منیرم اینا رو خیلی دوست دارم... ولی چون داداشم اینا سر شمع روشن کردن برمیصوا صداش نزدن شمع روشن کنه با همه ما قهر کرده و نمیاد...  
- ای بابا چه قدر ناز دارن عمهات... خاله مهریت چی؟ اون که دیگه میاد. اونو بنویسم؟  
+ اگر خودت مایلی یه جین سیخ و یه کیسه شیشه خورده و یه دست دندان کامل و پونصد تا عدد پنج و ضریب پنج تو مهمونیت هوا بره صداس کن بیاد... باز هم میل خودته...  
- اوه... نه راست میگی. هنوز آمپولایی که دفعه پیش بهم حواله کرد جاش درد می کنه!  
+ بهزاد... خوب چند نفرم تو بگو...  
- بنویس عزیزم ... شاهین پسردایی عزیزم با خانم بچه هاش  
+ شاهین؟ با این حرفها که زنش پشت سرما زد؟ شوخیت گرفته؟ یادت رفته چه چیزایی بعد نامزدی برادر شوهرش به من گفت؟ ایش با اون دماغ عملی و گونه های پروتزش نگاه تو آینه نکرده انگار... شبیه ته دیگ عدس پلوس صورتش. بعد فقط به مردم می خنده، زنیکیه ...  
- خیلی خوب... خیلی خوب باشه بابا ننویس خودت رو ناراحت می کنی چرا؟  
+ پس اینم هیچی، یاشار و زنش رو حتماً دعوت کنیم ولی  
- وایلا اگر راست باشه، اونا از وقتی دری به تخته خورد و پولدار و بالای شهری شدن کسر شأن شون میشه با امثال من و تو رفت و آمد کنن ... مردک یادش رفته تا دیروز شب یکشنبه ها تو سطل ماست آش می ریختن میومدن سرپل می خوردن ...  
تو واقعا درک نمی کنی که باید مهمونامون زیاد باشن نه؟ ندیدی پریشب زن برادر عنترت یه عکس گذشت فضای مجازی، صد نفر توش بودن، تازه همه رو مهمون کرده بود ... منم اونا رو نمیگم و با همه مهمونا یه عکس می گیرم میزارم زیرشم می نویسم ما ۵۵ نفر همین الان بهویی...



## سندرم شب خوری

مژده یمینیان

کارشناس تغذیه

من شب‌ها، ساعت دو نیمه شب از خواب بیدار می‌شوم و مستقیم به سمت آشپزخانه حرکت می‌کنم، بعد از مصرف مقداری مواد غذایی دوباره به تخت‌خواب برمی‌گردم و می‌خوابم، اما بعد از دو ساعت مجدداً بیدار می‌شوم و تا دوباره غذا نخورم، نمی‌توانم

بخوابم و چون معمولاً هر شب تا صبح چندین بار بیدار می‌شوم و سری به یخچال می‌زنم، صبح‌ها معمولاً سیر هستم و تمایلی به مصرف صبحانه ندارم.

همه ما در زندگی خود حداقل یک بار با این گونه افراد برخورد داشته‌ایم و پای تعریفشان نشستیم. شاید برای خود ما هم اتفاق افتاده باشد ...

### سندرم شب‌خوری (NES)<sup>۱</sup>

اختلالی است که در آن الگوی تغذیه و البته خواب فرد دچار تغییر می‌شود. این سندرم در سال ۱۹۵۵ توسط دکتر آلبرت استانکارد شناخته و معرفی شد.

مبتلایان به این سندرم، بخش اعظم غذایشان را طی ساعات شب و به دنبال بیداری‌های مکرر دریافت می‌کنند. افراد مبتلا به سندرم شب‌خوری معمولاً دچار اضافه وزن هستند که معمولاً آنها را مستعد ابتلا به بیماری‌های ناشی از اضافه وزن از جمله فشار خون بالا، دیابت و افزایش کلسترول می‌کند. افراد چاق، همچنین در خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی، انواع سرطان و بیماری‌های مربوط به کیسه صفرا هستند.

این اختلال، نوعی پرخوری افراطی است که به شکل پرخوری در طول شب بروز می‌کند و علل متفاوتی دارد، از جمله علل ژنتیکی، محیطی، فرهنگی و از مهمترین عوامل

مؤثر شناخته آن مشکلات روحی - روانی و افسردگی می‌باشد. علت دیگر آن، عادت به غذا خوردن در شب هنگام است. به طور مثال، گاهی اوقات دانشجویانی که الگوی خواب و مطالعه‌شان به هم می‌ریزد، به خوردن غذا در شب عادت می‌کنند و دیگر نمی‌توانند این عادت را ترک کنند. همین‌طور افرادی که در طول روز، کالری محدودی دریافت می‌کنند، بدن پیامی به مغز می‌دهد که نیاز به غذا دارد و

فرد به طور معمول در شب شروع به زیادخوری می‌کند. در این اختلال، افرادی که افسرده هستند بدون احساس گرسنگی واقعی و نیاز به غذا شروع به خوردن می‌کنند. این افراد برای رسیدن به احساس آرامش و تسلی خود در برخورد با مشکلات به خوردن روی می‌آورند. آنها سعی می‌کنند با پرخوری به جنگ احساسات منفی مانند غم یا عصبانیت بروند و به این ترتیب خود را تسکین دهند.

بیماران مبتلا به سندرم پرخوری شبانه، بارها در طول شب دچار بی‌خوابی شده و تنها راه دوباره به خواب رفتن را خوردن یک یا چند وعده غذایی می‌دانند. آنها به صورت کاملاً جبری دچار این احساس ناخواسته می‌شوند.

معیارهای تشخیص این اختلال شامل پرخوری شبانه و بیدار شدن جین خواب و غذا خوردن دو شب یا بیشتر در طول هفته می‌باشد. برای تشخیص این بیماری باید سه تا از پنج علائم زیر وجود داشته باشد:

<sup>۱</sup> - Nes : Night Eating Syndrome

رژیم غذایی و شکست در این کار، افسردگی و اضطراب سوء مصرف مواد، نگرانی در مورد اندام، کمال‌گرایی و داشتن تصویر ذهنی منفی نسبت به خود است.

### درمان

درمان موفق سندرم شب‌خوری معمولاً ترکیبی از انواع درمان‌هاست. درمان معمولاً با آموزش بیماران در مورد وضعیت آنها آغاز می‌شود، به طوری که نسبت به الگوهای غذایی، آگاه‌تر می‌شوند و می‌توانند شروع به شناسایی محرک‌ها کنند. درمان شامل چند گام است:

۱. ارزیابی تغذیه و درمان
۲. فیزیولوژی ورزش: تشویق کردن فرد به افزایش فعالیت فیزیکی، به این صورت که باید یک فعالیت ورزشی خاص را به طور منظم دنبال کنند.
۳. یادداشت غذایی: فرد مبتلا، باید تمامی غذاها و نوشیدنی‌هایی را که از صبح تا شب، دریافت کرده به همراه زمان مصرف آنها یادداشت کند و به متخصص تغذیه خود نشان دهد.
۴. مشاوره با روانشناس و ادغام رفتارشناختی و مدیریت استرس.
۵. تکنیک‌های رفتاری مانند بستن در اتاق خواب، بستن انباری و محل‌های نگهداری مواد غذایی و نصب علائم بر در اتاق خواب، این کار بیماران را آگاه می‌کند که به تخت‌خواب برگردند.
۶. استفاده از مواد غذایی غنی از سروتونین، نظیر کربوهیدرات‌ها و یا راهکارهایی که بتواند سطح سروتونین مغز را افزایش دهد، از قبیل ورزش کردن، برخورداری از نور خورشید، پیاده‌روی در فضای باز در طول روز و خوردن منابع غذایی حاوی تریپتوفان نظیر مصرف یک لیوان شیر قبل از خواب در کنترل سندرم پرخوری شبانه مفید می‌باشد.
۷. دارو درمانی که روش‌هایی می‌باشد، نظیر درمان با داروهای انتخابی مهارکننده برداشت سروتونین. ■

### منابع

- (۱) سندرم شب‌خوری چیست؟ مجله‌ی خبری لحظه نما
- (۲) سندرم پرخوری شبانه: دکتر هانی‌السادات اجتهاد - دکتر شیرین حسنی رنجبر
- (۳) سندرم شب‌خوری چیست؟ گروه تغذیه‌ی زندگی آنلاین
- (۴) نشانگان شب‌خوری: دکتر رضا امانی

۱. عدم اشتها به صبحانه
۲. اجبار به خوردن در طول شب
۳. اعتقاد به این موضوع که حتماً باید چیزی بخورد تا مجدداً بتواند به خواب برود
۴. حالت افسرده
۵. سخت به خواب رفتن

یک تا دو درصد از جمعیت جهان و ده درصد از افراد چاق از این مشکل رنج می‌برند. این اختلال بیشتر در اوایل بزرگسالی و جوانی بروز می‌کند و به مدت طولانی فرد را درگیر می‌کند. شیوع این مشکل در کودکان بسیار پایین است.

مطالعات نشان داده است که افراد مبتلا به این سندرم از عزت نفس پایین و افسردگی رنج می‌برند و سطح هورمون‌های ملاتونین و لپتین پایین‌تری دارند. یک مطالعه روی افراد چاقی که تمایل به انجام جراحی بای پس معده داشتند، نشان داد که ۲۸٪ از آنها از این سندرم رنج می‌برند. این سندرم احتمال ابتلا به دیابت و عوارض ناشی از آن را نیز افزایش می‌دهد.

اگر چه این بیماری می‌تواند هر دو جنس را تحت تأثیر قرار دهد، اما در میان زنان بیشتر از مردان دیده می‌شود. سندرم شب‌خوری اگر چه در افراد غیرچاق نیز رخ می‌دهد، اما در افراد چاق شیوع بیشتری دارد، به‌خصوص برای افرادی که در حال پیگیری درمان‌های کاهش وزن هستند.

### علائم سندرم شب‌خوری:

اغلب افرادی که مبتلا به سندرم شب‌خوری هستند، دچار اضافه وزن و چاقی هستند، آنها احساس می‌کنند یا هیچ‌کنترلی روی رفتار تغذیه‌ای‌شان ندارند و حتی زمانی که گرسنه نیستند در خفا غذا می‌خورند. آنها به شدت از کاری که انجام می‌دهند احساس پشیمانی و شرم می‌کنند. این افراد معمولاً بیشتر از بقیه و تند غذا می‌خورند، حتی وقتی گرسنه نیستند غذا می‌خورند و با وجود سیری دست از غذا نمی‌کشند و البته این کار را در خفا انجام می‌دهند و معمولاً دچار احساس گناه و افسردگی، نفرت و ناراحتی می‌شوند. آنها بیشتر کالری‌شان را شب‌ها دریافت می‌کنند و از جمله مشخصات این افراد، تلاش مکررشان برای گرفتن



## انحصار وراثت

امیرفراز نعیموت

کارشناس ارشد مقوق

با فوت هر شخص اموال او خواه یا ناخواه به وراثت او خواهد رسید. ولی دسترسی به این اموال برای وراثت، مستلزم انجام امور حقوقی مربوطه و پرداخت هزینه‌های قانونی است.

برای درک بهتر موضوع اصطلاحات رایج در حقوق ارث را با ذکر چند مثال کلیدی و مختصر بررسی می‌نماییم. (۱) ترکه: به دارایی زمان فوت متوفی قبل از خروج دیون و واجبات گفته می‌شود که به سبب فوت وی از مالیت او خارج شده است.<sup>۱</sup>

(۲) وارث: کسی که از دیگری مالی را به ارث می‌برد. (وراث و ورثه جمع وراثت است)

(۳) مورث: کسی که مرده و مالی از او مانده است.<sup>۲</sup>  
(۴) انحصار وراثت: تعیین نمودن تعداد وراثت متوفی توسط مرجع ذیصلاح

بر این اساس اولین گام برای دسترسی به اموال متوفی، شناسایی و مشخص نمودن همه افرادی است که به هر نحوی از او ارث می‌برند.

طبق دستور قانون وراثت متوفی برای اخذ حقوق خود از اموال مورث، ابتدا باید از طریق مرجع صلاحیت‌دار گواهی «انحصار وراثت» اخذ کنند. اخذ این گواهی شامل چند مرحله می‌باشد.

### مرحله اول:

ابتدا برای اخذ گواهی باید فرم مخصوص را دریافت نمود. با توجه به صلاحیت شورای حل اختلاف جهت صدور گواهی برای اخذ فرم مربوطه باید به شوراهای حل اختلاف رجوع نمود. با این حال با توجه به اینکه از تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۹ دفاتر خدمات قضایی الکترونیک در تهران

وظیفه ثبت دادخواست‌های ارجاعی به شوراها را دارند، فرم مربوطه در این دفاتر قابل دسترسی نیز می‌باشد. در این فرم مشخصات افرادی که از متوفی ارث می‌برند همراه با نسبتی که با مرحوم داشته‌اند ذکر می‌شود.

### مرحله دوم:

مرحله بعدی مربوط به تایید وراثتی است که در فرم مربوطه نام برده شده‌اند. جهت اخذ تاییده مدارک شناسایی همه وراثت به همراه اصل شناسنامه و کارت ملی متوفی به انضمام گواهی فوت مرحوم به دفاتر اسناد رسمی برده شده و دو نفر شاهد بالغ که متوفی را به خوبی می‌شناسند، ذیل فرم را امضاء کرده و توسط دفتردار تایید می‌شوند. نکته: لازم به ذکر است عدم ذکر نام یک یا چند تن از وراثت که به صورت عمدی صورت گرفته باشد به منزله کلاهبرداری می‌باشد.

### مرحله سوم: امور مالیاتی

وراثت متوفی وظیفه دارند از اداره مالیات اظهارنامه مالیاتی را دریافت کنند که این اظهارنامه شامل لیست جامعی از اموال متوفی، بهای اموال در زمان فوت او و مطالبات و بدهی‌های او می‌باشد. بعد از تهیه اظهارنامه و پرداخت مبالغ مربوطه وراثت رسید دریافت می‌نمایند.

### مرحله چهارم: تقدیم دادخواست

در این مرحله فرم مخصوص انحصار وراثت، رسید مالیاتی، گواهی فوت، اصل مدارک شناسایی متوفی رونوشت برابر اصل مدارک شناسایی وراثت (اصل مدارک جهت نظارت مدیر دفتر و اخذ ارجاع) رونوشت برابر اصل

<sup>۱</sup> - ترمینولوژی حقوق، دکتر جعفری لنگرودی - کتابخانه گنج دانش.

<sup>۲</sup> - همان.

<sup>۳</sup> - همان.

## همایش فرهنگی کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران

لیندا لوی شوقی

مسئول کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران

کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران، ۱۴ بهمن ماه ۱۳۹۶ میزبان دکتر سیامک مره‌صدق نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی بود. ابتدا، مجری برنامه، حمید اقبالی (رئیس هیئت امنای کتابخانه) در خصوص اتمام بازسازی کتابخانه و فواید کتاب و کتابخوانی سخن گفت. سپس دکتر سیامک مره‌صدق به سخنرانی تحت عنوان «جنش چپ در جهان» پرداخت.

در این نشست، سیر تحول اندیشه‌های چپ در طول تاریخ و نقش یهودیان در این جریان به صورت کلی مورد بحث قرار گرفت و نظرات موافق و مخالف در رابطه با این جریان تاریخی توسط حاضران مطرح گردید.

این برنامه با استقبال همکیشان عزیز همراه بود. لازم به ذکر است که کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران با کتاب‌های جذاب، متنوع و به روز، آماده پذیرای شما عزیزان می‌باشد. ■



سند ازدواج (اگر متوفی متاهل بوده باشد) به ضمیمه دادخواست انحصار وراثت به واحد ارجاع شورای حل اختلاف و در تهران به واحد دفاتر الکترونیک قضایی تحویل داده می‌شود.

**نکته ۱:** شورای حل اختلاف صالح، شورای آخرین محله اقامت متوفی می‌باشد.

**نکته ۲:** چنانچه همسر متوفی باردار بوده باشد تا زمان تولد جنین گواهی صادر نمی‌شود. زیرا در صورت زنده متولد شدن، طفل نیز جزو وراثت خواهد بود.

**نکته ۳:** چنانچه دادخواست توسط هر یک از وراثت و هر ذینفعی تقدیم شود کفایت می‌کند.

بعد از ارجاع دادخواست و تشکیل پرونده، دفتر شعبه به هزینه متقاضی اطلاعیه حصر وراثت را در روزنامه منتشر می‌کند و چنانچه بعد از یک ماه به این اطلاعیه اعتراضی صورت نگرفت بدون نیاز به حضور متقاضی اقدام به صدور گواهی حصر وراثت می‌نماید.

**نکته:** افرادی که حق اعتراض دارند به قرار ذیل می‌باشد.

۱. دادستان در موارد پیش‌بینی شده در قانون

۲. هر شخصی که ادعا دارد در لیست نامش از قلم افتاده

۳. موصی‌له (شخصی که در حقش وصیت شده است)

**نکته:** موصی‌له با در دست داشتن وصیت‌نامه معتبر تنها ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ اطلاعیه حق اعتراض دارد.

**نکته:** با توجه به این که اصل ۱۳ قانونی اساسی احوال شخصیه اقلیت‌های مذهبی از جمله کلیمیان را طبق اصول شرعی خودشان قابل رسیدگی می‌داند، در مورد صدور گواهی حصر وراثت همکیشان کلیمی، شعبه قضایی تعداد افرادی که از متوفی ارث می‌برند را به همراه سهم هر یک از آنها از نهاد قانونی و رسمی کلیمیان که انجمن کلیمیان است استعلام نموده و بر مبنای این استعلام و پاسخ آن اقدام به صدور گواهی می‌نماید.

**نکته:** برخلاف انحصار وراثت که نیاز به حضور کلیه وراثت نبود، برای گرفتن سهم‌الارث، چه نقدی و چه اموال منقول و غیرمنقول، حضور شخص وارث یا وکیل رسمی و یا سرپرست و قیم قانونی او لازم بوده و در غیر اینصورت تحویل سهم‌الارث ممکن نمی‌باشد. ■

منبع

قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون آیین دادرسی مدنی جمهوری اسلامی ایران



## گزارش کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران

ادموند معلمی

مسئول کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران

خاطر نشان می‌گردد این نهاد با کمترین امکانات اولیه به کار خود ادامه می‌دهد که انشا... با پیگیری‌های کمیته جوانان و انجمن کلیمیان تهران مشکلات رفع خواهد شد.

### - خانه جوانان یهود تهران

در اواسط آذرماه همچون سال‌های گذشته به همت اعضای خانه جوانان یهود جشن تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز کلیمی در طی سه شب متوالی در تالار محبان برگزار گردید و به بیش از ۴۰۰ نفر از دانش‌آموزان پایه‌های مختلف تحصیلی هدایایی به رسم یادبود اهدا گردید.

در پاییز گذشته مجمع عمومی عادی خانه جوانان یهود تهران با حضور اعضای آن برگزار گردید و پس از ارائه گزارش عملکرد فعالیت و گزارش مالی، پرسش و پاسخ صورت گرفت. در انتهای مجمع اعضای هیئت نظارت بر انتخابات دوره بعدی با رای حاضرین انتخاب شدند.

### - برگزاری جشن انقلاب در تالار محبان

به مناسبت سی و نهمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی همچون سال‌های گذشته برنامه جشن انقلاب جامعه کلیمیان در تالار محبان در (۱۸ بهمن) با همکاری نهادهای جوان جامعه برگزار گردید که با استقبال همکیشان عزیز و مسئولین گرامی مواجه گردید.

اجرای دکلمه، اجرای گروه موسیقی دانش‌آموزان سازمان دانشجویان، اجرای گروه موسیقی سنتی ترنم و سخنرانی مسئولین از بخش‌های مختلف این جشن بود. تقدیر از خدمتگزاران جامعه و اهدای لوح سپاس به آنها از مهم‌ترین بخش‌های این برنامه بود.

از فریده پوراتیان و نورالله درخشان، منوچهر سرافراز و ابراهیم سعیدیان به عنوان خدمتگزاران جامعه تجلیل به عمل آمد.

همچنین در بخش دیگری از برنامه پس از قرائت قطعه شعری توسط ابراهیم سعیدیان، از شهاب شهامی فر به پاس سال‌ها خدمات پرثمر در امور مختلف اجتماعی از طرف کمیته جوانان تقدیر گردید. ■

کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران همواره سعی در بهبود و افزایش فعالیت نوجوانان و جوانان در نهادهای مربوطه و مشارکت آنان در امور فعالیت‌های اجتماعی داشته است.

### - سازمان دانشجویان یهود تهران

هیئت مدیره دوره پنجاهم سازمان دانشجویان به عنوان فعال‌ترین نهاد جوان، برنامه‌های متنوعی را برای همکیشان عزیز برگزار کرد که در این بین می‌توان به چند مورد از آن اشاره نمود:

سخنرانی هاراو گرامی و لیورا سعید در مورد بررسی مسائل و مشکلات روز نوجوانان (کنیسای یوسف‌آباد ۲۰ آبان)

سخنرانی مهندس رافائل ماه‌گرفته در مورد سیر و پژوهشی در باستان‌شناسی مصر و تطابق آن با تورا (۱۸ آذر) برگزاری جشن افتخارآفرینان در تالار محبان (۱۲ بهمن) و تقدیر از پذیرفته‌شمرگان در آزمون‌های ورودی مؤسسات آموزش عالی و ارائه‌دهندگان مقالات I.S.I. برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانه در محل سازمان (۲۵ اسفند)

### - سازمان جوانان باغ‌صبا

از ابتدای پاییز سال ۱۳۹۶ با انتصاب دو نفر از فعالین جوان به عنوان مسئولین اجرای اساسنامه سازمان جوانان باغ‌صبا شاهد فعالیت‌های بیشتر و گوناگون این نهاد بوده‌ایم. برنامه‌های مهم اجرا شده توسط اعضای این سازمان به این شرح است:

- سخنرانی حاخام دکتر حمای لاله‌زار (۱۱ آبان)
- مسابقات مختلف و جنگ شاد
- پخش فیلم سینمایی و آموزش رایگان شیرین‌بزی
- برگزاری بیست و یکمین سالگرد تأسیس سازمان باغ‌صبا (۵ بهمن) با حضور اعضای قدیم و جدید این نهاد
- جشن شاد ویژه نوجوانان (۱۴ اسفند)

## گزارش مرکز موسیقی و اجرای گروه ترنم

مهندس فریدون طوبی

مسئول مرکز موسیقی انجمن کلیمیان تهران

شهیندخت ملاوردی دستیار رئیس جمهور در امور حقوق شهروندی و سایر مقامات دولتی و نیز نمایندگان اقلیت‌های مذهبی، گروه موسیقی سنتی انجمن کلیمیان تهران (ترنم) دو قطعه را در باغ زیبای پاسداران اجرا نمودند که بسیار مورد تشویق همگان قرار گرفتند.

### اجرای گروه ترنم در فرهنگسرای ارسباران

با همکاری بنیاد نیکوکاری شروین روبن‌زاده گروه موسیقی سنتی انجمن کلیمیان تهران (ترنم) یک برنامه خیریه به نفع کودکان بی‌سرپرست تحت پوشش بنیاد در جهت رونق بخشیدن به سفره نوروزی این فرشتگان زمینی، در تاریخ ۱۷ اسفندماه ۹۶ در فرهنگسرای ارسباران وابسته به سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران اجرا نمود که در آن تعداد زیادی از برادران مسلمان و همکیشان عزیز حضور داشتند و به مدت حدود ۲ ساعت ۱۴ قطعه ترانه و آهنگ را اجرا نمودند که بسیار مورد تشویق و تحسین همگان قرار گرفت و در پایان با قدردانی از این گروه، همگان سرود ای ایران ای مرز پر گهر را در فضای فرهنگسرای ارسباران سر دادند.

### اجرا کنندگان گروه ترنم:

سهیل رفوا: سنتور

پرهام یاشارئل: آکاردئون

سپهر عزیزی‌راد: تنبک و دف

پدرام یاشارئل: تار

نوید سرافراز: ویولن

حمید آقایی: عود

خواننده: سپهر سلیمانی

تنظیم‌کننده و رهبر: حمید آقایی

سرپرست: فریدون طوبی

### جشن پایان دوره مرکز آموزش موسیقی

در تاریخ چهارشنبه ۲۲ آذر ماه ۹۶ جشن پایان دوره مرکز آموزش موسیقی انجمن کلیمیان تهران با حضور رییس انجمن کلیمیان دکتر سامه‌یح و مسوول کمیته جوانان ادموند معلمی و نماینده کمیته ورزش بهادر میکائیل برگزار شد و هنرجویان نوجوان مرکز موسیقی با اجرای قطعات گوناگون تک‌نوازی و هم‌نوازی یک شب شاد و به یاد ماندنی بر جای گذاشتند و از طرف انجمن کلیمیان تهران و با همکاری کمیته جوانان جهت تشویق این هنرجویان جوایزی به آنان اهداء شد.

در آغاز مراسم به مناسبت «حنوکا» جشن نور و روشنایی، شمع‌های آن به همراه خواندن دعای مخصوص از تورات مقدس روشن گردید، و پس از آن هنرجویان آن چه را در طی دوره آموخته بودند اجرا کردند که مورد تشویق و تحسین همگان قرار گرفتند.

گروه پیانو: استاد خانم آوانسیان

ژودیت نصیر، ژاسمین نصیر، روژان فروزانفر

گروه گیتار: استاد صادقان

ارشیا برخوردار، نیما ساسانیان، نیما مصری، داوید

نقره‌ئیان، پرستو زرنقیان، تارخ رضوانی، بارا مسجدی،

النور لیویان

گروه تنبک: استاد طهماسبی‌نیا

الياهو گیدانیان، یاسمن حناساب، اورا مسجدی

گروه ویولن: استاد سرافراز

اورا مسجدی، الین دانیال مفرد

گروه پاپ:

هوشنگ نفیس‌پور، مسعود مینایی، تارخ رضوانی

### اجرای گروه موسیقی سنتی در حضور مقامات دولتی

در روز سه‌شنبه ۲۴ بهمن ماه ۹۶ در حضور دکتر عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونین ایشان و

## اخبار

### مهندس امید ممبئی مقدم مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران

#### هنرنمایی گروه موسیقی ترنم (7116) در همایش ملی سلامت و زندگی



همایش ملی سلامت و زندگی در هفتم دی ماه ۱۳۹۶، شاهد هنرنمایی گروه موسیقی ترنم (رینا) کلیمیان در تالار ایوان شمس بود. حمیدآقایی (سرپرست و نوازنده عود)، سپهر سلیمانی (خواننده)، سهیل رفوا (ستور)، پدram یاشارل (تار)، نوید سرافراز (ویولن)، پرهام یاشارل (آکاردئون) و سپهر عزیززی (تمبک و دف) اعضای گروه را تشکیل داده بودند. پس از اجرا، از اعضای گروه توسط دکتر معینی (پیشکسوت فوتبال) تقدیر به عمل آمد.

#### حضور دکتر سعید زارع در دفتر جناب حاخام دکتر یونس حمای لاله‌زار



روز دوشنبه ۱۸ دی ماه ۱۳۹۶، دکتر سعید زارع (معاون مشاور رئیس جمهور در امور اقلیت‌های مذهبی)، با حضور در دفتر جناب حاخام دکتر یونس حمای لاله‌زار، ضمن دیدار با رهبر دینی کلیمیان ایران، افتتاح دفتر رسمی ازدواج و طلاق خاص کلیمیان به سردفتری ایشان را تبریک گفت. در این دیدار که جمعی از اعضای جامعه کلیمیان تهران از جمله

نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی، رییس انجمن کلیمیان تهران، جمعی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران و برخی از فعالین مذهبی، آموزشی و اجتماعی جامعه حضور داشتند، ضمن اشاره به قرن‌ها زندگی مسالمت‌آمیز اقلیت‌های مذهبی در ایران، بر لزوم حفظ احترام متقابل به ارزش‌های مذهبی اقوام و مذاهب ایرانیان تاکید شد. دکتر سعید زارع با دعوت صمیمانه از اندیشمندان جامعه کلیمی، خواستار تعامل هر چه بیشتر افراد این جامعه در آینده‌ای نزدیک به جهت حل هر چه بیشتر مسائل موجود شد.

## شرکت نمایندگان جامعه کلیمیان در نخستین کنگره بزرگداشت آیت الله هاشمی رفسنجانی



نخستین کنگره بزرگداشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی روز سه‌شنبه ۱۹ دی در سالن اجلاس سران برگزار شد. در این مراسم تعدادی از اعضای هیأت دولت، جمعی از علماء، اندیشمندان، شخصیت‌هایی از اقلیت‌های مذهبی و مقامات عالی رتبه کشوری و لشکری حضور داشتند.

از طرف جامعه کلیمیان نیز حاخام بنیامین رنگ کار و تنی چند از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران از جمله دکتر همایون سامه‌یج، ادموند معلمی و مهندس شاهین آشوری در این کنگره حضور داشتند.

## ابراز تسلیت در خصوص واقعه اندوهناک جان باختن خدمه نفتکش سانچی

جامعه کلیمیان ایران با نهایت تأسف، حادثه تلخ جان باختن شماری از هموطنان عزیزمان در حادثه‌ی غرق شدن نفتکش سانچی را به همه مردم شریف ایران زمین تسلیت عرض کرده و برای خانواده‌های آن عزیزان، از درگاه قادر مطلق، طلب صبر و شکیبایی می‌نماید.

## برگزاری امتحانات هماهنگ عبری و دینی

مدارس خاص کلیمیان، روز سه‌شنبه ۲۶ دی ماه، شاهد برگزاری امتحانات عبری و دینی به صورت هماهنگ بود که توسط کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران برگزار شد.

## برگزاری همایش ملی ادیان و اقوام «وطنم»



همایش ملی وطنم، با حضور جمعی از اندیشمندان و رهبران دینی یهودی، مسلمان، زرتشتی و مسیحی روز سه‌شنبه ۳ بهمن ماه در فرهنگسرای اندیشه برگزار شد.

در این همایش که برخی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران (دکتر سلیمان کهن صدق، ادموند معلمی)، بازرسین (مهندس فریدون طوبی، مهندس امید ماخانی)، منوچهر سرافراز (مسئول سرای سالمندان)، دکتر جهان بخش قهرمانی (انجمن کلیمیان کرمانشاه)،

اعضای کانون فرهنگی - هنری (از جمله ابراهیم سعیدیان)، اعضای کمیته ورزش و جوانان، اعضای نشریه بینا و اعضای سازمان بانوان در آن حضور داشتند، از مستند وطنم نیز رونمایی شد. مستند وطنم ساخته هادی داودآبادی و سید مصطفی موسوی تبار است که به موضوع اقوام ایران می‌پردازد. این مستند شامل بخش‌هایی نیز در مورد یهودیان و زیارتگاه‌های آنان و صحبت با برخی از چهره‌ها از جمله دکتر سیامک مره‌صدق، راو یهودا گرامی، هارون یشایایی و مهندس سلیمان ساسون بود. در این برنامه، اندیشمندان ادیان و اقوام مختلف درباره نقش آنها در وحدت مردم ایران سخنرانی کردند. از طرف جامعه کلیمیان نیز جناب حاخام آرش تهرانی، به ایراد سخنرانی پرداخت. ضمن آنکه از دکتر قهرمانی، جانباز هفتاد درصدی جامعه کلیمیان، تقدیر به عمل آمد.

### بازدید اعضای کمیته جوانان از بیمارستان دکتر سپهر



روز چهارشنبه چهارم بهمن ماه، همزمان با سالگرد تاسیس بیمارستان خیریه دکتر سپهر، ایام سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و روز پرستار، اعضای کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران به همراه جمعی از جوانان جامعه کلیمی با حضور در بیمارستان خیریه دکتر سپهر، ضمن عیادت از بیماران

بستری و بازدید از بخش‌های مختلف بیمارستان، از زحمات پرستاران فداکار و پرسنل زحمتکش آن نهاد قدردانی به عمل آوردند.

جمعی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان، بازرسین و اعضای هیات مدیره بیمارستان دکتر سپهر (از جمله دکتر سلیمان کهن‌صدق، بیژن آصف، ادموند معلمی، مهندس فریدون طوبی و مهندس پیمان ساکت‌خو)، تیم بازدید کننده را در بخش‌های مختلف بیمارستان همراهی نموده و به ارائه توضیحات کامل در ارتباط با عملکرد بیمارستان پرداختند. حضور در دفتر مدیریت بیمارستان و دریافت توضیحاتی از طرف رییس هیات مدیره بیمارستان (دکتر سلیمان کهن‌صدق) در خصوص تاریخچه و نحوه شکل‌گیری کانون خیرخواه و نحوه اداره این مرکز درمانی، بخش دیگری از این بازدید را تشکیل داد.

در انتهای این بازدید، لوح سپاسی از طرف اعضای کمیته جوانان به هیات مدیره بیمارستان اهدا گردید.

### بازدید رییس انجمن کلیمیان تهران و نمایندگان کمیته فرهنگی از کلاس‌های تعلیمات دینی شیراز

رییس انجمن کلیمیان تهران (دکتر همایون سامه‌یج) به همراه نمایندگان کمیته فرهنگی (بهادر میکائیل و امید شایان مهر) و شهاب شهمی‌فر (فعال اجتماعی)، روز جمعه ششم بهمن ماه، از کلاس‌های تعلیمات دینی روز جمعه شیراز بازدید کردند.





نمایندگان شورای روحانیت، نمایندگان انجمن شیراز و مدیران کلاس‌ها (از جمله آقایان سله باروخ، کاشی، سله، پریرزاد، باشی، شمطوب و آذران) نیز در این دیدار حضور داشتند.

رییس انجمن کلیمیان تهران و نمایندگان کمیته فرهنگی ضمن گفتگو با مدیران، دبیران و پرسنل کلاس‌های روز جمعه، از زحمات بی‌شائبه این عزیزان در جهت تعلیم و تربیت آینده‌سازان جامعه، طی مراسمی در کنیسیای کوثر، تشکر و قدردانی به عمل آوردند.

### نشست خبری - مطبوعاتی کمیته اقلیت‌های دینی ستاد مرکزی دهه فجر انقلاب اسلامی



کمیته اقلیت‌های دینی ستاد دهه فجر، نشست مطبوعاتی پیروان ادیان توحیدی را به مناسبت معرفی برنامه‌های بزرگداشت دهه فجر در روز سه شنبه دهم بهمن ماه برگزار کرد. در این نشست خبری، سعید تقوی (رییس کمیته اقلیت‌های دینی ستاد دهه فجر)، پس از تبریک سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، از برنامه‌های عمومی

اقلیت‌های دینی در ایام دهه فجر گزارشی را ارائه نمود. از طرف جامعه کلیمیان نیز حاخام آرش تهرانی و دکتر سلیمان کهن‌صدق در این نشست حضور داشتند.

در ادامه، دکتر سلیمان کهن‌صدق اهم برنامه‌های ویژه دهه فجر جامعه کلیمی را به شرح زیر اعلام کرد:

- ۱- حضور نمایندگان جامعه کلیمی در مرقد امام (ره) و ادای احترام به بنیانگذار جمهوری اسلامی (پنج شنبه ۱۲ بهمن).
- ۲- درمان رایگان کلیه بیماران سرپایی توسط پزشکان بیمارستان خیریه دکتر سپیر (۲۲ بهمن).
- ۳- برگزاری جشن انقلاب در تالار محبان (۱۸ بهمن) و مسابقات ورزشی جوانان و نوجوانان.
- ۴- شرکت در مراسم مهمانی لاله‌ها (تجلیل از شهدای اقلیت‌های دینی) در آرامستان آشوریان (۱۹ بهمن).
- ۵- بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی، شب شعر و اجرای موسیقی در کانون فرهنگی، هنری و اجتماعی کلیمیان (۲۱ بهمن).
- ۶- اجرای سخنرانی در محل کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران (۱۴ بهمن)

## برگزاری همایش «قدس، پایتخت صلح ادیان»



همایش «قدس، پایتخت صلح ادیان» با همکاری مراکز دانشگاهی و مذهبی و با حضور رهبران و مقامات ادیان رسمی کشور و همچنین برخی مقامات کشوری از جمله آیت الله محمد محمدی گلپایگانی (رئیس دفتر مقام معظم رهبری)، حجت الاسلام علی یونسی (مشاور رییس جمهور در امور اقوام و اقلیت ها) و عباس عراقچی معاون سیاسی وزارت امور خارجه، صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۱ بهمن ماه در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برگزار شد.

جناب حاخام دکتر یونس حمای لاله‌زار، دکتر همایون سامه‌یخ و امید شایان‌مهر از طرف جامعه کلیمیان در این همایش حضور داشتند. در ابتدای همایش، قرائت تورات توسط امید شایان‌مهر انجام پذیرفت و سپس جناب حاخام دکتر یونس حمای لاله‌زار در طی سخنرانی خود، به توضیح ارزش و شان اورشلیم (بیت‌المقدس) در دیدگاه یهود پرداختند. خاطر نشان می‌سازد در حاشیه این همایش، شبکه‌های گوناگون خبری داخلی و خارجی، مصاحبه‌های مختلفی را با جناب حاخام دکتر یونس حمای لاله‌زار و دکتر همایون سامه‌یخ انجام دادند.

اهم اظهارات رهبر دینی کلیمیان ایران در این همایش عبارت بودند از:

- یهودیت، حفظ حرمت بیت‌المقدس را «مقدس» می‌داند و اقدامات تشنج‌زا که صلح و آرامش را از این شهر دور خواهد ساخت را تقبیح می‌کند.
- اورشلیم که به خاطر بنای معبد بیت‌المقدس به نام «بیت‌المقدس» خوانده می‌شود، از تاریخی‌ترین و مقدس‌ترین مکان‌های جهان و مورد احترام تمام ادیان ابراهیمی است. این شهر آثار مذهبی بسیاری از هر یک از این ادیان را در خود جای داده است و مهم‌ترین نقطه تلاقی ۳ دین ابراهیمی و مرکز توجهات جهانی بوده است.
- در اورشلیم تمامی یهودیان و مسیحیان و مسلمانان می‌توانند در کنار هم با صلح و آرامش زندگی کنند. این صلح جهانی البته آرزوی همه ماست و بعد از آمدن منجی موعود، شاهد تحقق این صلح جهانی خواهیم بود.
- در تنخ (کتاب مقدس یهود)، حضرت داوود می‌گوید که برای صلح در اورشلیم (بیت‌المقدس) دعا کنید. این شهر جایی است که فرهنگ و ادیان و مردمان تمامی اعصار و دوران‌ها در آن با هم تلاقی پیدا می‌کنند و مسلم است که در خصوص صلح در اورشلیم نیاز به یک تلاش همگانی است.
- در کتاب مقدس و در تورات نیز سخنان و آیات زیادی درباره اورشلیم آمده است؛ به نحوی که در تنخ بیش از ۸۰۰ بار از اورشلیم یاد شده است. در تورات مقدس از قدمت بیش از ۴ هزار ساله این شهر یاد شده و نام این شهر برای نخستین بار در داستان حضرت ابراهیم آمده است که فرزندش اسحاق را قربانی می‌کند و از خدا می‌خواهد که توجه خود را به این شهر مبذول بفرماید.

- بسیاری از مباحث تاریخی و دینی یهودیان در اورشلیم اتفاق افتاده است تا اینکه معبد بیت المقدس در این شهر ساخته شد. هر چند انسان در هر مکان و رو به هر طرفی می‌تواند خدا را نیایش کند؛ اما معبد بیت المقدس مکانی است که همه انسان‌ها رو به آنجا با خدای خود نیایش می‌کنند و در آن مراسم عبادی و تقدیم قربانی و تقدس این شهر، مورد توجه یهودیان بوده است.
- هرگونه بی‌حرمتی به هر یک از ادیان دیگر، نتیجه‌ای جز ایجاد درگیری و تشنج و چیزی که امروز شاهد آن هستیم نخواهد داشت و انسان را از صلح و همزیستی دور خواهد نمود.

### حضور نمایندگان جامعه کلیمیان در مرقد امام (ره) همزمان با آغاز دهه فجر



همزمان با آغاز ایام مبارک دهه فجر و ورود تاریخی امام راحل به خاک میهن، نمایندگان جامعه کلیمیان، روز پنجشنبه ۱۲ بهمن ماه، با حضور در مرقد بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، با اندیشه‌ها و آرمان‌های معمار کبیر انقلاب اسلامی تجدید میثاق نمودند.

جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، دکتر همایون سامه‌یج، دکتر سلیمان کهن‌صدق، بیژن آصف، فرزاد طویبان و فرانک عراقی در این مراسم شرکت داشتند.

### برگزاری جشن دهه فجر توسط انجمن بانوان

#### کلیمی

انجمن بانوان کلیمی مراسم جشنی را به مناسبت دهه فجر در روز سه‌شنبه ۱۷ بهمن ماه، در ساختمان سرابندی برگزار نمود. دکتر سیامک مره‌صدق، دکتر همایون سامه‌یج، برخی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان، هارون یشایایی، اعضای کانون فرهنگی هنری و نمایندگان کمیته جوانان به همراه جمعی از همکیشان عزیز در این مراسم حضور داشتند.

در این مراسم که به موضوعات اجتماعی، مسائلی که بانوان

جامعه با آن درگیر هستند و نقش کلیمیان در پیروزی انقلاب پرداخته شد، هارون یشایایی، دکتر سیامک مره‌صدق و دکتر همایون سامه‌یج به ایراد سخنرانی پرداختند. تقدیر از دوریتا معلمی (کارشناس ارشد روانشناسی عمومی) به سبب سرپرستی موفقیت آمیز و افتخاری دو دوره کلاس‌های آموزش مهارت‌های زندگی، سرابیدن شعر توسط ابراهیم سعیدیان، اهدای لوح سپاس توسط کمیته جوانان به هیات مدیره انجمن بانوان و اجرای برنامه توسط گروه موسیقی زیر گروه دانش‌آموزان سازمان دانشجویان یهود ایران از جمله بخش‌های دیگر این مراسم بود که در محیطی گرم و صمیمی برگزار شد.



## برنامه‌های متنوع و گوناگون مهد یلدای شماره ۱ (گرگان)

در چند ماه اخیر، به کوشش مسئولین و پرسنل مهد یلدای شماره ۱ (گرگان)، برنامه‌های متنوع و گوناگونی برای نونهالان و کودکان به اجرا رسیده است. بازدید از کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران، برگزاری اردوی داخلی مهدکودک، انجام کار گروهی به مناسبت جشن برگ پاییزی، برگزاری جشن میوه‌های پاییزی، گردش دستجمعی به همراه نمایش عروسکی و برگزاری مسابقه به مناسبت هوای پاک، بخشی از این برنامه‌ها را شامل می‌شود.

## برگزاری جشن افتخارآفرینان ۹۶ به همت سازمان دانشجویان یهود ایران



طبق روال هر ساله و به همت هیات مدیره دوره پنجاهم سازمان دانشجویان یهود ایران و با همکاری اعضای زیر گروه‌های این سازمان، جشن افتخارآفرینان سال ۱۳۹۶، ۱۲ بهمن در تالار اجتماعات محبان برگزار شد. این جشن میزبان جوانان کلیمی پذیرفته شده در مقطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و ارائه دهندگان مقالات علمی- پژوهشی بود.

در این جشن از افتخارآفرینان جامعه توسط جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، دکتر سیامک

مره‌صدق، دکتر همایون سامه‌بیج، دکتر بهمن عرب‌زاده، دکتر رامین لاله‌پور، مهندس آرش آبایی، دکتر یوشیا هو رفوآ و مهندس دانیال ذریمانی تقدیر به عمل آمد.

اجرای گروه کرال سازمان دانشجویان یهود ایران به رهبری رامیار بهزادی و همچنین اجرای گروه موسیقی زیر گروه دانش‌آموزان سازمان دانشجویان یهود ایران و پخش کلیپ طنز بخش‌های دیگر این برنامه را به خود اختصاص داد.

## مراسم میهمانی لاله‌ها

مراسم پرشکوه میهمانی لاله‌ها و تقدیر از شهدای اقلیت‌های مذهبی، همزمان با ایام دهه فجر، روز پنج شنبه ۱۹ بهمن در آرامستان آشوریان برگزار گردید.

دوازدهمین آیین عطر افشانی و گلباران مزار شهدای ادیان توحیدی با حضور چهره‌های برجسته مذهبی و سیاسی ادیان توحیدی، مسئولان عالی رتبه بنیاد شهید و امور ایثارگران، خانواده‌های شهدای ادیان توحیدی و پوشش خبرگزاری‌های مختلف همراه بود.





در این مراسم، نادر نصیری (مدیر کل بنیاد شهید شهرستان‌های استان تهران) در سخنان خود به نقش شایان توجه اقلیت‌های مذهبی در پیروزی انقلاب اسلامی و ۸ سال جنگ تحمیلی اشاره کرد و با اشاره به شمار زیاد جان باختگان این ادیان نسبت به جمعیت آنها بر این مطلب تاکید نمود.

دکتر سیامک مره‌صدق، دکتر همایون سامه‌بیج، دکتر سلیمان کهن‌صدق، ادموند معلمی، مهندس فریدون طوبی، ابراهیم سعیدیان، بهادر میکائیل و شهاب شهامی فر به همراه برخی دیگر از فعالین اجتماعی و اقشار مختلف جامعه کلیمیان و سایر ادیان توحیدی، از جمله افراد حاضر در مراسم عطر افشانی و گلباران مزار شهدای ادیان توحیدی بودند.

اجرای سرود ملی جمهوری اسلامی ایران توسط گروه موزیک دژبان ارتش اسلامی ایران، تقدیر از خانواده‌های شهدای ادیان توحیدی و گلباران مزار شهیدان اقلیت مذهبی توسط هلیکوپتر از بخش‌های مختلف این مراسم بود.

### اطلاعیه مسئول ستاد دهه فجر جامعه کلیمیان

دکتر سلیمان کهن‌صدق، به مناسبت دهه فجر و مراسم مختلف برگزار شده در طول این مدت از طرف جامعه کلیمیان، اطلاعیه‌ای را ابلاغ کرد. متن اطلاعیه مسئول ستاد دهه فجر جامعه کلیمیان به شرح ذیل است:

سلام و درود بر فجرآفرینان دهه فجر؛

بار دیگر جامعه کلیمی با حضوری پرشور، پر افتخار و سربلند در برنامه‌ها و مراسم ویژه دهه مبارک فجر، همگام و همراه با ملت ایران، حماسه‌ای دیگر آفرید و بر دفتر زرین تاریخ، خاطراتی به یاد ماندنی را به ثبت رسانید.

بدین‌وسیله از کلیه اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران، نهادها و سازمان‌های وابسته، روحانیون عالی‌مقام، نماینده محترم ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی، خانواده‌های معظم شهدا، مسئولین محترم کنیساها، بیمارستان خیریه دکتر سپهر، کانون فرهنگی، هنری و اجتماع کلیمیان، سازمان بانوان، سازمان دانشجویان، مرکز موسیقی، کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان، انجمن اولیا و مربیان مدارس، فعالان اجتماعی و فرهنگی و آحاد همکیشان ارجمند که در طی این مدت با

- حضور در همایش «وطنم»
- حضور در ساحت مقدس و مطهر حرم حضرت امام (ره) در ۱۲ بهمن ماه
- آئین غبارروبی و عطرافشانی مزار شهدا در آرامگاه آشوریان و تجلیل از خانواده شهدای ادیان توحیدی در مراسم مهمانی لاله‌ها
- و حضور در راهپیمایی پرشکوه ۲۲ بهمن

ما را همراهی نمودند، صمیمانه قدردانی می‌نمایم.

همچنین به طور ویژه از فعالان محترم کمیته ورزش، کمیته جوانان، گروه موسیقی ترنم (۱۶۱۶)، گروه کرال و گروه موسیقی دانش آموزان سازمان دانشجویان که در برگزاری مراسم «جشن انقلاب» در تالار محبان (۱۸ بهمن) به نحو



شایسته‌ای ما را یاری نمودند و کلیه پزشکان متعهد و پرسنل فداکار بیمارستان دکتر سپهر در ارائه‌ی خدمات رایگان به بیماران سرپایی در ۲۲ بهمن ماه، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.  
با آرزوی پیروزی و سربلندی کشور عزیزمان ایران  
مسئول ستاد دهه فجر جامعه کلیمیان  
دکتر سلیمان کهن صدق

### جشن سالگرد پیروزی انقلاب توسط جامعه کلیمیان کرمانشاه



به همت انجمن کلیمیان کرمانشاه و به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، روز جمعه ۲۰ بهمن ماه، جشن انقلاب با حضور چهره‌های برجسته استانی، اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان کرمانشاه و همچنین جامعه کلیمیان کرمانشاه در محل کنیسی اتحاد این شهر برگزار گردید. مهندس رنجبر (فرماندار کرمانشاه) و دو تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی استان کرمانشاه از جمله چهره‌هایی بودند که در این مراسم شرکت داشتند.

از تهران نیز دکتر سیامک مره‌صدق و دکتر همایون سامه‌بیج در این جشن باشکوه حضور داشتند و به همراه دکتر جهان بخش قهرمانی (رئیس انجمن کلیمیان کرمانشاه) به ایراد سخنرانی پرداختند.  
تقدیر از خانواده‌های معظم شهدای کلیمی کرمانشاه و دبیران تعلیمات دینی و همچنین اجرای سرودهای مختلف مذهبی و ملی - انقلابی توسط گروه سرود کودکان و نوجوانان، از جمله آیتم‌های متنوع این مراسم بود.  
خاطر نشان می‌سازد در این مراسم، تصویری از جشن لاله‌های سال ۹۵، به دکتر قهرمانی تقدیم گشت و از این چهره برجسته و ایثارگر، قدردانی به عمل آمد.

### برگزاری مسابقه والیبال بین تیم‌های گیبور کلیمیان و آارات ارامنه به مناسبت دهه فجر



شنبه شب ۲۱ بهمن ماه به همت کمیته ورزش انجمن کلیمیان تهران و همکاری هیات مدیره باشگاه آارات در محل این باشگاه، مسابقه والیبال مابین دو تیم گیبور کلیمیان و آارات ارامنه برگزار گردید.

دکتر سیامک مره‌صدق، حاخام شموئل مسیح اسرائیلیان، اسکندر میکائیل، الیاس تراشندگان، فرید یاشار، مهندس فریدون طوبی، رحمت اله حوری زاده، دکتر کارن خانلری (نماینده ارامنه در مجلس شورای اسلامی)، برخی از اعضای کمیته‌های ورزش، فرهنگی،

تعاون و بهشتیه انجمن، سردبیر و برخی اعضای هیات تحریریه نشریه افق‌بینا و جمع کثیری از فعالین اجتماعی و همکیشان مشتاق و حامی تیم گیبور، از نزدیک شاهد برگزاری این رویداد ورزشی بودند. لازم به ذکر است تیم والیبالی گیبور کلیمیان در ست‌های اول، دوم و چهارم به پیروزی دست یافت و ست سوم را واگذار کرد به طوری که در مجموع توانست با نتیجه ۳ بر ۱ به پیروزی دست یابد.

### نشست مقامات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با برخی از شخصیت‌های ادیان توحیدی



روز سه‌شنبه ۲۴ بهمن ماه، به مناسبت دهه فجر، نشست صمیمانه‌ای به میزبانی مسئولین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور برخی از شخصیت‌های ادیان توحیدی برگزار گردید.

از طرف جامعه کلیمیان، جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، دکتر همایون سامه‌یح دکتر سلیمان کهن صدق، اسکندر میکائیل، مهندس فریدون طوبی، فرید یاشار، مهندس شاهین آشوری، ادموند معلمی، مهندس آرش آبایی، منوچهر سرافراز، فریده پوراتیان، ابراهیم سعیدیان، فرانک عراقی و تعدادی از اعضای کمیته‌های مختلف انجمن کلیمیان و فعالین اجتماعی حضور داشتند.

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در این نشست گفت: این نشست نشان می‌دهد که ایران دارای چه عمق و گستره‌ای است. وی ادامه داد: ما ایرانیان با ادیان مختلف دینی از جمله آشوری، کلیمی، زرتشتی، مسلمان و ... آنقدر به یکدیگر وصل هستیم که از سال‌های دور ایران را ساخته‌ایم و در کنار هم زیسته‌ایم. در این نشست مهندس فریدون طوبی در سخنرانی خود به معرفی گروه موسیقی سنتی ترنم کلیمیان پرداخت و توضیحاتی را در این خصوص ارائه داد. خاطر نشان می‌سازد این برنامه شاهد حضور چهره‌های برجسته کشوری همچون شهیندخت مولاوردی، دستیار ویژه رئیس جمهور در حقوق شهروندی بود.

### برگزاری نشست تخصصی مشترک مسئولین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اقلیت‌های مذهبی

روز سه‌شنبه ۲۴ بهمن ماه، جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، دکتر همایون سامه‌یح و مهندس آرش آبایی، به همراه سایر نمایندگان اقلیت مذهبی، در جلسه دوستانه‌ای با مسئولین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم و سایر ارگان‌های مرتبط با امور جوامع اقلیت‌های مذهبی شرکت کردند. تاکید بر آزادی جوامع اقلیت‌های مذهبی مطابق با مفاد قانون اساسی، اشاره صریح به چالش‌ها و مسائل مربوط به جوامع کلیمی و سایر اقلیت‌های مذهبی (از جمله امور مربوط به قصاص، ارث و صدا و سیما) و درخواست از مسئولین برای رفع نقصان‌های موجود، موضوع محوری این نشست را تشکیل می‌داد. ضمن آنکه در همین جلسه نمایندگان اقلیت‌های مذهبی، خواستار یاری و مساعدت هر چه بیشتر دانشگاه ادیان و مذاهب قم برای پیشبرد اهداف مشترک شدند.

## تشکیل دادگاه بین المللی مجازی محاکمه سوچی و فرمانده ارتش میانمار

اولین دادگاه بین المللی برای محاکمه عاملان نقض حقوق مسلمانان مظلوم روهینگیا، به دنبال سکوت جهانیان و مدعیان دروغین دفاع از حقوق بشر در قبال نقض گسترده حقوق مسلمانان میانمار، روز چهارشنبه ۲۵ بهمن ماه در دانشگاه امام صادق برگزار شد.

این دادگاه به همت مرکز بین الملل فضای مجازی سراج با همکاری دانشکده حقوق و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق و دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد. متهمان این دادگاه داو آنگ سان سو چی و مین آنگ هلینگ (فرمانده ارتش میانمار) بودند.

از طرف جامعه کلیمیان دکتر همایون سامه‌یح در این دادگاه شرکت داشت.



## برگزاری جلسه مشترک با معاونت بسیج در امور بین الملل

به دعوت علی عباسی، معاون بین الملل بسیج مستضعفان، دکتر همایون سامه‌یح با همراهی مهندس امید ماخانی و شهاب شهبامی‌فر، روز دوشنبه هفتم اسفند ماه در دفتر این معاونت واقع در پادگان ولیعصر، حضور به هم رساندند. در این دیدار آشنایی بیشتر با فرهنگ و رسوم کلیمیان و حذف برخی برداشت‌های ناصحیح، مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. همچنین در این جلسه، رییس انجمن کلیمیان خواستار حفظ حرمت اماکن مقدسه همچون مقبره استر و مردخای و رعایت احترام اعیاد کلیمیان مانند پوریم از سوی کلیه هموطنان از جمله بسیجیان عزیز شد.

معاون بین الملل بسیج مستضعفان نیز با بیان این که هر گونه توهین یا عملی بر علیه مقدسات اقلیت‌های مذهبی خلاف قانون است، مراتب تاسف خود را درباره برخی مسائل پیش آمده اظهار داشت و از انجام رایزنی‌های لازم با سایر نهادهای بسیج به منظور جلوگیری از تکرار چنین مسائلی خبر داد. وی بر تعامل مابین اقلیت‌های مذهبی و جامعه اکثریت و همچنین حفظ اصل احترام متقابل تاکید کرد و احترام به ادیان توحیدی را خواسته‌ی رهبر معظم انقلاب و نیروی بسیج دانست.

در پایان این جلسه دوستانه، هر دو طرف خواستار برگزاری نشست‌های دیگر و همایش‌های مشترک به هدف آشنایی هر چه بیشتر شدند.

## قرائت مگیلای استر در مدارس خاص کلیمیان و برگزاری جشن پایان دوره آموزشی در مدرسه

### موسی بن عمران

همزمان با جشن پوریم، مگیلای استر در حضور دانش‌آموزان مدارس خاص کلیمیان، قرائت گردید. در این مراسم علاوه بر اعضای انجمن اولیا و مربیان مدرسه و دبیران عبری، تعدادی از اولیای دانش‌آموزان جهت شنیدن مگیلا حضور داشتند. پس از قرائت مگیلا نیز هدایایی به دانش‌آموزان اهدا شد. ضمناً در ۷ اسفندماه نیز جشن پایان دوره آلف پت در مدرسه موسی بن عمران با حضور امید شایان‌مهر، فهیم لاله‌زاری، مسئولین مدرسه از جمله رابرت حمامی لاله‌زار و اولیای دانش‌آموزان برگزار شد. در این مراسم از دبیر مربوطه تقدیر به عمل آمد و از طرف کمیته فرهنگی هدایایی به دانش‌آموزان اهدا شد.

### برگزاری جشن پوریم و نوروز در مهد کودک ۱ (گرگان)



روز چهارشنبه ۱۶ اسفند ماه، نونهالان مهد کودک ۱ (گرگان) به همراه مسئولان خود، جشن پوریم و نوروز را برگزار کردند. اجرای اشعار مختلف، اجرای نمایش و اهدای هدیه به نونهالان از جمله بخش‌های مختلف این جشن بود. خاطر نشان می‌سازد علاوه بر اولیای نونهالان، اعضای انجمن بانوان کلیمی نیز در این برنامه حضور داشتند.

### بازدید جمعی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان از روند پیشرفت پروژه والفجر

روز پنج شنبه ۱۷ اسفند ماه، تعدادی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان با حضور در سایت پروژه والفجر، از نزدیک در جریان روند پیشرفت و ساخت آن قرار گرفتند. روند پیشرفت پروژه والفجر با همت مهندس دانیال مرادی و سایر اعضای کمیته املاک و همچنین حمایت‌های همه جانبه هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران ادامه دارد.



## برگزاری جشن نوروز برای کودکان تحت پوشش بنیاد شروین روبن زاده

در آستانه آغاز فصل بهار، بنیاد نیکوکاری شروین روبن زاده مراسم جشنی را برای کودکان تحت پوشش این بنیاد در ۲۱ اسفند برگزار کرد. اجرای گروه هنری و اهدای هدایای مختلف از جمله بخش‌های مختلف این جشن بود. بنیاد نیکوکاری شروین روبن زاده به منظور توانمندسازی و حمایت از زنان و کودکان آسیب دیده از سوگ و یاری رساندن به قشر محروم جامعه ایرانی، به عنوان اولین مرکز تخصصی درمان سوگ در ایران تاسیس شده است. این بنیاد سازمانی است غیردولتی، غیرسیاسی و غیرانتفاعی که با به کارگیری مستعدترین و باتجربه‌ترین داوطلبان و با انگیزه‌ترین حامیان مالی و با تکیه بر ارزش‌های والای انسانی (شفافیت، پاسخگویی و قدرشناسی) و پذیرش همه انسان‌ها فارغ از هر جنس و دین و نژاد و قومیت در سال ۱۳۸۴ تاسیس شد. بنیاد نیکوکاری شروین روبن زاده سعی دارد با استفاده از آخرین متد سوگ درمانی در دنیا و با هدف رشد پایدار، خدمات درمان سوگ را در کمیت و کیفیت مناسب و در زمان مقتضی، به افراد آسیب دیده از سوگ در اقصی نقاط ایران پهناور برساند.



## برگزاری جشن پوریم و نوروز مهد کودک ۲ (فاطمی)

روز پنج شنبه ۲۴ اسفند ماه، نونهالان مهد کودک ۲ (فاطمی) به همراه مسئولان خود، جشن پوریم و نوروز را در تالار اجتماعات مجبان برگزار کردند. اجرای سرود، نمایش و حرکات ژیمناستیک توسط نونهالان به همراه موسیقی از جمله بخش‌های مختلف این جشن بود که با استقبال گسترده والدین همراه بود.

## جشن پایان دوره آموزش اَلِف بت در مجتمع آموزشی روحی شاد



روز یکشنبه ۲۷ اسفند، جشن پایان یادگیری اَلِف بت در مجتمع آموزشی روحی شاد با حضور مدیر مجتمع محمود رضا علوی، نیما رنگ‌کار، فهیم لاله‌زاری، ایلن میشاعلیان و شرلین سیمانان برگزار شد. در این جشن علاوه بر شرکت پرشور اولیای دانش آموزان، مهندس امید محبتی مقدم نیز حضور داشت.

قرائت تورات توسط دانش آموزان پایه اول که باعث شگفتی حاضران شد، پخش کلیبی زیبا از فعالیت‌های آموزشی دانش آموزان، اهدای هدیه به دانش آموزان و

همچنین تقدیر از زحمات بی‌شائبه دبیر مربوطه، بخش‌های مختلف این جشن شاد و صمیمی را به خود اختصاص داد.




## تسلیت جامعه کلیمیان ایران بابت شهادت پرسنل نیروی انتظامی و نیروهای بسیج

پیرو بیانیه مورخ دوم اسفند ماه ۱۳۹۶، در مورد اتفاقات اخیر خیابان پاسداران تهران که منجر به شهادت تعدادی از پرسنل جان بر کف نیروی انتظامی و نیروهای خستگی‌ناپذیر بسیج سرافراز گردید، جامعه کلیمیان ایران با نهایت تأسف و تأثر ضمن عرض تسلیت به پرسنل نیروی انتظامی و نیروهای بسیج و خانواده‌های معزز آنان و سایر شهدای این حادثه این رفتار وحشیانه را مجدداً محکوم می‌نماید.

دکتر سیامک مره‌صدق (نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی)

دکتر همایون سامه‌یح (رئیس انجمن کلیمیان تهران)

دکتر سیامک مره‌صدق نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی	برنایسته در برابر تمام مسائل استحقاق دارد مسائل داخلی و خارجی کشور نظر کند. (اهل بدقت‌انسان)	 مجلس شورای اسلامی ایران دوره دهم
تاریخ: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶		شماره:
نامه وارده به دبیرخانه انجمن کلیمیان تهران شماره: ۲۴۳۰۶ تاریخ: ۹۲/۱۲/۲۶		
<p>"کلیمیان ایران همگام با سایر اقشار ملت موحد ایران حرکات آشوب طلبانه و ضد انسانی را تحت هر نام و عنوان محکوم می‌کنند"</p> <p>اتفاقات اخیر خیابان پاسداران تهران که منجر به شهادت تعدادی از پرسنل جان بر کف نیروی انتظامی گردید نشانه بارزی از رفتارهای غیرانسانی و ملحدانه دشمنان ملت موحد ایران است که به هیچ دلیلی و تحت هیچ لوایی قابل توجیه نیست.</p> <p>ضمن عرض تسلیت به پرسنل نیروی انتظامی و خانواده‌های آنان و سایر شهدای این حادثه این رفتار وحشیانه را محکوم می‌کنیم.</p>		
دکتر همایون سامه‌یح	دکتر سیامک مره‌صدق	
رئیس انجمن کلیمیان تهران	نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی	

### همکار عزیز خانم نسترن جاذب

تحمل فقدان سوگ پدر، صبری الهی را می‌طلبید. ما را در این غم جانکاه شریک بدانید.

هیئت تحریریه نشریه افق‌بینا

### سرکار خانم نسترن جاذب

درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم علو درجات را خواستاریم.

هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران

### خانواده محترم جاذب

درگذشت اسحق جاذب، خادم صدیق جامعه کلیمی را خدمت شما تسلیت عرض کرده و برای بازماندگان طول عمر آرزومندیم.

هیئت امنای کنیسای زرگریان

### همراهان عزیز افق‌بینا

#### دکتر ژان و نیوشا پایاب

درگذشت پدر بزرگ گرامیتان را تسلیت عرض نموده و برای شما عزیزان سلامتی آرزومندیم.

هیئت تحریریه نشریه افق‌بینا

از دوستان عزیزی که تبحری در نویسندگی دارند و تمایل دارند با مجله همکاری کنند، خواهشمندیم مطالب خود را به ایمیل مجله ارسال نمایند. بدیهی است در صورت هم‌خوانی با اهداف مجله به نام نویسنده چاپ خواهد شد.

قابل توجه همکیشان گرامی

**نشریه افق‌بینا آگهی می‌پذیرد.**





شب هارون یشایایی ۷ اسفند ماه ۹۶، خانه اندیشمندان علوم انسانی



تقدیر از خدمت گزاران جامعه کلیمی تهران، کمیته جوانان انجمن، ۱۸ بهمن ماه ۹۶، تالار محبان



مصا پزی و تلاش شبانه روزی کارکنان آن ، اسفند ماه ۹۶



سوزن دوزی کار دست  
منقش به بیرکت کهنیم (دعای کاهنان هنگام نماز جماعت)



יְבָרְכֶךָ ה' וַיְשַׁמְרֶךָ. יָאֵר ה' פָּנָיו אֵלֶיךָ וַיַּחַנְךָ. יִשָּׂא ה' פָּנָיו אֵלֶיךָ  
וַיִּשֶׂם לְךָ שְׁלוֹם. וְשָׂמוּ אֶת שְׁמִי עַל בְּנֵי יִשְׂרָאֵל, וַאֲנִי אֶבְרַכֶם.  
خداوند تو را برکت نموده و محافظت نماید. خداوند نور جلالش را بر تو تابانده و تو  
را شفقت نماید. جلال خداوند به تو رو نماید و برای تو سلامتی مقدر فرماید.

(تورات، سفر במیدبار - اعداد، فصل ۶)